



پروژه‌های جهان متحد شوید!

مسائل بین‌المللی

۶

بهمن - اسفند

سال ۱۳۶۳



انتشارات حزب توده ایران



اکتبر

تابلو اثر و. گ. تسیلاکف

نایسودی سرمایه داری و علامت و آثار آن برقراری اساسهای نظم کمونیستی مضمون
دوران نوشتارین جهانی را که اکنون آغاز گردیده و تشکیل میدهد.
و ای - لندن

فهرست مقالات این شماره :

نویسندگان مقاله ها	عنوان	صفحه
کارلوس رافائل رود ریگس	تأثیر اندیشه های اکتبر در سیاست جهانی :	
فرانتس موری	استواری ، پایداری و موضع سازنده	۲ - ۳
جیمس استوارت	هیستری ما با اتحاد شوروی صادقانه است	۶ - ۷
خالد بگداش	عامل عمده سالسازی سیاست بین المللی	۱۰ - ۱۴
	منشاء اعتقاد رقیب ما	۱۱ - ۱۴
	خبرهای کوتاه	۱۱
تاد اوش پور ریگی	در راه تحکیم نقش پیشتاز طبقه کارگر	۲۰ - ۲۲
-	آنتی کمونیسم مانعی در راه ترقی اجتماعی است	۲۳ - ۴۵
دیتمار آرنس	مبارزه برای شهر صلح و کار	۴۶ - ۵۳
کالی شانکار شوکلا	نیروها را چند برابر و کادرها را	
اوش کریشنان	آبدید می کنیم	۵۴ - ۵۹
-	از اسناد و مدارک	۶۰ - ۶۲
	در آینده مطبوعات	۶۳
کارلوس سوریا	سنت ها و دینمای آینده	۶۴ - ۶۵
	شصتین سالگرد تأسیس حزب کمونیست لبنان	۶۶ - ۷۰

تأثیر اندیشه های اکتبر در سیاست جهانی معاصر

و. ای. لنین ضمن صحبت درباره اهمیت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برای سرنوشت تاریخی جامعه بشری، مسئله صلح و مبارزه علیه جنگ را به ویژه متذکر می ساخت. او نوشت: "در این مسئله هم انقلاب اکتبر معصرتازه ای در تاریخ جهان گشود" که حاکی از "نخستین پیروزی امر نابودی جنگها بود" (۱). در سلسله مقالات گزیده ای که بجا میمانیم، شخصیت های برجسته جنبش کمونیستی و کارگری از تأثیر عوامل اجتماعی - سیاسی واید پولوژیک صلح که اکتبر پدید آورد، در سیاست جهانی معاصر و از نقش آنها در حل و فصل مرم ترسین و مهمترین وظیفه در روی زمین در حال حاضر یعنی جلوگیری از جنگ هسته ای صحبت خواهند کرد.

استواری، پایداری و موضع سازنده

کارلوس رافائل رود ریگس

عضو هیئت مرکزی کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا، معاون صد رشورای ولتی و شورای وزیران جمهوری کوبا

پیروزی پرولتاریای روسیه که ۶۷ سال پیش برهبری حزب بلشویک بدست آمد و برقراری

۱ - و. ای. لنین. مجموعه کامل آثار. (بزبان روسی) جلد ۴۴، صفحات ۱۴۹ و ۱۴۸.

حاکمیت سوسیالیستی در امپراطوری سابق روسیه به پیدایش نخستین کشوری در تاریخ در عرصه جهانی منجر گردید که هدف اساسی و تغییرناپذیرش دفاع از صلح است. ژ. ژوزف سوسیالیست مشهور فرانسه میگفت: «امپریالیسم جنگ را در خود پدید انسان نهفته دارد که ابروی سیاه و مد و برق را با دامنه این اندیشه بجاست اضافه کنیم: سوسیالیسم حامل صلح است.»

نه تصمیم خود بخودی و. ای. لنین و همزمانش، بلکه منطق تمام برنامه انقلابی آنها را ایجاد میکرد که حاکمیت تازه کارگری - دهقانی در ۲۶ اکتبر (۸ نوامبر) سال ۱۹۱۷ فرمان تاریخی صلح را اعلام کند و تمام خلقها و ولتها را با انعقاد بید رنگ پیمان صلحی عادلانه و دموکراتیک، صلحی که بعداً شرح داده میشد باید بدون الحاق جبری سرزمین های دیگران و فراموش باشد، فراخواند. معلوم است که کشورهای سوسیالیستی که صلح را اعلام میداشت و راههای رسیدن بد آنرا میجست همچنین آماده بود، در برابر ارتجاع تجار و کارمین الطالی برای دفاع از حقوق مردم خود به شدید ترین مبارزات دست بزنند. میدانیم که بلافاصله هم ناگزیر شد از آنان دفاع کند.

از آن زمان تا کنون حاکمیت شوروی، با استفاده از هر امکاتی، در قیقه ای هم از کوشش در جهت تأمین صلح استوار و دست یافتن به خلع سلاح همگانی و کامل باز نایستاده است. مثلاً، به هنگام مراجعه به تاریخ مذاکرات درباره مسائل صلح و خلع سلاح در جامعه ملل (ایالات متحده امریکسا بحلل سیاسی در این سازمان شرکت نداشت)، نمیتوان پیشنهاد های پیگیر هیئت نمایندگان اتحاد شوروی در ارتباط با خلع سلاح و گامهای معینی در این جهت را به یاد نیآورد. اتحاد شوروی و نمایندگان آن توجه مد اومی هم به تعیین مفهوم " متجاوز " مبدول داشته اند.

در باره همینستی مسألت آمیز کشورهای که دارای نظامهای اجتماعی گوناگون هستند باید گفت سخنان لنین در ارتباط با این مسئله بر همگان معلوم است. در سال ۱۹۲۰، هنگام پاسخگویی به خبرنگار آژانس اطلاعاتی امریکا " Universal Service " لنین در جواب سؤال مربوط به اساسهای صلح میان اتحاد شوروی و ایالات متحده اعلام داشت: " بگد ا سرمایه داران امریکائی همکاری نداشتند باشند، ما هم با آنها کاری نداریم " (۱) .

هرآنکه همانند ریگان سودازده آتشی کونینیم است، با تحریف آموزش مارکسیسم - لنینیم و شهت پراکنی علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، میکوشد آنها را به داشتن نیستد برقراری سوسیالیسم بکمک جنگ متهم سازد. ولی در کشورهای سوسیالیسم موجود چیزی که اینگونه اتهامات را تأیید کند وجود ندارد.

۱ - و. ای. لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۴۰، صفحه ۱۴۵.

نظریه اجتناب ناپذیر بودن جنگ جهانی هم بهیچوجه بهمارکسیسم - لنینیم تعلق ندارد. البته، این راست است که تئوری ما میگوید سرمایه داری به جنگ میکشاند. چنین گرایشی وجود دارد و در نظر نگرفتن آن ساده لوحی است. ولی همانطور که لنین و پیروان او نشان دادند سیاست استوار و معقول برای تأمین پشتیبانی از مواضع صلحجویانه و پیشنهاد های قابل قبول برای طرفین که امکان میدهند مسائل بحرانی سیاست بین الطالی را بوسائل غیر نظامی حل و فصل کنند (معلوم است که اتحاد شوروی و مجموعه جامعه کشورهای سوسیالیستی این را در نظر میگیرند که آمادگی برای دفع هرگونه خزش تجار و کارخانه بوسائل نظامی هم برای آنها ضروری است) میتواند به عزم و اراده آشکار خلقها (از جمله در کشورهای سرمایه داری) اتکا کند.

اتحاد شوروی هم در واقع ضامن و طور مد اوم در همین جهت میکوشد و اکنون هم که آنتسی کونینیم سبانه ریگان صلح جهانی را بخطر می اندازد، درست همین مشی آنرا تعیین میکند. در سیاست اتحاد شوروی استواری و خود داری در برابر تهدید و خطر با طرح فرمول های سازنده برای مذاکرات که هدف از آن کاهش تشنج بین الطالی از راه خلع سلاح تد ریحی و از بین بردن کامل آن بوسیله خلع سلاح همگانی و کامل است تلفیق میگردد. اتحاد شوروی و سایر کشورهای عضو پیمان ورشو مرتباً چنین پیشنهاد هائی ارائه میدهند. این قبیل پیشنهاد ها بطور پیگیر در سخنان رهبران شوروی ل. ای. برژنف، یو. و. آندروپوف و ک. او. چرننکو ارائه شده و میشود.

خطر، يك خطر واقعی است، ولی اجتناب ناپذیر نیست. مساعی اتحاد شوروی، تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی، صد ها میلیون کارگر، نمایندگان روشنفکران و دهقانان نه فقط در منطقه عظیم کشورهای در حال رشد، بلکه در کشورهای پیشرفته صنعتی هم (از جمله در کشورهای ناتسو همانطور که تظاهرات چندی پیش طرفداران صلح در پکن، لندن، نیویورک و پاریس نشان داد)، در جهت جلوگیری از جنگ است.

اعتقاد کونینست های کویا پانکه سوسیالیسم میستنی است که طرفدار صلح است و عزم و اراده خلقها مانع آتش سوزی هسته ای جهان نسوزیشود. این اعتقاد را بد آنها میدهد که جهان را میتوان نجات داد. ولی نباید در این باره اشی واهی شد. امکان روشن کردن آتش جنگ بوسیله نیروهای بدون مسئولیت بی شک وجود دارد. این نیروها اینک مستگیری اساس دولت ایالات متحده امریکارا تعیین میکنند و میکوشند مشی خود را به متحدین امریکادرناتو تحمیل کنند. محافظ مرتجع ایالات متحده میان کشورهای ناتو، بسا وجود تضاد های آشکاره گوش یفرمانهای دافع که امکان دادند بوشک های هسته ای امریکائی در اروپای غربی مستقر گردند.

گویا که سوسیالیسم در آنجا به واقعیت زنده ای مبدل گردیده نه فقط از خطری که صلح همگانی را تهدید میکند نگران است و در راه حفظ صلح هم مبارز میکند. با خطر جنگی راهم که اگر در نواحی مختلف

امریکای مرکزی و حوضه کارائیب آغاز نمود میتواند مرزهای خود را تا حدود زیادی گسترش داد و به این یا آن شکل به تمام امریکای لاتین سرایت کند احساس میکنیم . در چنین حالتی صحبت دیگر نه بر سر کوشش امپریالیسم برای حل تضاد با اصطلاح میان شرق و غرب یعنی سوسیالیسم و سرمایه داری بطریق نظامی بلکه سخن از جنگی است که زائیده سیاست مداخله جویانه دولت کمونی ایالات متحده امریکا و قصد آن برای تحمیل سیاست خود به امریکای مرکزی و غیر ممکن ساختن وجود نظام سوسیالیستی در کوبا و انجام انقلابهای واقعی در امریکای مرکزی و سایر نقاط امریکای لاتین است .

واکنش کوباد بر این خطا مبارزه آن در راه همزیستی مسالمت آمیز و حل و فصل مسائل بین المللی بطریق مسالمت آمیز در ارتباط است . کار پایه برنامه مانند حزب کمونیست کوبا وظیفه تأمین صلح را بنفشه هدف درجه یک و عمدتاً سیاست بین المللی حزب و تمام کشورهای میسازد . کوباد در سازمان ملل متحد و در جنبش کشورهای غیر متعهد و در ترکیب " گروه ۷۷ کشور " و در سایر مجامع بین المللی در دفاع از صلح در موضع استوار و بیگیری قرار دارد و برای آنکه گامهای معینی (اگرچه گامهای بسیار کوچکی هم باشد) در جهت پیشگیری از جنگ برداشته شود هر چه ممکن است انجام میدهد . در صلح محلی امریکای لاتین هم مسالمت طرفداران حل های مسالمت آمیز هستیم . رفیق فد . کاسترو طی نامه ای خطاب به روسای جمهوریهایی مکزیک و کلمبیا و ونزوئلا انگیزه های پشتیبانی ما از ابتکارات " گروه کونفدور " را بیان کرد و اظهار عقیده نمود که مسائل اروپای مرکزی و از جمله مسائل مربوط به مبارزه مردم سالوادور برای خرد و اتمام موکراتیک از وضع دراماتیک کمونی و فقط از راه مذاکرات باید حل شود .

کوبتا هم کوشش خود را در این راه بکار برده و میبرد . در ارتباط با آنچه به امریکای مرکزی و حوضه کارائیب مربوط میشود و کوبا حاضر است تمام تعهداتی را بپذیرد که در مذاکراتی که اکنون در جریان است بشمول سبب میرسد و همچنین تصمیماتی را که دولت نیکاراگوئه و چینه ساندرینیستی و انقلابیون سالوادور و روسای کشورهای امریکای لاتین اتخاذ میکنند انجام دهد . طبیعی است که این کار بنوع خود مسئله است که دولت ایالات متحده امریکا هم تعهدات متقابلیه تعهد بگیرد و در مسئولیت شریک باشد و زیرا بدون این تعهد و قبول مسئولیت حتی فکر صلح در امریکای مرکزی راه نمیباید بخود راه داد و چون خود واقعی از جانب ایالات متحده امریکا و فقط از جانب آن است .

در همین حال کوباد دفاع خود را تقویت میکند زیرا اگر کوبا ضعیف باشد و نتواند یکماتنیروهای مسلح کاملاً آماده و تمام مردم تیار و نظامی امپریالیسم را دفع کند و این فقط میتواند موجب تحریک اشتباهی امپریالیست های نو رنگان گردد . آنها در گر نادا ثابت کردند که غلبه آسان بر مردمی که امکان دفاع از خود را ندارند مطابق میل و سلیقه شان است . جمهوری ما با تأیید مکرر آمادگی خود برای مذاکرات و از جمله در ارتباط با امکان بررسی مسائل مورد اختلاف میان دولت های کوبا و ایالات متحده امریکا بر اساس احترام

مقابل به حفظ صلح بدینوسیله هم کمک میکند که امپریالیست ها را مجبور میکند بسر عقل بیایند و در تلاش برای تحقق نقشه های حمله و هجوم بدان شتاب نکنند و مرتکب این خطا نشوند .

ما ضمن برگزاری سالروز انکبوتنه فقط انزولتاریا که برای نخستین بار قلم ای رافتح کرد که کارگران فرانسه در دوران کمون پاریس بنسخه آن همت گماشتند و تجلیل بعمل میآوریم . نه فقط از خلقهای اتحاد شوروی سپاسگاری میکنیم که در مبارزه علیه هیتلریم و تمام نیروهای فاشیسم یعنی دشمنان سوگند خورده صلح سنگین ترین بار مسئولیت را بعهده گرفتند تا ان نیروی آنها در اروپا و سراسر جهان جلوگیری کند . ما با برگزاری سالروز انکبوتنه در همین حال نیروهای خود را برای دفاع از صلح با تمام وسائل بسیج میکنیم (طبیعی است تقویت نیروی دفاعی کشورهای ما هم از جمله آنها است) زیرا قدرت آفکار خلق بدون آن ممکن است باندازه کافی مقنع بنظر نرسد .

همبستگی ما با اتحاد شوروی صادقانه است

فرانتس موری

صدر حزب کمونیست اطریش

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر که هفت و هشتمین سالروز پیروزی آنرا برگزار میکنیم و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش و پیشرفت و تحکیم نخستین کشور سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم در یک ششم جهان همه با ترقی و تحولات عظیمی مربوط است که فقط منحصر به زندگی خلقهای اتحاد شوروی نمیشود . اهمیت اکبر کبیر برای جنبش کارگری بین المللی و جنبشهای رهائی بخش و برای مبارزه در راه صلح هم عظیم و قوت خود باقی است . ما با این راهبوسله یک نمونه مشخص تاریخی یعنی تجربه کشور ما نشان بدیم .

پیروزی انقلاب اکبر جنبش کارگری اطریش را بحرکت در آورد و مبارزه زحمتکشان نیروی عظیمی بخشید . این انقلاب به فرهادی موناخی (پادشاهی) اطریش و جارستان و اعلام جمهوری اطریش در نوامبر سال ۱۹۱۸ و برقراری دموکراسی پارلمانی بوزوای کمک کرد . کارگران اطریش در سالهای

۱۹۲۰-۱۹۱۸ موفق به انجام يك سلسله اصلاحات گردیدند . بطورمثال روزگار ۸ ساعته برقرار شد . قوانینی در باره شوراهای تولیدی و برخی ها و مانند اینها تصویب رسید . بورژوازی از بیم آنکه طبقه کارگر که از اندیشه های اکتبر الهام گرفته " بروسی زبان خواهد گشود " یعنی از انقلاب بورژوازم دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی می پردازد ، ناگزیر بود به چنین گدشت هایی تن در دهد .

اتحاد شوروی یگانه کشور بزرگی بود که الحاق اطریش به آلمان بوسیله آلمان هیتلری در مسانس سال ۱۹۳۸ را بر سمیت نفاخت . در بر توموضع پیگیر آن اهلای اطریش مستقل در میانیه سال ۱۹۴۳ مسکو منزله یکی از هدف نهایی نظامی متفقین اعلام گردید . اتحاد شوروی سهم قاطعی در آزادی اروپا از جمله کشورها ، از دیکتاتوری فاشیسم هیتلری و اسارت خارجی اد اگرد . این کار برای آن کشور به بهای قربانیان فراوانی تمام شد . بدین ترتیب مردم شوروی قهرمانی تاریخی رهائی بخش بسیار بزرگی از خود نشان دادند . آزادی کشورها به سه حزب دموکراتیک آن امکان داد ۲۷ آوریل سال ۱۹۴۵ سندی در باره تشکیل جمهوری دوم اطریش باضاه رسانند . امضای ای . کولینک صد حزب کمونیست اطریش هم که ده سال رهبری آنرا بعهده داشت زیر این سند است .

اتحاد شوروی ، سازمان و احسان ارتش شوروی از همان نخستین گامها برای بازسازی اقتصاد و بر طرف کردن گرسنگی بمردم اطریش بسیار کمک کردند . این اتحاد جماهیر شوروی بود که با اتکاء به وجهه بین المللی روز افزون خود و از موضعی پیگیر تحقق نقشه های کشورهای غربی را که خیال داشتند اطریش را قطعه قطعه کرده و سپس آنرا به بلوک نظامی غرب جلب کنند بر هم زد . شرایط مقدماتی برای انعقاد قرارداد دولتی در باره احیای اطریش مستقل ود موکراتیک و تصویب داوطلبانه وضع حقوقی بطرفی دائمی از طرف شورای ملی در ۲۵ اکتبر سال ۱۹۵۵ فقط هنگامی آماده شد که کشورهای غربی و رهبران احزاب سوسیالیست و خلق یقین حاصل کردند که اتحاد شوروی هیچوقت با تیدیل شدن اطریش به پایگاه نظامی خط مقدم کشورهای غربی برای مبارزه علیه کشورهای سوسیالیستی موافقت نخواهد کرد . قرارداد دولتی که بخشی از آن در قانون اساسی جمهوری با تیب یافته ، شامل مواد مهمی در باره تامین استقلال و آزادی و حقوق دموکراتیک و جلوگیری از پیدایش خطر مجدد فاشیسم است . بطرفی دائمی با امتیازهای بزرگی برای کشورهای تمام است . مناسبات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی اطریش با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از آن زمان به بعد رو به بر طرفه بطور مثبت پیشرفت کرده است . این مناسبات رابحقی میتوان بمنزله نمونه تحقق امکانات همزیستی سالمت آمیز و همکاری سود مند برای هر دو طرف میان کشورهای بشمار آورده که دارای سیستم های اجتماعی گوناگون میباشد . وجود روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی اینک در اطریش حفظ ۱۵۰ هزار محل کار را تامین میکند . این در حالی است که فئسار روز افزون رقابت انحصارها ، جامعه اروپا و ایالات متحده امریکا در ردیف علل دیگر پیدایش بیکاری دراز

مدت در کشور ما منجر میگردد و بیکاری هر چه بیشتر جوانان را راهم در بر میگردد .

حقیقت است اگر گفته شود ، پیروزی انقلاب اکتبر و وجود پیت اتحاد شوروی همواره در سر نوشت مردم اطریش تاثیری مثبت داشته است ، بدون وجود اتحاد شوروی اکنون اطریش مستقل و بیطرف وجود خارجی نداشت .

یکی از نخستین اقدامات قانونگذاری حکومت شوروی ۲۷ سال پیش از این فرمان صلح بود . از آن زمان صلح همواره اساس سیاست خارجی اتحاد شوروی بوده است . اگر ما امروز میتوانیم بگوئیم خلقهای اروپا و جمله مردم اطریش تقریباً چهل سال پس از پایان جنگ جهانی دوم در شرایط صلح بسر میبرند این وضع مقدم بر همه در نتیجه وجود اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و سیاست صلح پیگیر آنها بوجود آمده است . در واقع در بر توهین هم امکان جلوگیری از جنگ جهانی سوم بدست آمد . سوسیالیسم صلح بطور ناگسستی بهم ارتباط دارند . از این روماحق داریم بگوئیم : هر قدر سوسیالیسم مستحکم تر باشد ، صلح همانقدر استوار تر خواهد بود .

برای آنکه امکان جلوگیری از جنگ جهانی (و چنین جنگی بدون تردید به جنگ هسته ای مبدل میشد که بضا بودی تمام جامعه بشری منجر میگردد) بمواقعیست مستحکی مبدل گردد ، تشدید مبارزه خلقهای اروپای غربی و سراسر دنیا سرمایهداری هم لازم است . کمونیست های اطریش در ارتباط با این مسئله برای جنبش صلح اهمیت فراوانی قائل هستند . این جنبش نیروی شده است که مخالف حاکم امپریالیستی دیگر نمیتوانند آنرا بحساب نیاورند . جنبش صلح در کشور ما هم نیرومند شده است . در صفوف آن افرادی فعالیت میکنند که به احزاب مختلف تعلق دارند و معتقد اتفاق متفاوت است ، مانند مسیحیان ، سوسیالیست ها ، افراد غیر حزبی و کمونیست ها . کمونیست های اطریش در انجام کارها و وظائفی که طرفداران صلح در نتیجه بحث و مذاکره دموکراتیک مین میکنند سهمی سازنده دارند . ما از کارها به جنبش ملی در راه صلح پشتیبانی میکنیم ، زیرا این کارها به دولت فدرال کشور را برپا انگیزد تا موضع روشنی اتخاذ کند و پشتیبانی خود را از خواسته های بی مروط به خارج ساختن بوشکهای امریکائی از اروپا و جلوگیری از میلیتاریزه کردن فضای کیهانی ابراز دارد و همچنین با تشدید میلیتاریسم در اطریش مخالفت کند .

خطر روز افزونی که صلح ، آزادی و استقلال خلقها را تهدید میکند از جانب نیروهای ارتجاعی امپریالیسم ایالات متحده امریکا است و بیگان و دستگاه اداری او جری اراده آنها میباشد . اغسزایش تسلیحات هسته ای محل کار و سطح زندگی مادی زحمتکشان را تهدید میکند . مخالف تجاوز کار امپریالیسم در این او خشنودت کوشش میکنند ، اطریش را به سیاست ریباروشی با اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی بکشاند . در ارتباط با این امر از ناپای بیست و پنجمین کنگره مابویزه حافظ اهمیت بهر است که اشعار میدارد :

بهاره در راه صلح مهتمترین وظیفه سیاسی و ملی عمومی کمونیست های اطریش است . همبستگی ما با نخستین کشور سوسیالیستی و کشور اکبره اقدامات مادرانه دوستی میان خلقهای شوروی و اطریش به امر صلح خدمت میکنند و پاسخگوی منافع ملی اطریش میباشند .

عامل عمده سالم سازی مناسبات بین المللی

جیمس استوارت

دبیرکل حزب کمونیست ایرلند

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر با گذشتن دوران نوبی در تاریخ جهان محاکمی از پیدایش تحول کیفی در پیشرفت مناسبات سیاسی و اجتماعی جامعه بشری بمقیاس جهانی بود . طبقه کارگر برای نخستین بار برهبری پیشتاز خود حزب کمونیست با ثبات رسانید که قادر است با متحد پندش حاکمیت را از دست سرمایه بدر آورد و به پیش و بسوی ساختمان جامعه سوسیالیستی گام بردارد . از آنجا که این رویداد در بزرگترین کشور جهان بوقوع پیوست به پیدایش تغییرات عمیق در زندگی بین المللی منجر گردید و راه را برای ترقیات قابل توجه آینده و تشدید بهارزه طبقه کارگر بین المللی در راه آزادی اجتماعی و پیکار خلقها علیه استعمار کمبود و درک این نکته از طرف توده ها در سراسر جهان کمک کرد که باید به جنگهایی که نظامهای استثمارگرینشا آنهاست پایان داده شود .

بهروزی شوراهای در سال ۱۹۱۷ که با تارومار کردن نیروهای مداخله گر ۱۴ کشور امپریالیستی تثبیت گردید سرکوب نابود کنند و فاشیسم در جنگ جهانی دوم پیدایش تغییرات کیفی بعدی در تناسب نیروها در جهان را پی ریزی کرد . تشکیل سیستم سوسیالیستی جهانی نیروی محرکه تازه ای بمبارزه طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی در راترق سیاسی و اجتماعی و دموکراتیک به جنبش های آزاد بیخشی ملی در آسیا و افریقا و امریکای لاتین و همچنین در ایرلند بخشید .

سرمایه انحصاری از بیم از دست دادن مواضع خود در جهان اقدامات تبلیغاتی گسترده ای را در عرصه های ایدئولوژیک ، سیاسی و اقتصادی علیه اتحاد شوروی و تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی آغاز کرد که در تاریخ بنام " جنگ سرد " ثبت شد ماست . هدف آن مهارت از این بود که اتحاد شوروی را شغرد ساخته و به دست آورد های سوسیالیسم و جنبش آزاد بیخشی ملی خط بطلان بکشند . با وجود هیستری ضد شوروی و برغم تمام تلاشهای محافل امپریالیستی نیروهای سوسیالیسم بطور مداوم استحکام می یابند . به وجود پست استعمار منزله یکی از عوامل عد مناسبات جهانی پایان داده شده است و جنبش آزاد بیخشی ملی با اتکا به پشتیبانی اتحاد شوروی و جنبش کمونیستی جهانی به پیروزیهای تازه ای دست می یابد . طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری پیشرفته اروپا و در امریکای شمالی توانست به بهبود واقعی شرایط زندگی خود (اگرچه بطور موقت) و گسترش حقوق دموکراتیک در چهارچوب سرمایه داری تا نائل گردد .

مسئله عمده این است که با پیدایش سیستم جهانی سوسیالیسم که وجه اخلاقی - سیاسی و قدرت اقتصادی و دفاعی اتحاد شوروی تکیه گاه آنست و امپریالیسم ایالات متحده امریکا دیگر قادر نیست جریان رویدادها را در روی سیاره واد در کشورهای جداگانه تابع منافع خود سازد .

سوسیالیسم جهانی و نیروهای آزاد بیخشی اجتماعی و جنبش های آزاد بیخشی ملی صلح دوست برغم " جنگ سردی " که امپریالیسم برانگیخته بود مرتباً استحکام می یابند . کشورهای امپریالیستی در چنین شرایطی ناچار بودند به اشکال تازه ای از مناسبات بین المللی تن در دهند . سیاست صلح جوانه پیگیر اتحاد شوروی که به اصول لنینی همبستگی مسالمت آمیز کشورهای که دارای نظامهای اجتماعی گوناگون هستند و به برابری و امنیت یکسان متکی است عامل نیرومند و اساسی تشکیل این مناسبات تازه بود . این سیاست به کاهش تشنج و فراراد های هلسینکی منجر گردید .

ولی پدیده های تازه در زندگی بین المللی بمذاق گروههای معینی از محافل حاکمه کشورهای امپریالیستی همبزه آنانکه از دستگاه دولت ریگان در ایالات متحده امریکا دولت محافظه کار تاچرد در بریتانیا پشتیبانی بعمل می آورند خوش نیامده و نمی آید . این نیروها برانگیخته میشوند آنچه را که در هلسینکی بدست آمده برهم زنند . آنها با کمک وسائل ارتباط جمعی تبلیغات ضد شوروی و ضد کمونیستی را تشدید میکنند و استثمار اقتصادی کشورهای " جهان سوم " را افزایش میدهند و میکوشند با نیروی اسلحه خلقهایی را که بویخ امپریالیسم را بدور می افکنند سرکوب کنند و وحدت و یکپارچگی جامعه کشورهای سوسیالیستی را متزلزل سازند . دست یابید و تبهکار امپریالیسم ایالات متحده امریکا بسوی سالواد و رورتیکارا گوتو و افغانستان و لهستان و افریقا و خاورمیانه دراز میشود . در این حال در ایالات متحده و جمهوری فدرال آلمان و بریتانیا و ژاپن و سایر کشورهای پیشرفته سرمایه داری بحران جهانی با تجاوز به سطح زندگی زحمتکشان و حقوقی

دیوکراتیک آنان (که در جریان نبرد های سنگین بدست آمده) همراه است .
 حفظ صلح در روی سیاره بهترین مسئله ماصراست . خطر جنگ در نتیجه بی تجاوزکارانه
 دستگاه دولتی ریگان بطور سابقه ای افزایش یافته است . زیرا این دولت سابقه تسلیم حاکم را که به
 بهای صرف هزینه فراوان تنها میشود بیهوده بیترتی نظامی پیدا کردن بر اتحاد شوروی و متحدین آن
 ضمانت از ترقی اقتصادی و اجتماعی کشورهای سوسیالیستی ، دامن میزند .

استقرار موشک های بالدارو " پرشینگ های - ۲ " امریکائی در سرزمین های اروپا نقشه های
 ریگان برای میلیتاریزه کردن فضای کیهانی بمتشدد پد تظاهرات اعتراض آمیز در سراسر جهان انجامید .
 این امر در رجه اول به ایالات متحده امریکا ، هلند ، جمهوری فدرال آلمان و بریتانیا مربوط است که
 مخالف گسترده اجتماعی و از جمله کمیونسیت ها ، سوسیالیست ها ، اعضای احزاب پرورزواتی و شخصیت
 های مذهبی آنها استقرار موشک های امریکائی را عذیب محکوم میکنند . در جریان مبارزه علیه سابقه
 تسلیم حاکم ریگانی تود ماهارچه بیشتر درک میکنند که قرارداد ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی در
 یک ردیف بمنزله " ابر قدرت های " که با در دست داشتن سلاح هسته ای ، گویا هر دو صلح عمومی را
 تهدید میکنند نادرست است .

بسیاری از افراد وابسته به قشر های اجتماعی گوناگون ضمن اشتراك در مبارزه ذر راه خلع سلاح
 هسته ای (برغم تبلیغات موزیانه پرورزواتی) در باره سیاست صلحد و ستانه پیگیر حزب کمیونسیت اتحاد
 شوروی و کشور شوروی و موضع مستحکم آنها در ارتباط با این مسئله مهم حیاتی تصور درستی پیدا میکنند .
 اکنون تمداد کمانیگه با مشاهده موضع تجاوزکارانه آشکارا امپریالیسم امریکادرك میکنند که تکیه گاه
 صلح جامعه کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی هستند بجزان چشمگیری افزایش یافته است .

شماره های " زمین برای دهقان " ، " نان برای گرسنگان " و " صلح برای سراسر جهان "
 بیانگر برنامه انقلابی بلشویک هابود . آنها نه فقط امپراطوری سابق روسیه را درگرون ساختند ، بلکه
 جهان مارا تسمیر دادند و شرایطی بوجود آوردند که در آن سوسیالیسم جهانی پیدا آمد . سوسیالیسم
 جهانی نیروی است که قادر است طرفداران صلح را در سراسر کره زمین متحد ساخته و مورد پشتیبانی قرار
 دهد و میتواند سابقه تسلیم حاکم جنون آمیزی را که امپریالیسم آغاز کرد متوقف ساخته و خطر جنگ جهانی را
 برطرف سازد .

در اراضی ایرلند سلاح هسته ای وجود ندارد ، ولی در کشور مبارزه در راه حفظ صلح از طریق
 خلع سلاح هسته ای تشدید میگردد و قشر های اجتماعی گسترده ای را در بر میگیرد . مسئله صلح در ایرلند
 دارای خصائص ویژه ایست و اولویت مخصوص بخود دارد . ایرلند شمالی هنوز در زیر سلطه امپریالیسم بریتانیا
 قرار دارد و این بدان معنی است که بمنزله بخشی از ناتو در معرض تمام خطراتی است که این پیمان تجساور-

کارانه برای کشورهای که در آن داخل هستند ایجاد میکند . جمهوری ایرلند از لحاظ نظامی بیطرف است .
 ولی ایالات متحده امریکا و کشورهای عده جامعه اقتصادی اروپا در تلاش برای واداشتن دولت دلیلیسن
 به عضویت در ناتو به تحت فشار قرار دادن آن اقدام میکنند .

در مسئله صلح به عضویت ایرلند در این بلوک تجاوزگر موضع حزب کمیونسیت ایرلند کاملاً روشن است .
 مادرارگانهای محکوماتی خود ضمن فعالیت های تبلیغاتی خفیه کوششهایی را که کشورهای ناتو بعمل
 میآورند تا جمهوری را به پیوستن بد آنها متقابل سازند افشا میکند . این گام را کشورهای ناتو بمنزله شرط
 وحدت کشورهای ایرلند مطرح میسازند . چنین توافقی برای کشورمانه بمنزله حق تعیین سرنوشت و نه بدست
 آوردن استقلال سیاسی میدهد . بحکم مردم ایرلند را بیشتر به سوی و هوس و تشایلات بزرگترین کشورهای
 امپریالیستی وابسته میساخت .

در مقابل جنبش صلح در ایرلند دو وظیفه اساسی قرار دارد . یکی دفاع از بیطرفی نظامی جمهوری
 و به طرفت آن در جهت بیطرفی سیاسی مثبت خارج از چهارچوب اردوگاه امپریالیستی . دیگری مبارزه
 در راستای ایرلند بمنطقه فاقد سلاح هسته ای و ضمانت از استقرار موشک های بالدارو " پرشینگ - ۲ "
 و سایر سلاح های هسته ای در سرزمین ایرلند . خواه در شمال و خواه در جنوب .

نیروهایی که در این مبارزه شرکت میورند افزایش مییابد . این نیروها اعضای احزاب پرورزواتی ، سازمان
 های زنان ، جوانان ، دانشجویان و سندیگها و همچنین روحانیون و افراد کاتولیک و پروتستان را در
 بر میگیرند . سازمانهای اساسی که در کشور ما فعالانه در دفاع از صلح شرکت میکنند بدین شرح است :
 سازمان مبارزه و تبلیغات ایرلند در راخلع سلاح هسته ای که در سراسر کشور عمل میکند ، جمعیت ایرلند
 شمالی طرفدار صلح و خلع سلاح (باسندیگهای جنب آن) و " پاکس - کریستی " سازمان دهند .
 کاتولیک ها بقیاس سراسر کشور ، بنیانگذاری جنبش سندیکائی برای خلع سلاح هسته ای برهبری کمیته
 شمالی کنگره ترد و نیون ایرلند که در سپتامبر سال ۱۹۸۴ ایجاد گردید رویداد مثبتی بود . بلفاست در شمال
 و دلیلین در جنوب از طرف شورای شهر هرد و شهر مناطق بدون سلاح هسته ای اعلام شده اند . هنگام
 دیدار رسمی ریگان از جمهوری ایرلند در سال جاری این واقعه که مخالفت خلق ما با سیاست واکنش
 در عرصه سلاح های هسته ای و اقدامات تجاوزکارانه ایالات متحده امریکا علیه خلقهای امریکای لاتین چه
 دانش گسترده ای دارد آشکارا نمایان گردید . تظاهرات تود مای اعتراض آمیز در سراسر ایرلند انجام یافت .
 عظیمترین تظاهرات در دلیلین بوقوع پیوست . در این تظاهرات افرادی شرکت کردند که عملاً بیانگر تمام
 نظریات سیاسی موجود بودند ، اعضای سندیکاهای جوانان و زنان در آن شرکت جستند و زنان راهب و روحانیون
 نیز در صفوف مقدم آن قرار داشتند .

عزیزان ما مردم بر ما روشن است . اهالی جزیره ما هیچ نوع سلاح امریکائی را نمیخواهند ، آنها
 این را درک میکنند که استقرار این قبیل تسلیم حاکم در بریتانیا و سایر کشورهای اروپائی اساسی ترین حقی

دیوکراتیک و معنی حق زندگی را نقض میکند^۱ در جنگ عقاید هم که در ارتباط با این مسئله حیاتی شدت تازه ای یافته است و افراد هرچه بیشتری یقین حاصل میکنند که اکنون اتحاد شوروی و همانند سراسر دوران ۶۲ ساله پس از انقلاب اکثریاتی پیروی میکند که باید نهائی خلق سلاح وریشه کن ساختن خطر جنگهای جهانی برای همیشه تطابق دارد.

منشاء اعتقاد و یقین ما

خالد بکداغی

دبیرکل کمیته مرکزی حزب
کونیست سوریه

اندیشه‌های اساسی اکثر کپی‌ری که برهبری حزب پراختیاری لنین پیروزشد بطور بد اوم در تمام عرصه‌های زندگی هر کشور جداگانه و سیاره ما بطور کلی هرچه مؤثرتر و گسترده تر نفوذ میکند. این واقعیت در سراسر جریان پیشرفت‌های بعدی جامعه بشری تأیید گردیده است.

مهمترین اصلی که بنیانگذاران مارکسیسم - لنینیسم تدوین کردند بوسیله اکثر جامعه عمل پوشید امکان ساختمان جامعه ایست که از استثمار انسان بوسیله انسان فارغ باشد. اندیشه مهم دیگری که در سطور "مانیفست حزب کونیست" ک. مارکس و ف. انگلس گجانده شده این است که "بهمان اندازه که استثمار فردی بوسیله فرد دیگر از بین می‌رود و استثمار طبقه بوسیله ملت دیگر نیز از میان خواهد رفت" (۱). این اصل مارکسیستی - لنینیستی هم بر ما معلوم است که "در هر یک از ملت‌های معاصر دو مسأله وجود دارد ... (۲) این اصل عامل عبودیت ای را که خلقها را جدا میکند نشان میدهد و آن وجود

۱ - ک. مارکس و ف. انگلس - مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۴ - صفحه ۴۴۵

۲ - ای. لنین - مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۲۴ - صفحه ۱۲۹

دوطبقه است: استثمارگران و استثمارشوندگان و استثمارکنندگان. این اصل در ارتباط با کشورهای سرمایه داری نه فقط عادلانه بودن خود را حفظ میکند بلکه هرروزه آنرا برجسته تر نمایان می‌سازد. در اتحاد شوروی که وحدت سوسیالیستی تازه ای تشکیل یافته (مردم شوروی) و آنرا میتوان "ملیست زحمتکش" نامید و وضع طرد دیگری است. چنین وحدتی منبع اساسی نیروی قدرت جامعه سوسیالیستی پیشرفته است.

بطور کلی میتوان چنین گفت: الغای استثمار انسان بوسیله انسان و لغو اسارت و بردگی یک خلق بوسیله خلق دیگر و برابری حقوق میان کشورهای ملت‌ها و اقوام و کوچک و بزرگ و پیشرفته یا عقب افتاده حق هر خلقی برای استقلال سیاسی و انتخاب دواطلبانه راه پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و همزیستی مسالمت آمیز منزله محکمترین پایه مناسبات میان کشورهای آنکه دارای نظامهای اجتماعی گوناگون هستند و امتناع از تکرار بردن قوه قهریه و وسائل نظامی برای حل مسائل بین المللی و اینها همه اندیشه‌های اساسی هستند که پیروزی آنها را انقلاب اکثریته داد و جامعه بشری را میقاتکان دادند. همین اندیشه‌ها هرچه آشکارتر و بیشتر پیشرفت اوضاع جهان را تعیین میکنند.

نخستین عمل قانونگذاری انقلاب پیروزمند پرولتری فرمان صلح بود که آنرا و ای. لنین رهبر بزرگ انقلاب بزرگ امضا کرده بود. بدین ترتیب از همان آغاز سرشت صلح‌جویانه سوسیالیسم که اکنون قاطعانه یاد هفتتاک تیرین خطرات برای موجودیت تمدن در سیاره ما یعنی خطر آتشی‌سوزی تازه جهانی مقابله میکند و نمایان گردید. پس از پیروزی اتحاد شوروی در جنگ کپی‌ریستی و جامعه بشری اینک تقریباً چهل سال است بدون درگیریهای جنگی جهانی بسر میبرد (در حالیکه میان جنگ جهانی اول و دوم فقط ۲۱ سال فاصله بود). چه علت چنین شده است؟ مقدم بر هر چیزی در نتیجه افزایش قدرت اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی بطور کلی.

از همان آغاز روشن بود و ما گذشت زمان روشن تر گردید که انقلاب اکثریک تحول بنیادی در تاریخ جامعه بشری است. خوشتر آنرا چارشدیدی هم که امپریالیسم جهانی نسبت بدان دارد از همین جا است. تلاشهای خستگی ناپذیر آن در طول مدت بیش از شصت سال برای منفرد ساختن و تحت فشار قرار دادن کشورهای سوسیالیستی در حلقه محاصره و بطور کلی پایان دادن به نظام جدید هم از اینجاست می‌شود. این حقیقت روشن تاریخی است که هیچیک از پرولترهای رزمند و هیچیک از انقلابیون نمیتوانند متوجه آن نباشند. لنین بوقوع خود میگفت: "۰۰۰ مناسبات متقابل خلقها و تمام سیستم جهانی که کشورهای مبارزه گروه کوچکی از ملل امپریالیستی علیه جنبش شوروی و کشورهای شوروی که روسیه شوروی در رأس آنها قرار دارد تعیین میگردد. اگر ما این را از نظر دور نداریم نمیتوانیم حتی یک مسئله ملی - استعماری را هر چند سخن از دورترین نقطه جهان در میان باشد، بدرستی مطرح کنیم. فقط با توجه

به این نقطه نظر مسائل سیاسی میتوانند برسیله احزاب کمونیستی هم در کشورهای متحد و هم در کشورهای عقب مانده جهان بد رستی طرح و حل شوند. * (۱)

آیا این سخنان لنین در مرحله کوش پیشرفت جهانی بهم رسیده است؟ بنظر میرسد که لنین وضعی را که اینک پیش آمده، یعنی زمانی را که کشورهای امپریالیستی برهبری ایالات متحده امریکا در سودای "دفن کردن" سوسیالیسم موجود کوشش های پرتیب و تایی بعمل می آورند، پیش بینی کرده است.

اندیشه های اکبر و این نیروی مادی و معنوی بزرگی که تود ما را انقلابی میکند و با پیروزی اکبر پدید آمدن و بعد ها بکلیت آن تار و مار کردن هیترلسم یعنی دهشتناک ترین و تنفر آروزترین شکل بروز امپریالیسم میسر گردد و مانع جدی بر سر راه دساتن سبعمانه و تجاوزکارانه امپریالیست های امریکا و متحدین آنها در ناتو میباشند.

لنین نوشت: "بلشویک ها تا سیات بین المللی کاملاً دیگری بوجود می آورند که به تمام اقوام ستند پدید آید امکان میدهد از ستم امپریالیستی رهائی یابند" (۲) * کشورهای شوروی از لحظه پیدایش خود از این مضمی پیروی کرده است و با وجود دشواری های عظیم اقتصادی که پس از مدخله نظامی خارجی و جنگ داخلی ناگزیر با آنها برخورد کرده به کشورهای همسایه بسیار کمک کرده است. این کمک نقش مهمی در موفقیت انقلاب های آزاد بیخشی ملی که در آن کشورها آغاز گردید ایفا کرد. کشورهای آمریکا از بازار آزاد در مناطق مختلف کره زمین و از جمله از اقدامات ضد استعماری در کشورهای عربی مانند صومالیان سال ۱۹۱۹ در مصر، مبارزه رفی ها برهبری عبدالکریم در مراکش در سالهای ۱۹۲۶-۱۹۲۱ و صومالیان ملی سوریه در سالهای ۱۹۲۲-۱۹۲۵ پشتیبانی کرد.

بضمیت افزایش قدرت سوسیالیسم موجود، بویژه پس از پیروزی مردم شوروی در جنگ کبره میهنی و تشکیل سیستم جهانی سوسیالیسم جنبش آزاد بیخشی ملی هر چه نیرومندتر میشد. رژیم استعماری امپریالیسم فریاد میزد: در آسیا، آفریقا، امریکا لاتین و در خاور نزدیک دها کشور نو استقلال پدید آمد.

خلفهای عرب پشتیبانی کشورهای شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را به هنگام تجاوز و صومالیان انگلستان و فرانسه و اسرائیل، پس از ملی شدن کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ و تجاوز سال ۱۹۶۷ اسرائیل به کمک ایالات متحده امریکا را بخطر دارند. پیگیری موضع اتحاد شوروی با اردیگرد رجهان جنگ رهائی بخش اکبر سال ۱۹۷۳ و مقاومت قهرمانانه مردم لبنان در برابر مدخله نظامی امریکا و وصلات اغفالگرانه نیروی

۱- و ای. لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی)، جلد ۴۱، صفحه ۲۴۲.
۲- همانجا، جلد ۴۲، صفحه ۱۰۷.

نظامی اسرائیل نمایان گردید. کوتاه سخن، اتحاد شوروی در تمام حومه های سیاسی و نظامی و اقتصادی به جنبش آزاد بیخشی ملی عربی بی اندازه کمک کرده است.

کمک اقتصادی میهن اکثر کمک های سیاسی و نظامی آن کم اهمیت ترین نیست. بطور مثال در کوبا، سوریه، و تمام مؤسسات مهم اقتصادی که در افزایش درآمد ملی نقش اصلی را ایفا میکنند و هدف از تأسیس آنها این است که هسته صنایع سنگین کشور زمینهای استوار استقلال اقتصادی و بهر طرف و ترقی را بوجود آورند. مانند ایستگاه برق آب فوات، شبکه راه آهن، صنایع ملی نفت و پتروشیمی کارخانه های تهیه کود شیمیائی و نظایر اینها (همه بکمک کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول بکمک دوست صدیق ما اتحاد شوروی ساخته شده است).

اینها هستند اندیشه های اکبر که بر نتایج درخشان علی ساختن آنها که به زرف ترین شکلی در بهر طرف هر کشور و جهان بطور کلی تأثیر میکند.

اکنون تنها کمونیست هان هستند که با این اندیشه ها موافقت و در راستای آنها مبارزه میکنند. صدها میلیون نفر در تمام قاره ها شمارهای همزیستی مسالمت آمیزه برای حقوق در ضامیات میهن کشورها، تأمین امنیت خلفها و الغای آخرین مظاهر ستم ملی و استعماری، و بر طرف ساختن آنچه به جنگهای جهانی منجر میگردد و دفاع از صلح بمنزله مسئله اساسی قرن ما را مطرح میکنند.

روشن است که تعدد و خامت اوضاع بین المللی نتیجه مضمی است که صحت تجاوزکارانه امپریالیستی و مقدم بر همه ایالات متحده امریکا دنبال میکنند. ایالات متحده در تلاش است که به برتری نظامی دست یابد و سابقه تسلیحاتی و در درجه اول سلاحهای هسته ای را تعدد نماید. برای سلطه بر جهان سرانجامی شناختن استقلال ملی خلفها را متزلزل میسازد.

دستگاه دولتی ریگان هدفهای امپریالیسم امریکارا بعد ای بلند اعلام میکند و با گستاخی عمل میکند که در تاریخ به سابقه است. این امر با روشنی کامل در منطقه ما یعنی در خاور نزدیک هم نمایان میشود. واشنگتن با اعلام اینکه خاور نزدیک دارای "اهمیت حیاتی فراوان" برای منافع ایالات متحده امریکا است و همراه با "متحد استراتژیکی" خود اسرائیل صهیونیست سیاست مدخله جویانه را دنبال میکند. اساس نیات و مقاصد آنرا از کون ساختن رژیم های میهنی در منطقه، کمک به اسرائیل برای تصرف اراضی تازه ای از سرزمین های عربی و ایجاد پایگاههای نظامی و آژنهای "نیروهای واکنش سریع" و تثبیت حضور نیروی دریائی خود تشکیل میدهند.

کمونیست های سوریه همانند همه رفقای آنها در جهان عربی همراه با سایر نیروهای میهن پرست شرقی بدون توجه به وابستگی آنها به این یا آن جنبش میگویند نقشهای امریکائی - صهیونیستی را که در تحقق آنها یک سلسله از کشورهای عضو ناتو هم حرکت میکنند برهم زنند. مبارزه روز افزون خلفها

موفقیت های بارزی به بار می آید سوریه در مقابل دسائس مد اوم دشمنان و الغای قرارداد ۱۷ مه سال ۱۹۸۳ اسرائیل و لبنان از طرف جمهوری دموکراتیک خلق یمن و سایر کشورهای منطقه در هم بستگی با این اقدامات گواه بر این مدعی است . این مبارزه سهم ارزنده ای در مقابله با سیاست توسعه طلبانه جهانی ایالات متحده امریکا و رجنش جهانی برای حفظ صلح و رهایی جامعه بشری از جنگ هسته ایست .

کمیست ها از تمام امکانات برای وسیع توده ها و بنظر مبارزه در راه استقلال ملی و طبعه تمام دسائس امپریالیسم که بلاواسطه میهن ما و خلفهای سراسر منطقه را تهدید میکند و استفاده میکند . حزب ما بطور کلی از سیاست میهنی ضد امپریالیستی که دولت سوریه در پیش گرفته پشتیبانی میکند . این مفسی در فعالیت کلی حزب کمیست سوریه و همکاری آن در چهارچوب جنبه ملی شرقی با حزب بعث و سایر سازمان های که در جنبه شرکت دارند با ترتیب میباید .

سوریه با سیاست کمپ - دویچ که ایالات متحده همراه اسرائیل صهیونیست تحویل میکنند و طبعه استقرار پایگاههای نظامی در اراضی کشورهای منطقه و تمرکز ناوهای جنگی در آبهای آن قاطعانه مخالفت کرد میبکند . سوریه در راه آزادی تمام سرزمین های عربی که اسرائیل در جریان تجسوا و زوال ۱۹۶۷ اشغال کرده مبارزه کرده و میکند و بدون تنازل از حق خلق عرب فلسطین برای بازگشت به میهن خود و حق تعیین سرنوشت و ایجاد کشور مستقل ملی خویش پشتیبانی بعمل میآورد . سوریه از ابتکارات شوروی بنظر حفظ صلح روی کره زمین و از جمله از پیشنهادی که در ژوئیه سال ۱۹۸۴ در باره فراخواندن کنفرانس برای حل فصل مسائل خاور نزدیک با اشتراك تمام جوانب ذینفع (بانضمام سازمان آزاد پیشین فلسطین) مطرح ساخته پشتیبانی میکند .

ما این را در نظر میگیریم که چنین سیاستی خصلت میهنی دارد و مفسی عمومی مبارزه جامعه بشری شرقی در راه بر طرف ساختن جنگ هسته ای و حفظ صلح بین خلیفهها را دنبال میکند . در همین حال کمیست ها سوریه از کار پایه خود در بار مسائل داخلی صرف نظر نمیکنند . صحبت در درجه اول بر سر گسترش دموکراسی حل مسائل مهم زندگی مردم و دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان روستاها و اقدامات قاطعانه بنظر الغای مواضع بیرونی و بیرونی و طفیلی است که هم مردم و هم کشور را غارت میکنند .

حزب ما علاوه بر اشتراك در تظاهرات و اقدامات عمومی نیروهای صلح دوست علیه دسائس امپریالیسم به اقدامات گسترده دیگری هم بنظر آگاه ساختن توده های انبوه خلق از طبعه هسته ای دست میزنند . فقط در دمشق پایتخت کشور ۶۵ هزار انشا زیر طوماری جمع آوری گردید که برای رئیس جمهوری کشوره در بیرون سازمان ملل متحد صد رهیت رئیس شورای جهانی صلح فرستاده شد . در آن طومار سیاست امپریالیسم جهانی و مقدم بر همه ایالات متحده امریکا و آغاز استقرار پرشنگک ها و موشک های بالدار

امریکائی در اروپای غربی و ایجاد پایگاههای نظامی در اراضی کشورهای منطقه ماحکوم شده بود . بدین ترتیب در هماهنگی زنجری که طومار انشا کردند و از ابتکارات و پیشنهادات شوروی برای حفظ صلح پشتیبانی بعمل آوردند .

اعضاد کمیست های سوریه با مکان جلوگیری از طبعه هسته ای پیش از هر چیز متکی به نیرو و قدرت اتحاد شوروی و عزم راسخ آن بمسانعت از برتری یافتن بلوک ناتو کشورهای عضویمان و روش است . مبارزه گسترده و تنازل ناپذیر روز افزون توده های مردم طبعه مسابقه تسلیحاتی و بهره سلاح هسته ای و برای حفظ صلح جهانی منشاء دیگر این اعتماد است . اکنون در اروپای غربی و دیگر نقاط جهان و از جمله در ایالات متحده امریکا هم میلیون نفر با این مبارزه پیوسته اند .

خبر های کوتاه

دانمارک

باید بود شرکت جستن و ای . لنین در هشتمین کنگره انترناسیونال دوم (اوت - سپتامبر سال ۱۹۱۰) در کنگره و در کچه وستبروگاد از تابلویاد بودی با افتخار نشانگ از نخستین کسور سوسیالیستی در جهان با تشرفات شکوهمندی پرده برداری بعمل آمد .

جمهوری فدرال آلمان

در انتخابات شهردار بهاد بزرگترین ایالت کشور یعنی رین وستفالی شمالی حزب کمیست موفق شد تعداد نمایندگان خود در شورای شهرا از ۲۰ نفر به ۲۶ نفر افزایش دهد . علاوه بر این نامزد های انتخاباتی حزب کمیست آلمان در سه شورای محلی دیگر نیز انتخاب شدند که در دوتای آنها چنین انتخابی برای نخستین بار صورت گرفته است .

ایتالیا

حزب کمیست ایتالیا در انتخابات میاندوره ای شوراهای اداری در جزیره ساردینی ۲۸٫۷ درصد آراء را بدست آورد (۲۸٫۷ درصد پیش از انتخابات سال ۱۹۷۹) و در نفر به نمایندگان آن در شورای ایالتی افزود . حزب کمیست ایتالیا همچنین در جریان انتخابات پیش از موعد در ارگانهای حاکمیت در شهر های لید زانلو و مارتانو (ایالت آپولیا) و ریوسو - تریه (ایالت آمیلیا رومانی) هم موفقیت کسب کرد . مثلاً در مارتانو ۱۰ درصد پیش از انتخابات سال ۱۹۸۰ رأی آورد و از لحاظ تعداد آراء رأی دهندگان بر سایر احزاب سیاسی پیشی گرفت .

در راه تحکیم نقش پیشتاز طبقه کارگر

تاریخ پوریسکی

عضو نیروی سیاسی کمیته مرکزی
حزب کارگری متحد لهستان

چهل سال پیش کارگران لهستان بر رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی انقلاب کردند و ساختار جامع سوسیالیستی را آغاز نمودند. برای نخستین بار در تاریخ کشور ما طبقه ای حاکمیت را بدست گرفت که هیچکس را استثمار نمیکنند. این طبقه، پس از آنکه از زیر بارستم رهایی یافت سایر زحمتکشان را هم از ظلم و ستم آزاد کرد. کارگران به علت موقعیت خاص اجتماعی خود در جامعه با نخوت و فرور طبقاتی بیگانه اند و برای برقراری مناسبات عادلانه اجتماعی کوشش میکنند. این موقعیت و ویژگی‌های باایدیولوژی سوسیالیسم علمی نقش رهبری طبقه کارگر را ایجاد نظام جدید را پیشاپیش تعیین میکند. جهش عظیم به جلوه ریشرفت همه جانبه مردم لهستان در واقع با سوسیالیسم مربوط است. سوسیالیسم برای بیرون آوردن کشور ما از عقبماندگی گذشته امکان فراهم ساخت. جریسان صنعتی کردن کشور در اوقات بدترین نقاط لهستان را هم در بر گرفت و راه پیشرفت اقتصادی و فرهنگی را برای تمام زحمتکشان گشود.

طبقه کارگر لهستان با ایجاد تغییر و تحول در وضع میهن، خود نیز دستخوش تغییر و تحول گردید. طی دوران حاکمیت خلق، طبقه کارگر توانا انجاشد کرد که طبقه اساسی و اکثریت عمده ترین طبقه جامعه گردید. اکنون در کشور هفت میلیون و شصت هزار نفر کارگر وجود دارد. اگر پیش از جنگ کارگران با اعضای خانواده خود، روی هم رفته کمتر از یک سوم اهالی را تشکیل میدادند، اینک بیش از نصف جمعیت کشور را در بر میگیرند. در جمع افرادی که در اقتصاد کشور مشغول به کار هستند ۴۴ درصد را کارگران تشکیل میدهند و در بخشی که به مالکیت اجتماعی درآمده تعداد کارگران ۶۲ درصد شاقلمین است. طبقه کارگر لهستان نیروی عمده اقتصاد کشور و تولید کننده اصلی نعم مادی است. اگسر

بلافاصله پس از جنگ صنایع و امور ساختمانی فقط ۲۷ درصد درآمد ملی را تشکیل میدادند این رقم به ۶۰ درصد میرسد. کارگران صنایع تعیین کننده درجه فرهنگ کار در جامعه کنونی لهستان هستند.

پیشرفت صنایع ملی با تمرکز تولید همراه بود. اینک در کارخانه‌ها و فابریک‌ها هستی که پیش از پنج هزار نفر کار میکنند (این قبیل مؤسسات بطور کلی ۲۰ درصد مجموع مراکز صنعتی است) ۱۷۵ درصد تمام کارکنان صنایع مشغول به کار هستند و مؤسساتی که پرسنل آنها هزار نفر و بیش از آنست (دو درصد مجموع مؤسسات) بیش از ۵۰ درصد تمام کارکنان صنایع فعالیت میکنند. کولکتیوهای (گروهها - دستهها، مترجم) بزرگ کار برای تأثیر در وضع اقتصاد کشورهای کمالات زیاد و در اختیار دارند. آنها با پتانسیل‌های عظیم تولیدی سروکار دارند که حجم و کیفیت فرآورده‌ها و ترقی تکنیکی و سازمانی اقتصاد وابسته به استفاده صحیح از آنهاست. کولکتیوهای این قبیل مؤسسات به علت وحدت و یکپارچگی و آمادگی خود نیروی سیاسی عظیمی میباشند و حزب کارگری متحد لهستان، بدون اینکه اجازه بدهد محافظان دشمن از این نیرو سو استفاده کنند بدان متکی بود و آیند نیز به آن اتکا خواهد کرد.

معلوم است که طبقه کارگر لهستان یک دست و متجانس نیست. کارگران نه فقط در مؤسسات عظیم صنعتی، بلکه در مؤسسات کوچک در مراکز صنعتی قدیمی با سنن پرولتری کهن و در مناطق جدیدی که تا همین چندین پیش کشاورزی بودند کار میکنند. در ردیف کارگرانی که تسل اندر تسل کار کرده اند در لهستان کارگرانی هم هستند که هنوز کوه پیش ارتباط نزدیکی با روستاها دارند. این رانیز علاوه بر این که بخشی از کارگران صنایع اینک از ماشین‌های خود کار و نواری‌های مصرف استفاده میکنند در حالیکه بخش دیگر که تعدادش بسیار زیاد است و ساقبل مکانیکی در اختیار دارد و بخش سوم که تعداد آنها هم بجز این قابل ملاحظه ای زیاد است وابسته به کار جسمی (فیزیکی) میباشد. این اختلاف در طرز کار کارگران لهستان در برخی از خصوصیات آن‌ها تأثیر میکند، مثلاً در رشد ناموزون آگاهی طبقاتی آنها. با وجود این مسئله عمده این است که کارگر لهستانی خود را صاحب وسائل تولید و ایجاد کننده بلا واسطه ارزشهای مادی و فردی میدانند که بحساب کار خودش زندگی میکند. همین طبقه کارگر را در واحدها یکپارچه ای متحد و منسجم میسازد.

بخش قاطع کارگران لهستان اصول و آرمانهای سوسیالیسم را قبول دارند و درک میکنند که در واقع آنها تمهین کننده نقش کارگران در جامعه ما هستند. این طرفداری از نظام جدید را بحران‌هایی هم که طی تاریخ پس از جنگ ما چند بار تکرار شدند و زمانی هم که دشمن طبقاتی در تلاش احیای احیای احوال و روحیه خرد و بورژوازی و آنارشیستی - سندیکائی در توده‌ها بود، متزلزل نساختند. تظاهرات

زحمتکشان همیشه زیر این شعار صورت میگرفت "سوسیالیسم آری و تحریفان نه". کارگران ما اکثر مردمان شرافتمند و علاقمند به کار هستند، ولی بین آنها افرادی هم هستند که به کارها از روی وجدان برخورد نمیکنند و در زندگی مواضعی دارند که برای کمونیست ها بیگانه است. حزب کارگری متحد لهستان وظیفه خود را این میداند که به پیشرفت تمام طبقه برپایه بهترین سنن آن کمک کند.

شانزد همین پلنوم کمیته مرکزی حزب کارگری متحد لهستان (ژوئن سال ۱۹۸۴) که جلسایش در بزرگترین مرکز پرولتری کشور یعنی شهر لودزی که با سنن انقلابی کهن خود شهرت دارد تشکیل میشد به جستجوی راههای حل این مسئله اختصاص داده شده بود. در کار پلنوم علاوه بر اعضای کمیته مرکزی ۸۰ تن از کارگران و کارکنان کارخانه ها، فابریک ها و معدنچیان اعم از حزبی و غیر حزبی شرکت جستند. پلنوم قطعه نامه ای راه تصویب رساند که خطوط اساسی سیاست حزب کارگری متحد لهستان را در مورد افزایش نقش طبقه کارگر در زندگی کشور تعیین میکرد. رفیق و باروزلسکی دبیر اول کمیته مرکزی حزب کارگری متحد لهستان ضمن سخنرانی خود در لودزی هدفهای ساختمان جامعه نورراچنین تعیین کرد: "سوسیالیسم نظامی است که شایستگی هر شهروند و هر کارگر را بالا میبرد و مناسباً تازه اجتماعی هم در عرصه تولید و هم در سایر عرصه های زندگی بوجود میآورد. سوسیالیسم از اندیشیدن با مقولاتی مانند "مال ما"، "مشترک" و "جمعی" جدائی ناپذیر است و این امکان میدهد منافع خصوصی و تمایلات فردی انسانها را با هدفهای مشترک تلفیق کنیم" (۱).

تجربتهاریخی نشان داد که طبقه کارگر جامعه نور فقط بر رهبری حزب مارکسیست - لنینیست میتواند بسازد، زیرا چنین حزبی سازمان یافتگی لازم و وحدت سیاسی آنرا تضمین میکند و تمرکز بخشی فعالیت در راه سازندگی را تأمین میکند. حزب مجبوز به ایدئولوژی است که امکان میدهد در تاریخ جامعه بشری تحول ایجاد کرد و مانند پشه های پیشرو اجتماعی را تحقق بخشد. حزب با این ایدئولوژی توده هارا همبجهز میسازد.

حزب و نمایندگی سیاسی مجرب آن یعنی نهیمن کنگره فوق العاده حزب کارگری متحد لهستان که بیانگر منافع طبقه کارگر لهستان در مجموع آنست بطور استوار خط مشی تحکیم خصلت کارگری سیاست ما و استحکام روابط حزب با طبقه کارگر را در پیش گرفت. این مقدم بر هر چیزی معنی خدمت به طبقه ایست که حزب از بند نه آن نشوونما میکند. امید و آرزو و تمایلات آن ماهیت و مضمون برنامه ها و نتایج حزب کارگری متحد لهستان را تشکیل میدهد. مسائل مبتلا به زندگی روزمره کارگران و دشواریهای آن موضوعی است که کمونیست های لهستان را عمیقاً به دقت و تأمل و امید دارد.

۱ - شانزد همین پلنوم کمیته مرکزی حزب کارگری متحد لهستان. ورشو، ۱۹۸۴، صفحه ۹۹.

توانایی حزب در سازمان دادن توده ها وسیع آنها برای انجام بزرگه ای که مطرح میکند شاخص استواری روابط زحمتکشان و حزب است. و. ای. لنین معتقد بود که: "پیشتر فقط هنگامی وظیفه پیشتر از انجام میداد که قادر باشد از توده ای که رهبری آنرا بعهده دارد جدا نشود و تمام توده را واقعاً به پیش ببرد" (۱). او تاکید میکرد که "خود را" پیشتر، واحد پیشرو نامیدن کافی نیست، باید چنان هم عمل کرد که همه بقیه واحد ها هم ببینند و مجبور باشند اعتراف کنند که ما به پیش میرویم" (۲).

حزب طراز لنین وظیفه خود را کوشش در تشکیل آگاهی طبقاتی کارگران میدان و حزب کارگری متحد لهستان هر کمونیست لهستانی را موظف میکند اصول و هدفهای سیاست آنرا تبلیغ و از آنها دفاع کند، در جمع همکاران خود پیشرو باشد و بطور تمرکز بخشی در موضعگیری آن جمع تاثیر کند. آنچه برای این کار مهم است، این است که کمونیست ها مسائلی را که پدید میآید هر چه سریعتر درک کنند و درستی ارزیابی نمایند، شیوه های موثری برای حل آنها پیشنهاد کنند و قادر باشند رفقای همکار خود را به معقول و مستدل بودن این قیاس راه حل ها قانع سازند. ما بدین نکته واقفیم که برای آنکه اعضای حزب بتوانند به کمونیستی که آرمان لنین بود نزدیک شوند چقدر زیاد باید کار کرد. ولی فعلاً میان آنها، متأسفانه افرادی هم هستند که از لحاظ سیاسی منحرف میباشند و گاهی درباره پدیدها زندگی اجتماعی، سطحی قضاوت میکنند و برای آنکه بواقعیات امری بپردازند کوششی بخرج نمیدهند. در سالهای مرتبط با بحرانی در لهستان صفوف حزب را تقلیل یافت. برخی بعین خود حزب را ترک کردند، گروهی زیر فشار دشمن سیاسی و ده ای هم طبق قرارهای حزبی. کارگران میان این سه کاتگوری کمونیست های قدیمی درصد کوچکی نیستند و همین باعث نگرانی ما است. این هم درست است که تمام کسانی که از حزب کناره رفتند به حزب کارگری متحد لهستان پشت نکردند. بسیاری از آنها در سده ها و در جنبش میهن پرستانه رستاخیز ملی فعالیت میکنند. بخشی از آنها میخواهند به حزب بازگردند و اساساً همه حزب هم چنین امکانی را از آنها سلب نمیکند.

اکنون کارگران در حدود ۴ درصد اعضای حزب کارگری متحد لهستان را تشکیل میدهند. این حزب خصلت توده ای خود را حفظ میکند. پس از دوران خارج شدن افراد از حزب، اینک گرایش به ورود نامزد های تازه عضویت در آن تشدید میگردد و تقریباً نیمی از این افراد جدید را کارگران تشکیل میدهند. ما میکوشیم فعالان تر آنها را به صفوف خود جلب کنیم و برای این کار مقدمات هر چیزی و وجه تمرکز بخشی فعالیت سازمانهای حزبی در مؤسسات را بالا میبریم. این سازمانهای یکی از وظایف اولیه خود را تحکیم

۱ - و. ای. لنین، مجموعه کامل آثار (بزرگان روسی) جلد ۴۵، صفحه ۲۳.

۲ - همانجا، جلد ۶، صفحات ۸۴ - ۸۳.

موضع خود میان کارگران میدانند . حزب کارگری متحد لهستان بر این عقیده است که کارگران در ترکیب آن باید اکثریت را تشکیل دهند .

ولی خصلت کارگری حزب فقط با ترکیب اجتماعی آن معین نمیشود . میدانیم که در او خرسالهای هفتاد تعداد کارگران در حزب کارگری متحد لهستان بیش از هر زمان دیگری بود ولی تأثیر آنها در شکل دادن به سیاست اجتماعی - اقتصادی حزب و دولت کافی نبود ، زیرا رهبری به سخنان وضای زحمتکشان کمتر توجه میکرد . حزب کارگری متحد لهستان این طرز کار را قاطعانه محکوم کرد و تمام اقدامات لازم را بعمل میآورد تا اشتباهات گذشته تکرار نگردد .

اینک بسیاری از نمایندگان طبقه کارگر در ترکیب ارگانهای عالی رهبری حزبی و دولتی فعالیت میکنند . در نهمین کنگره فوق العاده حزب ۶۹ تن از کارگران به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شدند و چهار نفر از آنها را عضویت بوروی سیاسی کمیته مرکزی برگزیدند . این پر شمارترین گروه کارگران - رهبران در تمام طول تاریخ حزب ما است . ۹۸ کارگر نماینده سیم (پارلمان) هستند و تقریباً نیمی از اعضای شورای اجتماعی - اقتصاد پارلمان از کارگران مؤسسات مهم میباشند .

در دوران فعالیت های انتخاباتی و رسیدگی به اقدامات گذشته که اخیراً برگزار گردید سهم کارگران در بسیاری از ارگانهای دیگر حزب کارگری متحد لهستان هم افزایش یافت . در کمیته های ایالتی ، آنها تقریباً یک سوم اعضا و در کمیته های حزبی مؤسسات بیش از ۴ درصد را تشکیل میدهند . یک سلسله از ارگانهای حزبی بابت کار خود کارگران را به مقیاس گسترده در فعالیت کمیسیون ها و گروههای مختلف شرکت میدهند . بطور مثال جنب کمیته ایالتی ششمین گروه شورشی تشکیل گردیده است که صد هاتن از زحمتکشان مؤسسات و از جمله غیر حزبی ها در ترکیب آن شرکت دارند . در سازمانهای اولیه حزبی هم همینطور عمل شده است . از این قبیل نمونه ها در بسیاری از ایالات میتوان برشمرد . اشتراک قشرهای انبوه کارگران در فعالیت سازمانها و ارگانهای حزبی ، بیوژه در مراکز بزرگ صنعتی اینک میزان ونورم عادی کار میگرد . ولی در این زمینه هنوز کارهای زیادی باید انجام داد ، زیرا بدستورات کمیته مرکزی حزب کارگری متحد لهستان در مورد این مسئله فعلاً در همه جا عمل نشده است .

طبقه کارگر همراه با دهقانان و روشنفکران زحمتکش سوسیالیسم میسازد ، زیرا منافع اساسی تمام زحمتکشان با هم مطابقت میکند . اتحاد کارگران و دهقانان ریشههای عمیقی دارد که از مبارزه مشترک آنها در احکامیت خلق سرچشمه میگیرد . این دو طبقه تعیین کننده خصلت کشور ما هستند و در عملکرد سیستم سیاسی ، ساختار اقتصاد و فرهنگ ملی لهستان تأثیر قاطع دارند .

به اهمیت اتحاد طبقه کارگر با روشنفکران بطور سیستماتیک افزود میشود . بخش بزرگی از این قشر اجتماعی از لحاظ ژنتیک با کارگران و دهقانان مرتبط است . در باره روشنفکرانی که در رشته های تکنیکی

تخصص دارند باید گفت ، آنها از لحاظ خصلت کار و تمرکزیشان در مؤسسات تولیدی بکارگران نزدیک هستند . حزب کارگری متحد لهستان برای آنکه روشنفکران در مجموع خود بتوانند پشتیبان تولید کنندگان باشند ، فعلاً نه به برآورده شدن نیازهای اجتماعی و فرهنگی آنها باری رسانند ، معلوماتی را که در دسترس آنها بود انشکده های سوسیالیستی فرا گرفته اند به کارگران منتقل کنند و آگاهی تاریخی اقتصادی ، حقوقی و حسن مسئولیت آنها را بمنزله یک شهروند بالا ببرند ، شرایط لازم را فراهم میکند . در ضمن میان روشنفکران لهستان بعضی اصطلاح " دوستان خلق " هم هستند که میکوشند فکرو ذهن کارگران را از طریق هدایت در جهت مخالفت با منافع عینی اجتماعی متحول سازند . این قبیل " دوستان " همصداهای تبلیغاتی بورژوازی " مجازاتهای " ضد لهستانی دستگاه دولتی کنونی ایالات متحده امریکارا میسازند ، به الغای جشن های کارگری و ملی و تحریم انتخابات شورا های خلق و مانند اینها فرامیخوانند . راه طبقه کارگر از راه این قبیل " مشاورین " جدا است .

ما کمونیستیم و یاد گستری بنا می کنیم که قانون در آن مراعات میشود . در ضمن بطور پیگیر امکانات طبقه کارگر را برای آنکه عملاً نقش رهبری خود را تحقق بخشد گسترش میدهم ، تا بنا بگفته لنین " کارگر آگاه خود را در کارخانه خود نه فقط مالک ، بلکه نماینده کشور احساس کند ، تا او احساس مسئولیت نماید ، کارگر آگاه باید بداند که او نماینده طبقه است " (۱) .

نقش سیاسی کارگران وابسته به این است که سهم آنها در فعالیت نهاد های مختلف دموکراسی اجتماعی تا چه اندازه مؤثر است . در ضمن فعالیت نه آنقدر با شاخص های کمی (مثل تعداد نمایندگان ارگانهای نمایندگی و مانند اینها) که با اشتراک واقعی و اصل در سیستم حاکمیت خلق اندازه گیری میشود . کنفرانس سراسری نمایندگان نهمین کنگره فوق العاده حزب کارگری متحد لهستان (سال ۱۹۸۴) در این وظیفه را در مقابل تمام حزب و هر یک از سازمانهای آن مطرح ساخت که : مکانیسم اشتراک کارگران در پروسه تصمیم گیری را تکمیل نمایند .

نهاد اساسی که طبقه کارگر در آنجا نقش رهبری خود را در کشور عینی میسازد شورا های خلقی است . آنها منافع کارگران را عملاً تأمین میکنند و پیشرفت هر چه بیشتر سیستم سیاسی سوسیالیسم و تحکیم روابط میان رهبری کشور و شهروندان را جامعه عمل میپوشانند . قانون ویژه شورا های خلقی (۳) که سال گذشته بنا به توصیه نهمین کنگره حزب تصویب رسید آنها را صاحبان واقعی ناحیه خود میکند . آنها میتوانند

۱ - و . ای . لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۳۶ ، صفحه ۳۷۰ - ۳۶۹ .
۲ - طبق اساسنامه تازه حزب کارگری متحد لهستان نمایندگان تمام اختیارات خود را در تمام مدت زمان بین دو کنگره حفظ میکنند ، اواسط این فاصله زمانی کنفرانس نمایندگان کنگره سراسری لهستان فراخوانده میشود . هیئت تحریریه .
۳ - شرح ترمجوع کنید به مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۴ سال ۱۹۸۴ .

در باره تمام مسائل مهمی که به زندگی اهالی مربوط میشود تصمیم بگیرند . شکل استفاده از این امکانات بمنایندگان ، استواری روابط آنها با انتخاب کنندگان و به نفع بودن جامعه و در درجه اول طبقه کارگر به فعالیت شوراهای بستگی دارد .

حزب ما با آنچه پس از تصورات کارگران در باره عدالت و اخلاق منافات دارد قاطعانه مبارزه میکند . برای این کار تدابیر سازمانی مهمی اتخاذ کرده است . بطور مثال مجمع عالی بازرسی (۱) حالا تابع پارلمان است ، کمیته ویژه شورای وزیران مخصوص مراعات قانون تشکیل گردیده است . ولی ارگانهای بازرسی دولتی بمنتهای قادر نیستند نقض قوانین را پیشه کن کنند . برای مبارزه با این قبیل حالات نقض قانون بنایگفته نشین باید دهها هزار کارگر برگزیده ، پیشرو و وفادار به سوسیالیسم که استعداد رشوه خواری و چپاول راند دارند و میتوانند نیروی آهنینی علیه ... دلالان ، گران فروشان رشوه خواران و برهم زنندگان نظم ایجاد کنند " (۲) برای این کار دامن همت بر گمزنند .

حزب پیشنهاد کرد بازرسی کارگری - دهقانی که عنصر مهمی در گسترش دامنه حاکمیت خلق است بوجود آورده شود . نقش آن باید مبارزه مستقیم و موثر با رد ناک ترین پدیده های زندگی باشد که اغلب عمیقاً جامعه را تحقیر میکند . این پیشنهاد که در شانزده همین پنجم کمیته مرکزی حزب کارگری متحد لهستان مطرح شده در سازمانهای حزبی کارخانه ها مورد بحث و مذاکره است .

ابتکار دیگر حزب در جهت تکمیل سیستم مشورتهای اجتماعی و بررسی آراء عمومی و نظریات و ارزیابی های زحمتکشان است . از جمله چنین مشورتهایی پیش از تصویب برنامه سه ساله پیشرفت اجتماعی - اقتصادی کشور ، در باره مسائل اقتصادی و مبارزه با تورم بعمل آمد . آراء و نظریات زحمتکشان هم در ارتباط با تدوین ماده جدیدی در باره انتخابات هم با توجه به تنظیم بهای کالاها برای خرده فروشی که قرار است عملی شود جمع آوری گردید . طرح " قانون مربوط به سیستم شوراهای خلق و خود مختاری منطقه ای " هم یکی از موضوع هائی بود که در باره آن مشورت بعمل آمد . هر سخنی هر عقیده ای برای حزب کارگری متحد لهستان با ارزش است ، ولی نظریات کارگران بویژه حائز اهمیت است .

ارگان های خود مختار که در آنها بوجود آورده شده حد اکثر امکان را برای اشتراک زحمتکشان در رهبری تولید فراهم میآورد . وظیفه آنها مطابقت دادن منافع تمام جامعه با منافع کولکتیوهای کاراست . شوراهای کارگران مسئول استفاده از بنیاد های مؤسسات یعنی بخشی از دست آورد ها خلق میباشند . ارگانهای خود مختار که بر پایه موازین حقوقی و سیاسی موجود عمل میکنند

۱ - ارگان عالی کنترل دولتی جمهوری خلق لهستان . هیئت تحریریه .
۲ - و . ای . لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۳۶ ، صفحه ۳۵۶ .

با کمک به استحکام کشور ما به تأمین پیشرفت هر چه بیشتر خود یاری می رسانند .

اشتراک مستقیم طبقه کارگر در اداره اقتصاد ملی لهستان واقعیت انکارناپذیری است . در نود درصد تمام مؤسسات دولتی که ۸ میلیون کارگر در آنها کار میکنند شوراهای کارگری انجام وظیفه میکند . نزدیک به صد هزار نفر در این شوراهای عضویت دارند که تقریباً ۶ درصد آنها را کارگران تولیدی تشکیل میدهند .

حزب به بهبود این فعالیت زیاد اهمیت میدهد . جنب شورایی دولتی جمهوری خلق لهستان پارلمان و شوراهای خلقی ایالتی ، کمیسیون هائی ویژه اداری تولید ایجاد گردیده که هر یک دارای یک سلسله وظائف ویژه و تکرار نشدنی است . رهبری حزب چند ی پیش جلسه مشورتی به اشتراک اعضای صد ها کمیته خود مختار ترتیب داد که در آن تبادل نظر نمودند به دیالوگ حزب و نمایندگان طبقه کارگر مبدل شد .

بسیاری از ارگانهای خود مختار از حقوق و امکانات خویش بد رستی استفاده میکنند ، ولی این استفاده را کامل نیست . برخی از آنها از اختیارات خود گام را فراتر نهاده و از منافع محدود مؤسسه دفاع میکنند ، به بهبود فعالیت های اقتصادی آنها و بالا بردن کیفیت فرآورده ها کمک میکنند و عقید منظرهات سندیکا ها را بحساب نمیآورند . حزب اعلام میکند که این کارها منافع زحمتکشان در تضاد است .

بعقیده ما هیچ شورای کارگری نباید وسیله استتاری برای بریز و پاش وندانم کاری باشد ، در نقطه مقابل دولت سوسیالیستی قرار گیرد و فقط منافع مؤسسات را در نظر بگیرد . این قبیل گرایشها محلی گرایانه خود اندیشه مستقل بودن و خود مختاری مؤسسات را متزلزل میکند . اگر نمایندگان پرسنل اداری هم میان سازمانهای حزبی و سندیکائی و شوراهای کارگری در کارخانه ها و فابریک ها اتفاق و تفرقه اند ازند حزب عمل آنها را محکوم میکند .

سندیکا ها که حلقه جدائی ناپذیر سیستم اجتماعی سوسیالیستی هستند باید در تحکیم رسالت سیاسی طبقه کارگر نقش فوق العاده مهمی ایفاء کنند . سندیکا های مادر سالهای بحران در لهستان متفرق و پراکنده بودند (۱) ، آنها اکنون در شرایط تازه احیا میشوند و هم اکنون توده ای تر - سن سازمانهای طبقه کارگر و تمام زحمتکشان میباشد که ۴۷ میلیون عضورا متحد میکنند . شصت درصد از اعضا سندیکا ها را کارگران تشکیل میدهند .

۱ - در سالهای ۱۹۸۱-۱۹۸۰ در جمهوری خلق لهستان اتحادیه هائی بودند که به " همبستگی " پیوسته بودند . علاوه بر آنها اتحادیه های صنفی حرفه ای و خود مختار و همچنین سازمانهای دیگری که به هیچیک از آنها وابسته نبودند وجود داشت . هیئت تحریریه .

سند یکه‌های لهستان طبق اراده طبقه‌کارگر پیشرفت میکنند . آنها در حرف و در عمل طرفداری سیاسی خود را از اندیشه‌های سوسیالیسم نشان میدهند و نقش رهبری حزب را قبول دارند . سند یکه‌های تازه تمام اعضای سازمانهای صنفی سابق را بر پایه این اصل می‌پذیرند که : " ما نمی‌پرسیم کی از کجا می‌آید ، مهم این است که او می‌خواهد به لهستان توده‌ای بدهد و زحمتکشان خدمت کند " . حزب با چنین برخوردی موافق است . نجات و اقداماتش نسبت با اتحاد پیمای صنفی مطلقاً صادقانه است . خواستهای آنها را حزب دولت بیانیگرنیازهای طبقه‌کارگر بشمار می‌آوردند . به همین سبب ما می‌گوئیم این قبیل خواسته‌ها را جدا نمود توجه قرار دهیم و آشکارا مستدل پاسخ بدیم که کدامیک از این نیازمند به‌هم‌راه هم اکنون میتوان برآورده ساخت و کدامیک را در توجیه چیزی از لحاظ اقتصادی واقع - به‌بنانه نیست با ما منافع جامعه ، یعنی خود کارگران در دراز مدت منافات دارد . فقط بررسی صادقانه و آشکارا مسائل و از جمله دشوارترین آنها از طرف رهبری حزب و دولت و شخصیت‌های جنبش سند یکه‌ای ما را به مرتفع ساختن دشواریهای اقتصادی و بهبود شرایط کارروندگی مورد نظر یک میکند .

در لهستان اصلاحات اقتصادی در دست انجام است . این کار در شرایط بحرانی صورت می‌گیرد . حزب تمام اقدامات خود را در این زمینه تابع هدف‌هایی هر چه سر به‌عتر کشور از دشواریهای اقتصادی کرده است . اصلاحات هم اکنون نتایج اولیه را به‌بار آورده است . گرایش‌های رشد در اقتصاد کشور افزاینده می‌باشد . تولیدات صنعتی گسترش پیدا میکند ، دامداری احیا می‌گردد ، تنزل درآمد واقعی اهالی متوقف می‌شود . وضع در بازار داخلی بتدریج بهبود می‌یابد . کولکتیوهای بسیاری با فداکاری و جدیت در انجام کارها فرآورده‌هایی با کیفیت عالی تهیه می‌کنند .

ولی دشواریهای اقتصادی هنوز بسیار زیاد است . مثلاً ، جلوی تورم گرفته نشده است و کمبود برخی از کالاها بحال خود باقی است . بی‌آمدهای " مجازات‌های " امریکایی که هنوز باقی مانده و وارستگی در صد هائی که ماه به اعتبار هندگان غربی میبرد ازیم مانع پیشرفت ما در برطرف سازی بحران اقتصادی است . ولی نواقص و کمبودهای ما ملل دیگری هم دارند . سطح شربخشی اقتصادی که ما بدان دست یافته ایم ، با زده‌های و کیفیت کار و وضع انضباط در کار هنوز رضایت بخش نیست و پیروسی‌های تولیدی هنوز خوب سازمان داده نشده است .

موفقیت در اصلاحات و برطرف ساختن دشواریهای کنونی ، مقدم بر هر چیزی به فعالیت بیشتر طبقه کارگر و همچنین به سازماندهی معقول کار و رهبری ماهرانه یعنی به موضوع روشنفکرانی که در رشته‌های تکنیکی کار میکنند ، بستگی دارد .

حزب شرایط لازم را برای پیروی از سیاست معقولی در ارتباط با کارها بوجود آورد . اینست که

عطفی ساختن اصول و موازین آن وظیفه سازمانها و ارگانهای حزبی است . به عقیده ما کمیسک در آرای این خصوصیات نیست ، کمیسک قادر به رهبرای ساختن کارها نمی‌باشد و منافع زحمتکشان را مورد توجه قرار نمیدهد نمیتواند در مقام رهبری قرار گیرد . طبقه‌کارگر خواستار این است که سیاست ما در ارتباط با کار و هاروشن و آشکارا باشد . حزب کارگری متحد لهستان هم با جدیت فراوان در همان جهت فعالیت میکند .

ما سعی میکنیم احترام بکار و کیفیت آنرا که متزلزل شده بود از نو برقرار سازیم تا کار معیار اصلی ارزیابی هر فردی بشود . کشور سوسیالیستی حق کار کردن را برای شهروندان تضمین میکند ، ولی بنوبه خود خواستار برخوردی از روی وجدان بکار از طرف آنهاست و آشتی ناپذیری با تنبلی و سب‌خواری (که همان کارگران هم دیده میشود) عدم سازش با بی توجهی و اسراف در استفاده از مالکیت عمومی و مبارزه با دزدی در مؤسسات را طلب میکند .

وضع در هر چه استفاده واقعی از زمان کار هم در کشور ما ، مانند گذشته ، بد است : زمان کار واقعی بحساب سرانه کارگران فقط ۶۱ درصد زمان اسمی (نومیال) میباشد .

گذشت واقعات در مقابل چنین پدیده‌هایی بمعنی رضایت و سکوت در برابر کاهش ثروت عمومی و کاهش دستمزد زحمتکشان شرافتند است . ولی فقط بکمک دولت و دستگا‌های اداری هم نمیتوان در تمام مؤسسات نظم و ترتیب و انضباط را برقرار ساخت . این وظیفه مهم را باید خود کولکتیوهای کار و سازمانهای حزبی و سند یکه‌ای در سطوح پایین و ارگانهای خود اداره نمودن هم انجام دهند .

بد کار کردن و بدی کیفیت فرآورده‌ها با اخلاق سوسیالیستی در تضاد است . حزب کارگری متحد لهستان بر این عقیده است که کارگران کمونیست با سرعشق قرار گرفتن در انجام کار از روی وجدان و با کیفیت عالی میتوانند و باید نقش ویژه‌ای در برطرف ساختن این نواقص ایفاء کنند .

برای تجدید سازمان و احیای اقتصاد این نیز حائز اهمیت است که هر کولکتیو و هر فردی که کاری انجام میدهد سیاست اقتصادی را بطور کلی خوب درک کند . به وظائف مؤسسات و خود آشنا باشد . معلومات اقتصادی زحمتکشان اکنون عامل بسیار مهمی است که بکولکتیوهای کارگری کمک میکند موقعیت خود را بمنزله صاحبکار در تولید درک کنند و راه خروج از وضع دشوار موجود را سریعتر بیابند . پیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب مسئله مهم ساختن آنها با معلومات اقتصادی را بطور مخصوص مورد توجه قرار داد .

قرارهائی که به تصویب رسانده است امکان میدهد تصدیقات حلقه‌های مختلف حزب ما در این عرصه دقیق‌تر معین شود .

تفاوت میان عادات گذشته و اصول جدید فعالیت‌های اقتصادی گاهی سوء تفاهم و تشنج ،

از جمله در محیط کارگری ، ایجاد میکند . بعضی ها عادات معمول و سبب برطرف ساختن دشواریها

رافقط فقط مداخله ارگانهای مرکزی حاکمیت میداند. البته، این ارگانها برای انجام اصلاحات اقتصادی کارهای زیادی انجام میدهند، ولی کولکتیوهای مؤسسات هم باید بهمین اندازه کارکنند. بر خورد کهنه بفکار در این نیز نمایان میگردد که بخشی از کارگران میکوشند شرایط زندگی خود را بهبود بخشند و فقط بدنیال بالا بردن نوبت و مکرر دستمزود ها هستند. بعضی ها بالا بردن دستمزود ها بمیزان ۱۷ درصد در سال ۱۹۸۴ را که طرحریزی شده بود اینطور تفسیر میکردند که این افزایش دستمزود گویا باید فرد فرد کارکنان را صرف نظر از نتایج کار آنها و فعالیت مؤسسات در برگیرد. نظر حزب قاطعانه این است که افزایش دستمزود ها فقط باید بار شد باز دهنی کار و گسترش دامنه تولید میسر گردد. در شرایطی که اصلاحات تحقق مییابد میزان دستمزود را خود مؤسسات مقرر میکنند و این نکته بسیار مهم است که آنها این کار را عادلانه و بر حسب سهمهمین هر فرد در کار مشترک انجام دهند.

بعقیده ما کاهش اختلاف در میزان دستمزود ها کار درستی نیست. بطور برابر هیچوجه بمعنی عادلانه نیست. عدالت در پرداخت دستمزود بمیزان کارمیت که واقعا انجام گرفته است، البته با در نظر گرفتن سود مندی اجتماعی، کیفیت و نتایج آن. حزب طرفدار قائل شدن فرقی و تفاوت است، اگر در پس آن کار از روی وجدان، خلاقیت و استعداد نهفته باشد. در چنین حالتی اضافه کردن دستمزود افراد را برای انجام کار با کیفیت عالی توفیق میکند و آنها نیرومیدهد و رضایت مادی و معنوی آنها را فراهم میسازد.

بهبود شرایط مادی زندگی زحمتکشان هدف استراتژیک سیاست اجتماعی - اقتصادی ما و مجموع فعالیت های کشور سوسیالیستی است. رهبری حزب کارگری متحد لهستان میدانند که طبقه کارگر هم مانند بخش بزرگ اهالی لهستان بار سنگین فشارهای بحران را بدوش میکشد. حزب وظیفه خود را در این میدانند که با مشکلات عادلانه تقسیم شود.

اکنون ۱۶ درصد درآمد کارگران را وجوهی تشکیل میدهند که در درجه اول برای کمک به خانواده هائی در نظر گرفته شده که واقعا آنها زندگی باری و پشتیبانی دولت میباشند. ولی حزب در عین حال آشکارا اعلام میکند که راه بهبود شرایط زندگی، مقدم بر هر چیز از طریق ازدیاد درآمد است که در نتیجه افزایش شربخشی تولید، بازدهی کار و کیفیت بدست میآید و نه از راه ازدیاد حق دریافت کمک های مختلف نقدی و جنسی و یا از راه کسب امتیازات سندیکائی.

مسئله بالا و پائین رفتن قیمت ها جزو بحث بسیاری در محیط کارگری ایجاد میکند. این باعث نگرانی است که افزایش مداوم درآمد ها مانند گذشته بر افزایش بازدهی کارسخت میگردد. این فقط تورم را تشدید میکند. هنوز ما به ازدیاد چشمگیر تولید کالا های مصرف عموم دست نیافته ایم و زلوتی (۱)

هرچه بیشتری در کیف پول مردم باقی میماند بدون آنکه تضمین واقعی کالائی داشته باشد. دولت این معضل را در جریان مشورت های گسترده با کارگران برطرف خواهد ساخت.

همانطور که گفتیم طبقه کارگر لهستان هرگونه انحراف از اخلاق کارگری و نظم و ترتیب و از جمله داشتن درآمد های هنگفت بی اساس و زندگی راحت و آسوده بحساب دیگران را محکوم میکند. حزب علیه ارتکاب جرم و انواع اشکال بیماریهای اجتماعی بشدت مبارزه میکند. کمیته اجتماعی شورای وزیران جمهوری خلق لهستان مسائل مربوط به رعایت نظم اجتماعی و انضباط را مورد بررسی قرار داد. مبارزه علیه گرانفروشان و محتکرین شدت یافته است. بدیهی است ما میدانیم، گرانفروشی و احتکار را تا وقتی که در بازار کالا باندازه کافی نباشد نمیتوان کاملا برطرف ساخت. ولی مبارزه را قطع نمیکیم، باید امکانات سوء استفاده کنندگان را که کالا های کمیاب را بدست میآورند و چند برابر گرانتر بفروش میرسانند کاملا محدود ساخت. مردم و طبقه کارگر در این کار ما را پشتیبانی میکنند.

کمیته دولتی که در بالا بدان اشاره کردیم، فعالیت بخش خصوصی را هم که باعث خشم و انتقاد شدید زحمتکشان میگردد کنترل میکند. بسیاری بر این عقیده اند که بخش خصوصی در شرایط کمبود کالا ها بحساب طبقه کارگر گسترش میدهد. گسترش معین فعالیت بخش خصوصی از واقعیات است.

از جمله سهم حرفه های مختلف در گردش خرد کالائی از ۱۹۹ درصد در سال ۱۹۷۹ به ۲۰۹ درصد در سال ۱۹۸۳ افزایش یافت. گردش تجارت خصوصی ۲ درصد گردش کالا بطور کلی است. فیرم های خصوصی که به اتباع خارجی تعلق دارند ۲۵ درصد محصولات صنعتی کشور را تولید میکنند. ولی در ضمن درآمد بخش خصوصی بوسیله سیاست مالیاتی تنظیم میشود: دولت علیه درآمد های زیاد از حدی که بحساب سوء استفاده بدست میآید و به ایجاد سیستم ارزش هائی که برای مابیمانه است میانجا قاطعانه مبارزه میکند.

بدین ترتیب، فعالیت بخش خصوصی در چهارچوب قانون در کشور ما بر پایه نیازهای اجتماعی و اقتصادی استوار است. ولی، حزب، طبقه کارگر دولت در ساختن جامعه نوبتاً به زیر بنای مادی - تکنیکی سوسیالیسم و برتریهائی که ویژه نظام ما است اتکا میکند و میکند. در این عرصه کارهای زیادی در پیش است. ما میخواهیم مسابقه سوسیالیستی پر تحرک و موثر و دامنه داری را آغاز کنیم و جنبش مخترعین و بهسازی پروژه تولید را شربخشی ترسازیم. افزایش نقش و اهمیت مؤسسه سوسیالیستی در زندگی زحمتکشان بسیار مهم است. مؤسسه سوسیالیستی علاوه بر انجام وظائف تولیدی باید وظائف دیگری را هم (در زمانه های زندگی اجتماعی و در عرصه تربیت و فرهنگ) در ارتباط با کارکنان خود به بهترین وجهی انجام دهد.

حزب بفعالیت بیشتری میان جوانان و در درجه اول بین کارگران جوان پرداخته است. در

نهمین پنوم کمیته مرکزی حزب کارگری متحد لهستان (سال ۱۹۸۳) درباره مسائلی که در این عرصه پیش می آید صحبت شد . کمیته ها ابتکارات اتحاد جوانان سوسیالیست لهستان را در جهت پشتیبانی از سند یگا های تازه ، افزایش نقش پسران و دختران در ارگانهای خود را در نظر گرفتن و حل مسائل جدی اجتماعی تأیید میکنند . در نقطه مقابل تزد دشمنان ما در برپایسیف بودن جوانان با منسل با اصطلاح از دست رفته ، ابتکارات جوانان در تولید ، بهبود آموزش حرفه ای کارگران جوان ، تشدید فعالیت سازمانهای جوانان و دید های مثبت دیگر قرار دارد . ارتباط میان نسل قدیم و جدید در طبقه کارگر لهستان ، ارتباطی ناگسستگی است .

طبقه کارگر ما و جنبش هدفهای عالی در برابر خود دارند . راه رسیدن به این هدفها راه دشواری است . امیرالیسم هیچوقت با تحکیم نظام اجتماعی که در آن حاکمیت به کارگران تعلق دارد سازگار نمیشود . به همین سبب دفاع از سوسیالیسم وظیفه مستمر همین پرستانه و انترناسیونالیستی کارگران است . در شرایط دشواری اتحاد شوروی کمک مادی بزرگی به جمهوری خلق لهستان میکند و پشتیبانی سیاسی فراوانی بعمل می آورد . سایر کشورهای سوسیالیستی هم مشکلات و دشواریهای ما را درک میکنند و از خود حسن نظر نشان میدهند . نتایج کفرانس اقتصاد کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی در سطح عالی که تابستان سال جاری تشکیل گردید و مرحله تازه ای در همکاری اقتصادی برادرانه را آغازینها برای لهستان توده ای حاضر اهمیت ویژه ای هستند .

با ایشهم دست یافتن به هدفهایی که در برابر ما است مقدم بر هر چیز ، بستگی به خود ما دارد . در سرود " انترناسیونال " چنین بیتی وجود دارد : " هیچکس بهارهایی نمی بخشد - نه خدا ، نه شاه ، نه قهرمان ، ما آزادی را بدست خود کسب میکنیم " . حزب میکوشد با توجه به مفهوم و مضمون این کلمات طبقه کارگر لهستان مسئولیت خود را در تحقق منافع و روزنزدیک خویش و در برابر سوسیالیسم جهانی و جنبش جهانی کارگری جدأ احساس کند . ما این را میدانیم که نیازهای حیاتی را همیشه همگان بشدت احساس میکنند ، و دشواریهای کنونی حتما در ناک است . ولی به فرنجی اوضاع لهستان ایجاب میکند که مسائل حاد و بصر روزمره مسائل دیگری را که باید برای فردا و برای آینده حل و فصل شوند از انظار پنهان نکنند . توفیق در انجام این امر میزان قاطعی وابسته به طبقه کارگراست . حزب کارگری متحد لهستان یقین دارد که طبقه کارگر آینده بهتری برای کشور در راه پیشرفت سوسیالیستی تامین خواهد کرد .

آنتی کمونیسم مانعی در راه ترقی اجتماعی است

کمیسیون مسائل کلی تئوریک مجله بحث و مذاکره ای بشکل " میزگرد " درباره اساس های ایدئولوژیک و خط مشی های سیاسی آنتی کمونیسم سالهای ۸۰ تشکیل داد .

در این بحث و مذاکره این افراد شرکت جستند : ف . رود ریگس عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بلوی ، هوشی بان نماینده حزب کمونیست ویتنام در مجله ، د . راموتار عضو کمیته اجرایی کمیته مرکزی حزب ترقی خلق گابانا ، ف - مجاهد عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست مصر ، ای . مالک عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل ، آ . عزیز نماینده حزب کمونیست اردن در مجله ، و . والدس و پیوو عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا ، آ . استاورو عضو کمیته مرکزی حزب ترقی زخمکشان قبرس ، ن . اشهب عضو شوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فلسطین ، س . خیمس نماینده حزب کمونیست پرودر مجله ، س . پ . رگی عضو شوروی سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب استقلال و کارمینگال ، ا . سلیم نماینده حزب کمونیست سوئدان در مجله ، س . بهاک نماینده حزب کمونیست اوروگوئه در مجله ، ه . لا و عضو شوروی سیاسی حزب کمونیست فیلیپین ، ا . ویسانی نماینده حزب کمونیست شیلی در مجله ، ر . لوپس عضو کمیته مرکزی حزب کارگری جامائیکا .

شرکت کنندگان در بحث و مذاکره خاطر نشان ساختند که آنتی کمونیسم در جهان معاصر نقش سلاح ایدئولوژیک - سیاسی امپریالیسم را ایفا میکند که علیه سوسیالیسم موجود ، سیاست و هدفهای اجتماعی احزاب کمونیست و آموزش مارکسیسم - لنینیسم بکار برده میشود . در این جریان خصلت ارتجاعی نقش

*** - یک سلسله از جنبه های تئوری و پراتیک آنتی کمونیسم در شماره های پیشین مجله مورد بررسی قرار گرفت ، (رجوع کنید به م . آری اردان . آنتی کمونیسم و خطر جنگ - مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۳ ، ۱۹۸۴ ، گ . پیترش . " جنگ روانی " در استراتژی روبا روشی . همانجا شماره ۵ سال ۱۹۸۴ ، ا . ویمر . آنتی کمونیسم در عرصه تئوری . همانجا ، شماره ۶ ، سال ۱۹۸۴ ، تجاوزکاری ایدئولوژیک آنتی کمونیسم - همانجا ، شماره ۸ سال ۱۹۸۴ .

اجتماعی آنتی کومنیسم و ستگیری سیاسی واید پولوژیک آن آشکارا بروز میکند .
از لحاظ تاریخی آنتی کومنیسم نیروی ضربه‌ای ارتجاع است که تلاش میکند جلوی پیشرفت اجتم
را بگیرد . در شرایط واقعیات مشخص روزه ، آنتی کومنیسم سیاست ویژه بورژوازی است که هدفش
سرکوب جنبش کومنیستی ، عقیم ساختن مبارزه توده های زحمتکش در راه برابری اجتماعی و رهائی
از استثمار سرمایه داری است . در عرصه اید پولوژیک آنتی کومنیسم خود را با تمام زراد خانه اید پولوژوی
بورژوازی و در درجه اول با عقب مانده ترین اشکال نظریات اجتماعی بورژوازی " تأمین میکند " .

حال ببینیم کدامیک ازگلی ترین خطوط سیاسی - اید پولوژیک آنتی کومنیسم در حال حاضر
در صف مقدم آن قرار دارد ؟

شرکت کنندگان در بحث و مذاکره تأیید کردند که ارتجاعی ترین نیروهای سرمایه داری معاصر
مانند الیگارش مالی ، مجتمع های نظامی - صنعتی ، محافظه کاران نوین و قشریون متعصب مذهبی
و محافظ امپریالیستی و نواستعماری میکوشند بکم آنتی کومنیسم هر سه جریان پیروسه انقلابی جهانی
یعنی سوسیالیسم موجود ، مبارزه طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و جنبش آزاد بخش ملی را متوقف
سازند . در ضمن تضعیف پیشتاز جنبش های اجتماعی معاصر یعنی احزاب کومنیستی و کارگری از " آزاد یکال"
ترین شیوه های حل مسائل اساسی سرمایه داری معاصر است . این مشی استراتژیک دشمنان
طبقاتی ماهمیشه وجود داشته است . ولی در حال حاضر این خط مشی ، بنا به عقیده سخنرانان ، ب سه
بازترین شکلی در تمام جبهه های نبرد های سیاسی نمایان میشود .

بموازات استفاده کامل از شگرد های تحریکات سیاسی و تحریف های تبلیغاتی بوسیله ضد
کومنیست ها ، اکنون گرایش آنها به بکار بردن خشونت آمیزترین شیوه ها با استفاده از اعمال قوه قهریه
برای سرکوب نیروهای کومنیستی و دموکراتیک با توسل به ماجراجویی های نظامی سیاسی آشکارا بچشم
میخورد . امپریالیسم در " جنگ صلیبی " علیه این نیروهای روز افزون برای آنتی کومنیسم نقش واحد
پیشرو را قائل است و میکوشد آنها را به نوعی " اصل محوری " اید پولوژوی و سیاست طبقه بورژوازی مبدل
کند . در عین حال با اصطلاح نوع " مثبت " آنتی کومنیسم که برنامه های ناشی از نگرش جهانی " گرایش
های تازه " سیستم اجتماعی بورژوازی یا " راه های سوم " میان سرمایه داری و سوسیالیسم را در نقطه
مقابل مارکسیسم - لنینیسم قرار میدهد نیز تشویق و تبلیغ میکند و به عطف کرد خود ادامه میدهد .
ولی در سطح بین المللی این نوع " مثبت " گاهی به عقبی نهد و جای خود را بقا آنتی کومنیسم از نسوع
ضربه آن میدهد .

بطوریکه سخنرانان قید کردند و همین تفهیم بسیار مشهود در ساختارهای اید پولوژیک - سیاسی
آنتی کومنیسم سالهای ۸۰ تشدید هرچه بیشتر آنتی سوسیالیسم است . اصول آن تازگی ندارد و بدین

شرح است : برد کردن و بدنام ساختن دست آورد های اتحاد شوروی در عرصه پیشرفت اقتصادی و اجتماع
تفسیر اتهام آمیز اید پولوژوی مارکسیسم - لنینیسم بمنزله اوتوپی (خیال غیر عملی) ، بی اعتبار
ساختن سازمان دولتی شوروی بمنزله " توتالیتیر " ، سیاست خارجی شوروی را " تجاوزکارانه "
و سیاست داخلی را بمثابة دستگه " ضد انسانی ساختن " مناسبات اجتماعی قلمداد کردن .

اینک آنتی سوسیالیسم و تبسم بیش از هر زمان دیگری در عرصه مسائل جهانی و عمومی بشری اشاعه داده میشود
و آنرا مستقیماً بمناسبات بین المللی و مسائل جنگ و صلح میکشاند . " جنگ صلیبی " علیه اتحاد
شوروی اندیشه عمده ایست که استراتژی جهانی جناح راست افراطی امپریالیسم معاصر در درجه
اول امپریالیسم ایالات متحده امریکا را تشکیل میدهد . منطق نادرست چنین طرز تفکری منبع تمام
تحولات اجتماعی در جهان را فعالیت " خرابکارانه " اتحاد شوروی تصور میکند و آنتی کومنیسم سالهای
هشتاد اندیشه " بد ورافکندن " کومنیسم در " بزباله دان تاریخ " را (در همه جا و مقدم بر هر چیز
با وسائل سرکوب نظامی - سیاسی) جزء معتقدات خود بشمار میآورد .

تمام این خصائص ویژه آنتی کومنیسم معاصر که در سالهای اخیر باروشنی کامل نمودار میگردد ،
همانطور که در جریان بحث و مذاکره قید گردید ، در آخرین تحلیل گواه بر تلاشهای مذبحانسه
" ارادی " نیروهای ارتجاعی بمنظور بازگرداندن چرخ تاریخ به عقب است .

از آنجا که در چنین شرایطی تجزیه و تحلیل تغییرات خود آنتی کومنیسم و همچنین تغییرات
نقش اجتماعی آن حائز اهمیت است ، سخنرانان در رد و مقطع به برخی ارزیابی ها درباره خصوصیات
این پدیده اید پولوژیک و سیاسی از لحاظ ویژگیهای هدفها ، ماهیت و متدولوژی آن پرداختند .
از یکسو مواضع آنتی کومنیسم نسبت به پیروسه انقلابی جهانی در ارتباط با همزیستی مسالمت آمیز
و سیستم پیشرفت جنبش های ملی - آزاد بخش مورد بررسی قرار گرفت و از سوی دیگر برخی از خصوصیات
آنتی کومنیسم که در سطح ملی پدید میآید و مشکل بی آمد آگاهی سیاسی طبقه کارگر را برین یا آن کشور ،
پیشرفت نهاد های دموکراتیک در آن و خصلت دیکتاتوری طبقات حاکمه و تشدید مبارزه اجتماعی
و مانند اینها بروز میکند مشخص گردیدند .

ارتجاع اید پولوژیک سیاسی در عرصه جهانی

از آنجا که پیروسه انقلابی جهانی در شرایط کنونی با مضمون مناسبات اجتماعی ارتباط ناگسستی
دارد ، اید پولوژوی و سیاست آنتی کومنیسم هم خود را بمنزله عوامل مهم این مناسبات نمایان میسازند .
گسترش و افزایش وظیفه پراگماتیک آنتی کومنیسم واکنش مستقیمی در مقابل بین المللی شدن مبارزه
اجتماعی و افزایش ارتباطهای آن با مبارزه در راه صلح میگردد . آنتی کومنیسم در تلاش بمنظور عقیم

گرفتن نقش هماهنگ کننده سیاست ضد اجتماعی ضد سوسیالیستی سرمایه داری دولتی - انحصاری بطور تحریک آمیزی در راه راه جامعه بشری پیشنهاد میکند. با در روی ستاره ما باید ساختارهای سازمانی - هیرارشی و ارزشهای معنوی "جهان وطنی"، "پلانیتاریسم" و "آمریکانیم" و اصول اقتصادی شرکت های ترانس ناسیونال مستقر گردد، یا اینکه گویا هشت های "تروریسم جهانی" "توتالیتاریسم" و "خطر نظامی شوروی" اجتناب ناپذیر خواهد بود.

این قبیل شما هانه فقط واقعیات را تمام و کمال تحریف میکنند، بلکه در آنها نظریه پیکسار اید تولوزنیک عمدتاً محیط روابط بین کشورها کشاند همیشه، ماهیت آنها کاملاً تحریف میگردد و ایمن منطق جمعی به افراد تحمیل میشود که چون سرمایه داری و سوسیالیسم از لحاظ اید تولوزنیک، بطوریکه مارکسیسم هم تأیید میکند، در یکجانبی گنجد، پس گویا یگانه راه حل سیاسی مسئله، نه همزیستی مسالمت آمیز دو سیستم اجتماعی - سیاسی، بلکه نابودی فیزیکی سوسیالیسم موجود است.

اید تولوزنیک های آنتی کومنیسم بمنظور تقویت این نظریه ضد انسانی و خطرناک برای سرنوشت جامعه بشری پیگیرانش های موجود و طبیعی بین المللی شدن ارتباط های متقابل اقتصادی و فرهنگی در جهان معاصر استناد میکنند ویدایش مسائل واقعاً جهانی مانند (جلوگیری از پلیم هسته ای، حفظ محیط زیست و غیره) را شاهد میآورند. ولی تمام اینها بمنزله "دلیل" در اثبات فقدان درونمای برای سوسیالیسم، اجتناب ناپذیری برقراری سلطه ساختارهای سیاسی و سازمانی بشکل "ماورا" صنعتی" یا تکنوترونی (Teknotron) سرمایه داری ترانس ناسیونال مورد استفاده قرار میگیرد. این موضوع بطور مشروح بوسیله س. پ. کی و سایر سخنرانان مورد بررسی قرار گرفت.

شرکت کنندگان در بحث ضمن تجزیه و تحلیل این جنبه آنتی کومنیسم فاکت های زیر را مشخص و معین کردند: اولاً، اید تولوزنیک جنگ طلب "سراسر سواره ای" امپریالیسم که دعوی ایجاد نظم دنیائی مطلوب خود را دارد، آنقدرها بر منافع اجتماعی - اقتصادی و اصول اید تولوزنیک تمام طبقه بورژوازی مبتنی نیست که بر بنیادهای محافظ دولتی - انحصاری که هدفشان رسیدن به اشکال سلطه مافوق ملی و سراسر جهانی است. در حقیقت همین توسعه طلبی آنتی کومنیسم را که از مرزهای ملی هم فراتر می رود بوجود می آورد و تریایه عنصر اید تولوزنیک سیاسی تشدید و خاتم وضع بین المللی مبدل میکند. چنین مشی راعلاً و در درجه اول، دعاوی امپراطوری گونه محافظ حاکمه ایالات متحده امریکا ایجاد میکند. ثانیاً، آنتی کومنیسم بانگرانی هائی مربوط است که در سه مرکز اساسی جهان سرمایه داری (ایالات متحده امریکا، اروپای غربی و ژاپن) پدید می آید، بدین کیفیت که پروسه های انقلابی شرایط اقتصادی موجودیت آنها را متزلزل میسازد. ثالثاً، مساعی شرکت های ترانس ناسیونال که تلاش میکنند مواضع نو استعماری خود را مستحکم کنند، به آنتی کومنیسم نیروی تازه می بخشند.

بطوریکه هدلا و اس. بهاک و ر. لوپس تأکید کردند، از سوی دیگر ماشین "جنگ تبلیغاتی" کفایتی کومنیسم با تمام پیروکاران داشته است اینک عامل تکمیلی و در حد و معینی مستقل تشدید نفوذ سیاسی فراکسیون های میلیتاریستی و ارتجاعی بورژوازی انحصاری است.

بدین مناسبت ماهیت آنتی سوویتسم بمنزله یکی از اجزای مهم آنتی کومنیسم معاصر بطور مشروح تری مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نقش این جزء کاملاً روشن است. جلوگیری از خطر جنگ هسته ای و مبارزه موفقیت آمیز توده های زحمتکش در راه رهائی از استعمار طبقاتی و ملی تاحد و زیادتی به سیاست صلحی که اتحاد شوروی دنبال میکند و اشتراک فعالانه آن در جنبش ضد جنگ جهانی وابسته است. آنتی کومنیسم که درین هدفهای از پیخ وین متضاد با این سیاست صلح و ترقی است زیر پرچم آنتی سوویتسم با آن مخالفت میورزد. بطوریکه آ. سلیم، ا. ویسیانی و ر. والدس و پرو خاظر نشان ساختند و شبیه تشدید آنتی سوویتسم اینک تقویت میشود.

یکی از این شیوه هارامیتوان "کارگزاران" لفظی و بر سر صدهای منافع طبقاتی و اجتماعی از سیاست خارجی اتحاد شوروی بشمار آورد. شوریه بین های آنتی کومنیسم تلاش میکنند مناسبات بین المللی را با تحریف و مبالغه بمنزله مناسبات "ژئوپلیتیک" و لا غیر تفسیر کنند و آنها را فقط و فقط در برخورد های "ملی" و منطقه ای خلاصه نمایند. بدین ترتیب مضمون اجتماعی سیاست خارجی سوسیالیسم که هدفهای آن فراهم ساختن شرایط برای سازندگی صلح آمیز توده های زحمتکش و انستادن کردن جامعه است با یک تیش قلم حذف میشود. برخورد "ژئوپلیتیک" واقعیت بین المللی شدن پروسه های انقلابی را حذف میکند، و این در حالی است که ک. مارکس وقتی یاد آور شد که "آزادی کسار مسئله اجتماعی است که تمام کشورها را در بر میگیرد و نه یک مسئله محلی یا ملی... (۱) به ویژگی همین بین المللی شدن پروسه های انقلابی اشاره میکند.

جنبش های انقلابی، در کشورهای جداگانه و معقاس جهانی با همبستگی سیاسی بین المللی نیروهای مترقی و پاپستیانی اتحاد شوروی اینک بویژه ارتباط نزدیک دارند. درست بهمین سبب، بطوریکه آ. استاورو خاظر نشان ساخت، محور اید تولوزنیک آنتی کومنیسم کنونی هر چه بیشتر نفی نقش اتحاد شوروی بمنزله تکیه گاه صلح و سازند مناسبات اجتماعی نویی مشابه تکیه گاه استقلال ملی خلقها میگردد. واشنگتن مصرا نمیگردد روابط معنوی توده های زحمتکش و جنبش های ملی - دموکراتیک با اتحاد شوروی را قطع کند.

بعقیده هدلا و اس. هوشی بان و سایر سخنرانان آنتی سوویتسم در کشورهای آسیای خود را با

۱ - ک. مارکس و ف. انگلس، مجموعه آثار (بزبان روسی)، جلد ۱۶، صفحه ۱۲.

نظریات ظاهراً بیطرفانه دو " ابر قدرت " ، " دوری یکسان " از آنها تعبیر و تفسیر تمام رویدادها فقط در چهار چوب " خاور - باختر " یا " شمال - جنوب " و مانند اینها میپوشاند .

امپریالیسم امریکای شمالی با استناد به " رویارویی " مستقیم سرمایه داری و سوسیالیسم در امریکای لاتین که گویا بحالت تماس جغرافیائی ایالات متحده امریکا و کوبا اجتناب ناپذیر است به دکتربین های مونرو ، پان امریکانیسم و دکتربین کشورهای امریکائی متوسل میشود . هسته اصلی این دکتربین ها عبارت از اندیشه " خطر سرخ " و " خطر نظامی شوروی " است . بر اساس نظریه وجود دشمنان مشترک " خارجی " و " داخلی " ضرورت " امنیت ملی " و احداث ایالات متحده امریکا و کشورهای امریکای لاتین پیش کشیده میشود . در ضمن بدست آوردن این جنگ جهانی سوم گویا حالا دیگر امریکای لاتین که صحنه عملیات نظامی است ، آغاز گردیده ، تبلیغات ضد کمونیستی خواستار آنست که به آنتسوی سوسیالیسم و حمله علیه کمونیست ها در محل اشکال خشونت آمیز " زمان جنگ " داده شود . ای . ویمانی گفت در این شرایط آنتی کمونیسم در نیمکره غربی " جنگ روانی " علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را تشدید میکند .

بعقیده س . پ . گی دو مین شیوه مهم دامن زدن به آنتسوی سوسیالیسم همواره استفاده از وجود اختلاف معینی در موضع گیری برخی از احزاب کمونیست درباره این یا آن مسئله مشخص است . این شیوه تازه ای نیست . بطوریکه و . ای . لینن خاطر نشان ساخت مخالفان کمونیست ها از بدتپا پیش کشیده انداز " منازعه " جریانهای مختلف درون سوسیالیسم که از چهار چوب های ملی فراتر میروند ، استفاده کنند و سعی کرده اند هنگامیکه اپورتونیسم سوسیالیستی با سوسیال دموکراسی انقلابی بین الطلی پیکار میکند نفعی ببرند (۱) . چنین سیاست تحریک آمیزی در شرایط کنونی اشکال هرچه ظریف تری بخود میگیرد . بنا به گفته د . راموتار آنتی کمونیسم اغلب بطور پنهانی و عوامفریبانه این فکرها در جنبش کارگری و دموکراتیک و میان احزاب کمونیست کشورهای سرمایه داری اشاعه میدهد که باید " استقلال عقیده و سیاست خود از اتحاد شوروی " را نمایان ساخت .

هوشی بان قید کرد که مدت لوزی تحریک آمیز آنتی کمونیسم بهمینجا پایان نمی پذیرد . در بسیاری از موارد آنتی کمونیسم آشکارا با رویزونیسم راست و " چپ " که اقداماتشان اغلب برای تبلیغات ضد سوسیالیستی زمینه فراهم میکند متحد میگردد . بطور مثال دستگاه دولتی ریگان با استفاده از تضییق و فشار خونبار رژیم پولپوت در کامبوج میگوید سوسیالیسم موجود را بدنام سازد و آرمانهای آنرا بی اثر و اعتبار قلمداد کند . از سوی دیگر ، تئوریسین های آنتی کمونیسم ، بطور مثال ، برای سوء استفاده مابین

۱ - و . ای . لینن ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۶ ، صفحه ۷ - ۶ .

مسئله را مورد بحث قرار میدهند که آیا اتحاد شوروی و کوبا پروسه انقلابی را صادر میکنند یا با پیروی از تاکتیک " امنیت ملی " آنرا " در چهار چوبی محدود " خواهند کرد ، آیا بین کشورهای سوسیالیستی در این زمینه اختلاف پیدا میشود یا نه و مانند اینها . میگویند با تحریف های مبتذل اندیشه ها و واقعیات به جنبش های مترقی کشورهای در حال رشد تلقین کنند که گویا اتحاد شوروی ناگزیر " روحیه انقلابی را از دست میدهد " و چیزی نمانده است که با امپریالیسم تباری و ساخت و یاخت کند . بدین ترتیب سخنرانان تأکید میکردند که آنتی سوسیالیسم انیک نقطه اتکا اساسی آنتی کمونیسم است و جد کردن تصنعی این دو مفهوم ، چنانکه برخی ها میگویند جدا کنند اشتباه آمیز و برای اسیر صلح و مصالح ترقی اجتماعی خطرناک است .

شرکت کنندگان در بحث و مذاکره ، سپس با بررسی شیوه های تاثیر تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی در افکار عمومی جهان قید کردند که این قبیل فعالیت ها در کشورهای سرمایه داری تا حد زیادی به پشتیبانی ارگانهای دولتی و محافل سیاسی بانفوذ متکی است . بگفته ای . مالسک ، اسرائیل بطور مثال بیهی از مراکزاید پولوژیک کامل دنیا یپوزوایشی مهمل شده است که فعالیتش در جهت تحریف تئوری مارکسیستی و جستجوی شیوه های تازه و ظریف تعمیم شایلون های آنتی سوسیالیسم در فکرونه انسانهاست . بسیاری از سخنرانان قید کردند که تبلیغات سوسیالیستی هرچه بیشتر و با موفقیت اقدامات خرابکارانه آنتی کمونیسم را خنثی میکند ، بطوریکه ر . والدس ویووت تأکید کرد راستی نیروی عمده تبلیغات ما است . شربخشی آنرا تدابیر عملی که احزابی که در حاکمیت قرار دارند اتخاذ میکنند و هدفشان تحقق خواست های زحمتکشان است ، به میزان زیادی افزایش میدهد . طبیعی است که ساختمان جامعه نو که هدف آن بر آورده ساختن نیازهای روز افزون مردم یعنی یگانه صاحب و ارباب در این سیستم اجتماعی است ، بخودی خود کار خرنجی است که با دشواریهای عظیمی ستوام است . علاوه بر این سیاست خصمانه امپریالیسم و ضرورت اختصاص وسائل زیادی برای دفاع نمیتوانند این دشواریها را بزرگتر نکنند و دشمنان ما میگویند برای بدنام کردن سوسیالیسم موجود از آنها استفاده کنند . تجربه گویای سوسیالیستی در ارتباط با این امر نشان میدهد که پشتیبانی توده ها از حاکمیت انقلابی خود زمانی بعد اعلامی فعالیت میرسد که وضع واقعی کارها را برایشان روشن میکند ، و وقتی آنها درک میکنند که تمام دشواریها را یکبار نه میتوان برطرف ساخت ، ولی برای این کار برای تصحیح اشتباهات ممکن هرچه لازم است انجام میشود . این قبیل توضیحات به بسیج توده های که احزاب کمونیست الهام بخش آنها در ساختمان سوسیالیستی هستند ، یاری میرساند .

شرکت کنندگان در بحث و مذاکره تأیید کردند که هر قدر صفوف احزاب انقلابی طبقه کارگر بر پایه انترناسیونالیسم پرولتری یکپارچه تر باشد وجهه گسترده ضد امپریالیستی مبارزه در راه صلح و ترقی

اجتماعی فعال تر گردد، آن احزاب میتوانند بطور مبرخشی غری با دشمنان ایدئولوژیکی - سیاسی خود مقابله کنند.

با اتکا به ناسیونالیسم بورژوازی

ویژگی آنتی کمونیسم را که در دنیای سرمایه داری در سطح ملی خود را نشان میدهد ریزش و پلا واسطه و آشکار و پنهانی سیاسی عمده تعیین میکند. از یکسو احزاب کمونیست و کارگری پشاپیش جنبش های انقلابی - دموکراتیک و از سوی دیگر ارتجاع کمیکوشد آن احزاب را از لحاظ ایدئولوژیکی و فیزیکی فاقد راهنما و رهبری کند. ارتجاع این کار را از پیرشعاردفاع از منافع " ملی عمومی " انجام میدهد و کمونیست ها را " نمایندگان بدون مسئولیت " گروه های بی سر و سامان، محافل ضد ملی و " دست نشانده مسکو " و مانند اینها اعلام میکند. بنابراین آنتی کمونیسم محلی مقدم بر هر چیز در زمینه ناسیونالیسم بورژوازی رشد و گسترش مییابد.

البته این بدان معنی نیست که در چنین سطحی آنتی سوسیالیسم کمونیست تضعیف میشود پس علاقه و تمایل آنتی کمونیسم به اقدامات نظامی - سیاسی کاهش مییابد. مبارزه علیه کمونیست ها، معمولاً با تمام وسایل ممکن انجام میشود، اگرچه مقدمه و محرک آن وظایف در اینجا گاهی با آنچه در عرصه آنتی کمونیسم " ملی " میگذرد فرق میکند. برای این دو مسأله مهمترین مسئله تضعیف سوسیالیسم جهانی است و پس از آن نوبت به احزاب کمونیست ملت های مختلف میرسد. ولی در سطح کشورهای جداگانه، هدف درجه اول ارتجاع نابود ساختن احزاب کمونیست محلی است و مبارزه علیه جنبش کمونیستی جهانی و سوسیالیسم موجود وسیله تکمیلی خرابکاری در نیروهای ملی و دموکراتیک انقلابی است. البته، این شکل تقسیم بندی مسائل به درجه اول و دوم خیلی شرطی است و امپریالیسم میکوشد در تمام خطوطی که با هدف ارتباط هستند و در تمام سطوح به تعرض خود ادامه دهد.

بسیاری از شرکت کنندگان در بحث ضمن تجزیه و تحلیل اساسی ایدئولوژیکی و شیوه های فعالیت سیاسی آنتی کمونیسم " ملی " یاد آور میشدند که در سیمای اجزا " آنتی کمونیسم مانند ناسیونالیسم بورژوازی، تعصب دینی و سوسیالیسم خرده بورژوازی اندیشه اعمال زور هر چه بیشتر به جلو کشیده میشود.

بنا بر گفته سن. بهاک سالهای ۷۰ در امریکای لاتین با امواج ضد انقلاب مشخص میگردد که الهام دهند آنها امپریالیسم ایالات متحده امریکا و الیگارشی محلی بوده است. کودتاها و اقدامات ضد مردمی قهرآمیز در شیلی و اوروگوئه، مانند آنچه ابتدا در برزیل و کلمبوی و سپس در آرژانتین انجام گرفت به باصطلاح دکتورین های " امنیت ملی " و " مبارزات درونی " علیه مردم مکتبی بودند و برای انجام

این اقدامات از مرتجع ترین عناصر فرماندهی نیروهای مسلح که در مکتب های پنتاگون و سیا آموزش دیده بودند استفاده میشد. در هر کشوری شیوه های ویژه عملیاتی و برنامه مخصوص بکار میبردند. بطور مثال، در اوروگوئه در اواسط سالهای ۷۰ دیکتاتوری آشکارا به آشکال فاشیستی ترور متوسل گردید و کوشش بعمل آمد تا در اداره امور کشور تحولات " عمودی " همانند فرانکیسم و رژیم موسولینی بوجود آورده شود. در ضمن دیکتاتوری به هجوم علیه سنن دموکراتیک کشور دست زد و اعلام کسرد که برای ۵ سال حزب کمونیست و تمام نیروهای سیاسی پیشرو را از زندگی کشور حذف میکند. رویداد های چندی پیش نشان میدهند که مردم اوروگوئه توانستند دیکتاتوری را مغلوب کنند و آنتی کمونیسم ضربه بزنند.

انواع فراوان اشکال ایدئولوژیکی - سیاسی آنتی کمونیسم را سن. خیمنس مورد بررسی قرار داد. او قید کرد که در هر دو زمان مرتجعترین نیروهای سیاسی الیگارشی و طرفدار امپریالیستی محافل فاشیست واقعی وجود دارد که از خشونت بارتزین تضییق و فشارها و تروریسم طرفداری میکنند. در ردیف آنها جریان های راستگرای افراطی سوسیال مسیحی درون حزب خلقی مسیحی وجود دارد که از جمله منعکس کننده نفوذ ایدئولوژی مسیحی - دموکرات آلمان غربی است. برخلاف آنها رفورمیسم بورژوازی - ناسیونالیستی حزب مسیحی - دموکرات پرو تحت تأثیر باصطلاح " تئولوژی آزادی " قرار دارد. علاوه بر این در چهارچوب آلیانس خلقی - انقلابی امریکائی گرایش های ایدئولوژیکی - سیاسی متنوعی از طرفدار امپریالیستی، ضد کمونیستی با گرایش فاشیستی تابورژوازی - رفورمیستی و حتی - انقلابی - ملی که موضع ضد کمونیستی آن خفیف تر یا متحد و بی مستور است، بوجود میآید. از سوی دیگر سوسیال - مسیحی ها هم در زندگی اجتماعی کشور نقش دارند که شعارشان سوسیالیسم است و سوسیالیست ها در وحدت نیروهای چپ شرکت میکنند، ولی در ضمن نسبت به کمونیسم و کشورهای سوسیالیستی هنوز توهمات و افکار باطلی دارند. بالاخره محافل افراطی چپ هم وجود دارند که از انقلابگری شدید سخن میگویند ولی در عمل به رفورمیسم خرده بورژوازی میدان میدهند و وقت زیادی را صرف حمله به کشورهای سوسیالیستی و حزب کمونیست پرو میکنند. انتقاد از امپریالیسم امریکای شمالی، شرکت کنندگان در بحث اشکال باصطلاح " بینابینی " ایدئولوژیکی - سیاسی آنتی کمونیسم را هم بررسی و مشخص کردند. این نوع آنتی کمونیسم متکی به این نظریه است که سرمایه داری امریکائی لاتین دارای برخی ویژگیهای خاص است که با ایالات متحده امریکا و ناتو مقابله میکند. طرفداران برخی نظریات " منطقه ای " کفکش رهبری طبقه کارگرا نفی میکنند و سرکردگی اجتماعی را به روشنفکران ملی میدهند، ولی ضرورت درگونی های بنیادی دموکراتیک و ضد امپریالیستی را اعلام میدارند، گاهی در چهارچوب این اشکال بشمار آورده میشود. ولی این نوع آنتی کمونیسم هم شعارهای ضد شوروی

و " اصلاح طلبانه - ملی " را در خواستهای برنامه ای خود داخل میکند . آنها در برخی از موارد منعکس کننده ایدئولوژی سوسیال رفرمیسم و در موارد دیگر جریانهای چپ گرایند .

برخی از شرکت کنندگان در بحث و مذاکره جریانهای ایدئولوژیک ضد کمونیستی را که در کشور های خاور نزدیک بوجود میآید تشریح و تعریف کردند . ف . مجاهد یاد آور شد که در مصر بطور شرطی میتوان در نوع از این جریانها را مشخص کرد : جریان محافظه کار ولبرال . سادات چهره تپیک و نمونوار جریان نخستین بود . این جریان میگوید مغفرتترین استدالات در تأیید آنتی کمونیسم را که تکرار اصول نظریات جهالت پرستانه و مذهبی لیدران عربستان سعودی و احکام مسلم ضد شوری نیروهای ارتجاعی ایالات متحده امریکا است ، بطور تئوریک تهیه و تدوین کند . محافظه کاران از جمله هزینه تهیه درها اثر پژوهشی در دانشگاه قاهره را تأمین میکنند و به انتشارات ضد کمونیستی در روزنامه " ال اهرام " یاری میرسانند و غیره . در زندگی سیاسی آنها به سازمانهایی نظیر " اخوان المسلمین " اتکا میکنند که در بسیاری از کشورهای اسلامی مشغول فعالیت هستند و از لحظه پیدایش خود در سال های ۲۰ دارای موضع ارتجاعی شدیدی میباشند .

در همین حال جریان بورژوازی - لیبرال ضد کمونیستی هم نقش ایدئولوژیک - سیاسی قابل ملاحظه ای در مصر ایفا میکند . نمایندگان آن مانند م . ح . هیگل ، روزنامه نگار ، لیدران " وفد جدید " حزب سیاسی که تازه ایجاد شد و مرتدین حزب کمونیست مصر مارکسیسم - لنینیسم را نفی میکنند و میگویند کار پایه ویژه خود را بوجود آورند که عناصری از ایدئولوژی مارکسیسم ، اسلام ولبرالیسم بورژوازی را در خود جمع داشته باشد . تصور میروید ، در آینده این قبیل جریانها بطور کلی خطر بسیار بزرگتری برای کمونیست های مصر خواهند داشت تا بطور مثال ، محافظه کاری ضد کمونیستی آشکار ، زیرا آنها به ذهنیات بسیار استوار ملی گرایان بورژوازی عرب متکی هستند .

بعقیده ا . عزیز آنتسی کمونیسم در اردن بر پایه شرایط مقداتی فرهنگی - ایدئولوژیک بوجود میآید . از یکسو ، این محافظه کاری بی حد و مرز برخی از شخصیت های اسلامی است . از سوی دیگر فرهنگ و ایدئولوژی بورژوازی سنتی غرب است که از مجاری مختلف و از طریق تحصیلات عالی و فرهنگ نفوذ میکند .

بطوریکه ای . مالک قید کرد گرایشهای ضد کمونیستی در اسرائیل هر چه شدیدتر میشود . تعمیق بحران اقتصادی و سیاسی در کشور و ورود آن به مرحله سرمایه داری دولتی - انحصاری ، به حاکمیت رسیدن جناح محافظه کار افراطی طبقه بورژوازی و میلیتاریزه شدن زندگی به این جریان کمک میکند . س . پ . رگی درباره اشکال ویژه آنتی کمونیسم " معتدل " (از نقطه نظر استفاده بیاعدم استفاده از قوه قهریه) که به طفیل اندیشه های " سوسیالیسم سنت گرایانه " و مذهب در کشورهای

افریقای سیاه به حیات خود ادامه میدهند سخن گفت . این جریان به نظریه فیروعلی " خود ویژگی " مناسبات اجتماعی افریقا اتکا میکند . طبق این نظریه ایدئولوژی مارکسیستی گویا ایدئولوژی بیگانه " و " وارداتی " است که با " روحیه افریقائی " بیگانه است . این قبیل عوام فریبی ها که روشنفکران محلی را هدف قرار میدهند برای جدائی افکندن میان توده ها و سوسیالیسم و مارکسیسم است که اصول " اعمال قهر " و " توتالیتم " را هم بدانها نسبت میدهند .

شرکت کنندگان در بحث ضمن تجزیه و تحلیل تناسب میان اشکال " قهر آمیز " و " معتدل " ایدئولوژی و سیاست آنتی کمونیسم قید میکردند که محافل حاکمه کشورهای مختلف امکان دارند که آنها را در آن واحد با هم و با جدا جدا بطور متناوب مورد استفاده قرار دهند . بطور مثال ، بعقیده ا . ویسیانی رژیم پینوشته برای حفظ موجودیت خود از توسل بقوه قهریه کمک میگیرد . به همین سبب مترجم ترین محافل سرمایه مالی تلاش میکنند تجدید سازمان سیاسی را به مرحله اجرا در آورند ، تا بتوانند با هیوه های دیگری مواضع حاکمیت خود را در برابر ورنمای واقعی سقوط دیکتاتوری فاشیستی حفظ کنند ، حتی امپریالیسم امریکای شمالی هم که به پشتیبانی از پیروفت ادامه میدهد امکان استفاده از این ورق را برای خود محفوظ داشته است .

در جمع بندی بحث مربوط به ویژگیهای آنتی کمونیسمی که در سطح کشوری و منطقه ای عسل میکند قید شد که افزایش فعالیت آگاهی انقلابی طبقه کارگر و جنبش ملی رهائی بخش در جریان مبارزه بسیار شدت یافته جهان یعنی مارکسیستی - لنینیستی با ایدئولوژی که از جهات افراطی ناسیونالیسم بورژوازی بهره برداری میکند ، بعمل میآید . این مبارزه آسانی نیست . اولاً نیروهای ارتجاعی اغلب با کمپین موفقیتی بطفیل رشد خود آگاهی ملی توده ها به زندگی خود ادامه میدهند . ثانیاً سهولت تبعیت ضمیر ناخود آگاه آنان از ایدئولوژی بورژوازی ، بطوریکه لنین نوشت بدین ترتیب تشریح میشود که ایدئولوژی بورژوازی " از لحاظ زمان پیدایش خود بسیار کهن تر از سوسیالیستی است و همه جانبه تر تنظیم و تدوین شده و آن ایدئولوژی وسیله انتشار بی اندازه بیشتری در اختیار دارد ؟ " و هر قدر جنبش سوسیالیستی در کشوری جوان تر باشد ، ناگزیر ، مبارزه علیه تمام کوششهایی که برای تحکیم ایدئولوژی سوسیالیستی بعمل میآید باید شدیدتر باشد (۱) .

شرکت کنندگان در سمینار تاکید کردند که در ورنمای تاریخی ناسیونالیسم بورژوازی محدود است زیرا نه تئوری و نه پراتیک سیاسی آن در شرایط معاصر قادر نیستند ترقی اجتماعی را تأمین کنند . ناسیونالیسم ناگزیر از طرف سرمایه ترانس ناسیونال و امپریالیسم کشورهای عمده سرمایه داری تحت فشار

۱ - و . ای . لنین . مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۶ ، صفحه ۴۱ .

قرار میگیرد. بدین ترتیب، بدون همکاری با جنبش کارگری بین‌المللی و کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی تأمین ثبات صلح و پیشرفت اقتصادی، علمی - تکنیکی و اجتماعی کشورهای آزاد شده عملاً غیرممکن است. بهمین سبب پروسه تقویت آگاهی انترناسیونالیستی در توده ها که مقدم بر هر چیز در برقریر فعالیت احزاب کمونیست آنجا میگیرد، مهمترین شرط آگاهی طبقاتی یافتن زحمتکشان و درک ماهیت اجتماعی تمامیناسیاتی است که تاروپود جامعه بورژوازی را در بر گرفته است.

مذاکره کنندگان در باره ویژگیهای آنتی کمونیسم ملی و از جمله آن آشکالی که در "جهان سوم" پدید میآید مسئله مذہب را هم مورد توجه قرار دادند. بطوریکه در راتوتاریس. پاه گی و دیگران یاد آور شدند جزئیات دینی عقب مانده و ارتجاعی اغلب دلیل و برهان تکمیلی برای ایدئولوژی ضد کمونیستی میگردند و به پیدایش آشکال افراطی اجتماعی آن کمک میکنند.

ن. اشهب بدین مناسبت تأکید کرد که هدف مخالفان مابارت از این است که از تضاد های موجود میان ایدئولوژی کمونیسم و جزئیات دینی سوء استفاده کنند و این را آشکارا میتوان در نمونه فعالیت های رژیم های ارتجاعی در کشورهای خاور نزدیک مشاهده کرد.

بعقیده ر. لوپس و ا. سلیم، استفاده آنتی کمونیست ها از "موج نئوکومرواتیو" کونی در کشورهای دنیای سرمایه داری و روحیه مذہبی توده ها در مبارزه علیه کمونیست ها از پدید های نمونه وارسالهای اخیر است. موعظه های "مذہبی مسیحی" ریگان در این زمینه تصادفی نیست. البته در مورد مسئله "کمونیست ها و مذہب" نمیتواند یک برخورد وجود داشته باشد. بگر همگان روشن است که در مبارزه در راه صلح برخی از جریانهایی کلیسائی در مواضعی هستند که اگرچه نه تماماً کمال، ولی با سیاست کشورهای سوسیالیستی مطابقت میکند. در بسیاری از مسائل مربوط به مبارزات اجتماعی میان کمونیست ها و مذہبون نقاط مشترک وجود دارد. ف. رودرگیس گفت: بهمین سبب استفاده از کلیسای کاتولیک علیه جنبش های انقلابی، مثلاً در امریکای لاتین، برای آنتی کمونیسم هرچه دشوارتر میگردد. عد پتوانائی امریالیسم در استفاده از روحیه مذہبی روستائیان علیه انقلاب در نیکاراگوئه در ارتباط با این مسئله یک نمونه مشخص است. ف. مجاهد افزود که در حال حاضر در مصر چنان جریان ایدئولوژیک - سیاسی اسلامی وجود دارد که عناصر دموکراتیک را هم در بر میگیرد و به آن احکام اسلامی منکفی است که برابری و مساوات را مطرح میکنند و این جریان با آنتی سوسیالیسم و مانند اینها مخالف است.

ولی شرکت کنندگان در سمینار در ضمن تأکید میکردند که آنتی کمونیسم انگل وارد رژیمینسه اختلافات اصولی ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی و نگرش مذہبی پرورش میدهد و میزان زیادی از کمک محافل ارتجاعی روحانیت قشری هم برخوردار است. البته، در نتیجه واکش کمونیست ها و تمام

نیروهای دموکراتیک این کمک و همکاری حالا دیگر همیشه موفقیت آمیز نیست. این قبیل تغییرات با وجود این روی میدهد که لیدران یک سلسله از کشورهای عربی و در رجه اول عربستان سعودی به پشتمانی آندسته از متعصبین مسلمان اتکا میکنند که هدف خود را "متوقف ساختن پیشروی کمونیسم" اعلام میکنند.

شرکت کنندگان در بحث و مذاکره ضمن جمع بندی نتایج تجزیه و تحلیل ویژگیهای اجتماعی ایدئولوژیک، آشکال و شیوه های سیاسی آنتی کمونیسم معاصر تأیید کردند که اتکا آن به احکام ناسیونالیسم بورژوازی و جزئیات دینی برنامه های ایدئولوژیک التقاطی (اکلکتیک) و وابستگی گرایانهای بوجود میآورد که هسته اصلی آنها را میزان روزافزونی اصل اعمال زور سیاسی، آنتی سوسیالیسم و نهبلیسم تاریخی تشکیل میدهد. در این نیز تردیدی نیست که با وجود اختلافهای معینی در ارجحیت آماجها، استدلالات و اقدامات آنتی کمونیسم که بمقیاس بین المللی باید کشور جداگانه حمل میکنند این جریان در هر دو حالت یک دستور مشخص اجتماعی ارتجاع بورژوازی و امریالیسم را اجرا میکند. بالاخره، همانطور که پراتیک نشان میدهد آنتی کمونیسم میکوشد با تشدید "جنگ روانی" از جنبش کمونیستی "انتقام اجتماعی" بگیرد.

بعقیده سخنرانان همه این ویژگیهای آنتی کمونیسم معاصر مورد توجه نیروهای انقلابی - دموکراتیک در تمام کشورهای است. وضع بین المللی و مبارزه طبقاتی در حال حاضر چنان حدتی میبایند که سرنوشت صلح و ترقی اجتماعی به میزان زیادی وابسته بدین میشود که احزاب کمونیست بتوانند بوسیله تبلیغات خلاق و نه قالبی و با کار سیاسی پرشور و شوق از هان توده ها را تسخیر کنند و از عامل ذهنی تاریخ بسود جنبش کارگری استفاده بعمل آورند. در این شرایط دانستن جنبه های قوی و ضعیف آنتی کمونیسم برای مراکز علمی مارکسیستی و تمام حلقه های دستگاه حزبی مرتبط با وسائل ارتباط جمعی فوق العاده لازماست. فقط چنین دانشی افشای کامل و فارغ از اشتباه تحریفات تئوریک آنتی کمونیسم و مقابله مستدل و علمی آزمون شده با سیاست و تبلیغات آنرا امکان پذیر میسازد.

اگر طبقه کارگر در کشورهای مختلف جهان بروشنی ببیند که آنتی کمونیسم میکوشد سیستم استثمار طبقاتی را تثبیت نماید، اگر جنبش های آزاد بیخشم ملی ارتباط شوم جهانی برستی ضد کمونیستی بسا نواستعمار را روشن تر درک کنند، اگر جنبه فزاینده نیروهای صلحدوست ضد امریالیستی به صد غیر قابل عبوری در راه ملیتاریسم و ملیه هسته ای تبدیل گردد آنتی کمونیسم راه بجائی نخواهد برد. شرکت کنندگان در بحث و بررسی در اطراف "میگزرد" در این عقیده متفق الرای بودند که نتیجه و تدوین تحلیلی شیوه های تخریب اقدامات ایدئولوژیک - سیاسی و تبلیغاتی علیه آنتی کمونیسم بوسیله احزاب برادر هم اکنون بسط و تکامل میباید و مشرعر است و برای توده های زحمتکشی که در راه صلح و ترقی اجتماعی مبارزه میکنند موفقیت بهار میآورد.

مبارزه برای شهر صلح و کار

دیتمار آریسی

معاون صد حزب سوسیالیست متحد
برلین غربی

کار هفتمین کنگره حزب سوسیالیست متحد برلین غربی را که از ۲ تا ۲۸ مه سال ۱۹۸۴ برگزار گردید تا حد و زیادی این سؤال پیشاپیش معین کرد که کمونیست‌های برلین غربی چگونه میتوانند به سهم خود در حفظ صلح و این بالاترین نعمت جامعه بشری بیفزایند. حزب ما به این تعهد بزرگ کمونیست‌های آلمانی صادق و وفادار است که هر چه از دستشان برآید انجام دهند تا دیگر هیچوقت خطر جنگ از سر زمین آلمان برنخیزد. ما سخت معتقدیم که اروپا نباید آروشیما بشود!

کنگره حزب متکی بدین بود که با وجود وضع تازه ای که پس از استقرار پرشینگ - ۲ و موشک‌های بالدارد جمهوری فدرال آلمان و سایر کشورهای اروپای غربی (و افزایش خطر جنگ در ارتباط با این مسئله) بوجود آمده است علقی برای بدبینی و ناپسند و نومی‌دی وجود ندارد. نیروهای صلح در پرتو افزایش قدرت سوسیالیسم موجود، جنبش‌کارگری در کشورهای سرمایه داری، ترقی سیاسی و اجتماعی کشورهای "جهان سوم" و گسترش دامنه مبارزات ضد جنگ در تمام قاره ها استحکام پذیرفته اند.

درک این موضوع نیز و افزایش استکه برغم برخی ناگامی‌های که گذر راهستند، میتوان با موفقیت بسیار میان‌تاریسم و ارتجاع مقابله کرد و بطور پیگیر از امر صلح و کاهش تشنج دفاع نمود.

وخیم شدن وضع بین المللی در نتیجه مشی دستگاه دولتی ریگان در محافل گسترده اجتماعی نگرانی ایجاد میکند. امپریالیسم آمریکا آشکارا این هدف را دنبال میکند که توازن نظامی - استراتژیک را برهم زند و بر جهان سوسیالیسم برتری یابد. مبلغین "سیاست اعمال قهر" که بطور کاملاً مستقیم به برلین غربی هم مربوط میشود، در ایالات متحده آمریکا آشکارا از این مطلب صحبت میکنند. میدانیم که برلین غربی در مرکز یکی از کشورهای عضو پیمان ورشو، در شرق سکوه‌های پرتاب موشک ناتو در نقطه

تلاقی مدار حرکت آنها واقع است. ولی نه فقط این موضوع وضع را برای برلین غربی مخاطره آمیز میکند. این نیز، بطوریکه با کمال روشنی در کنگره خاطرنشان شد، به وخامت اوضاع میافزاید که احزاب عمده برلین غربی یعنی اتحاد مسیحی - دموکرات و حزب آزاد دموکراتیک بدنبال دولت جمهوری فدرال آلمان بدون قید و شرط از استقرار موشک‌های هسته ای آمریکا پشتیبانی بعمل آورند. ولی شهر ما برغم اظهارات فرماندار آن، دیپکن (از اتحاد مسیحی دموکرات) بهنگام دیدار تراز ایالات متحده آمریکا جزو جمهوری فدرال نیست و بنا بر این بهنا توتعلق ندارد.

کنگره حزب ما با قاطعیت تمام دروغ مربوط به خطر کشورهای سوسیالیستی برای برلین غربی را رد کرد. کنگره آنرا بمنزله دستاویزی برای پیروی امپریالیسم آمریکا از سیاست تجاوزکارانه ای که صلح را به مخاطره میافکند افشاء کرد. در واقع هم اهالی برلین غربی اینک مجبورند از آنچه در دوران کاهش تشنج بدست آمده بود دفاع کنند. در کنگره از توقید گردید که جمهوری دموکراتیک آلمان در رساله‌های گذشته برای بهبود شرایط زندگی ساکنان شهر ما کارهای زیادی انجام داد. موافقت نامه چهار جانبه در مورد برلین غربی که در اثر ابتکار قاطعانه اتحاد شوروی انعقاد یافت بدون همکاری جمهوری دموکراتیک آلمان و کنگهای آن امکان پذیر نبود. جمهوری دموکراتیک آلمان بسود اهالی برلین غربی حتی از برخی از حقوق خود موقتاً صرف نظر کرد.

این موافقت نامه شمر سیاست کاهش تشنج است و فقط در زمینه این سیاست میتواند به حیات خود ادامه دهد. نزدیک به چهار سال که از جنگ دوم جهانی گذشته است بروشنی نشان داد که در دوران روبروشی، زمانیکه به برلین غربی نقش "نیزه ای در کالبد" سوسیالیسم و "ارزانترین بصب اتمی" داد میشد، ممکن نبود نه امنیت و نه آینده ای برای شهر ما تامین نمود. ارگان عالی حزب سوسیالیست متحد برلین غربی از اهالی برلین غربی خواست تا از این تجربه یگانگانه نتیجه ممکن را بگیرند. این نتیجه عبارت بود از اینکه کمونیست یا سوسیال دموکرات، عضو اتحادیه های صنفی یا شرکت کننده در جنبش های آلترناتیو، لیبرال و مسیحی، زن و مرد و پیر و جوان یعنی هر فردی باید از سیاست امنیت جمعی خلقها و کشورهای اروپا بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز دفاع کند. آمادگی برای این کار از طرف اتحاد شوروی، جمهوری دموکراتیک آلمان و سایر کشورهای سوسیالیستی بر همگان روشن است. حزب ما طرفدار این است که کشورهای عضو ناتو پیمان ورشو قرارداد ای درباره امتناع از توسل به زور، طبق پیشنهادات اتحاد شوروی و متحدین آن با ماضی رسانند. کشورهای هسته ای باید به تعهد اتحاد شوروی دایر بر عدم پیشدستی در بکار بردن سلاح هسته ای بپیوندند. توافق درباره قدغن کردن تولید و استقرار سلاح شیمیایی و مواد مسموم کننده جنگی در اروپا، تثبیت و سپس کاهش تدریجی بودجه های نظامی هم حائز اهمیت است. کنگره شرکت کنندگان در کنفرانس استکهلم را به

کوشش برای دست یافتن به توافق‌های استوار درباره تداوم روابط به‌تأمین اعتماد، امنیت و صلح سلاح در قاره فراخواند. حزب ما از اندیشه ایجاد مناطق بدون سلاح هسته‌ای (بمترتبی که مورد توافق قرار گیرد) بمنزله گامی در راه اروپای بدون سلاح هسته‌ای و امتناع تمام کشورهای از میلیتاریزه کردن فضای کیهانی طرفداری کرد.

مخالفان میلیتاریسم در برلین غربی که در هفتاد سال یکی از روزه‌های استراتژی جهانی امپریالیسم امریکا بشمار می‌آید، سهم قابل توجهی در جنبش جهانی ضد جنگ اد کردند. کنگره حزب سوسیالیست متحد برلین غربی با اساس کامل اعلام داشت که "جنبش صلح برلین غربی به جنبش سیاسی توده‌ای عظیمی مبدل گردیده است. اعضای حزب ما هم‌زمان زیادی به این امر کمک کردند که در فاصله بین دو کنگره این جنبش بمترقی کمی و کیفی چشمگیری ناقل گردید". اقدامات گسترده طرفداران صلح برلین غربی را به شرح زیر می‌توان یاد آورد:

— راه پیمایی ۸۰ هزار نفره علیه مسافرت آ. هیگ وزیر خارجه سابق ایالات متحده امریکا به برلین غربی، شرکت کنندگان در این راه پیمایی، برخلاف نظریات او، با قاطعیت تمام اعلام داشتند که چیزی مهمتر از صلح نیست و

— تظاهرات صد هزار نفره‌ای که به نقشه‌های ریگان رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا در مورد پراخ انداختن جنگ هسته‌ای "محدود" در اروپا با قاطعیت "نه!" گفت و

— کسرت‌های ویژه صلح جوانان که بابتکار سازمان "جوانی علیه تسلیمات" در مقابل رایشتاگ برگزار گردید و ۱۲۰ هزار نفر آنرا تماشا کردند و

— تظاهرات پر قدرت و توده‌ای اکتبر سال ۱۹۸۳ در مقابل شهرداری شویچه برگ که محصل سنای برلین غربی است و در این تظاهرات بیش از ۱۵۰ هزار نفر شرکت کردند و بزرگترین تظاهرات شهردار صلح، علیه "پرشنگ‌های" و موشک‌های بالدارود رزاه خلق سلاح در غرب و شرق بود. — شرکت بیش از ۳۰۰ هزار نفر از اهالی برلین غربی در تداوم پروا اقدامات هفته صلح که در اکتبر سال ۱۹۸۳ بابتکار سازمان ملل متحد برگزار شد.

بعقیده حزب ما اهالی برلین غربی فقط وقتی می‌توانند در آرامش زندگی کنند که صلح تأمین شده باشد. بعکس، سیاستی که دولت کنونی واشنگتن از آن پیروی میکند و متکی به قدرت نظامی و تهدید به استفاده از قوه قهریه است و سیاره را به بلایه هسته‌ای میکشاند با امنیت در یکجانبی گنجد. حفظ سیستم موافقت‌نامه‌های اروپایی و مراعات مضمون و مواد آنها با منافع اهالی برلین غربی کاملاً مطابقت نمی‌یابد. بعکس، حشی که هدف آن برهم زدن سیاست کاهش تشنج، خالی از معنی و مفهومی کردن و زیرپای نهادن موافقت‌نامه‌های بین‌المللی است و دستگاه دولتی ریگان، اکنون از آن پیروی میکند

با آن منافع از بیخ و بن در تضاد است.

سلاح‌های ویژه وارد آوردن ضربه اول که از اراضی جمهوری فدرال آلمان و سایر کشورهای اروپای غربی روی کشورهای سوسیالیستی هدف‌گیری شده، برای تمام قاره ما و علاوه بر آن، برای تمام جامعه بشری خطری هلاکت‌بار بردارند. کسانی که شك میکنند که این خطر نابودی برلین غربی را هم در بر میگیرد باید با "ایرلند پست" (۱) یا استراتژی قاره امریکا آشنا شوند.

بطوریکه می‌دانیم کشورهای عضو پیمان ورشو پیشنهاد های مشخصی ارائه داشتند که در اعلامیه پراگ (۵ ژانویه ۱۹۸۳)، اعلامیه مسکو (۲۸ ژوئن ۱۹۸۳) و پیام خطاب به اعضای ناتو (۷ مه ۱۹۸۴) فرمول بندی شده است. هم‌فأنها با حسن تفاهم گسترده اهالی برلین غربی روبرو گردیدند.

برلین غربی، بعمل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بویژه به همکاری با اتحاد شوروی، جمهوری دموکراتیک آلمان و سایر کشورهای سوسیالیستی نیازمند است نه به رویا رویی، جنگ بازرگانی-اقتصادی و تحریم.

کنگره بارد یگرنشان داد که انترناسیونالیسم پرولتری در حزب ما دارای ریشه‌های عمیقی است. این مسئله از جمله، در استقبال گرم و صمیمانه از هیئت‌های نمایندگی ۲۷ حزب و سازمان برادر و همچنین از هیئت تحریریه مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" با زتاب یافت. اظهارات و سخنرانی‌های نمایندگان سایر احزاب و سازمانها به تجلی یکپارچگی حزب سوسیالیست متحد برلین غربی با جنبش کارگری بین‌المللی، با حزب لنین، بهشتا ز مبارزه در راه صلح، با حزب سوسیالیست متحد آلمان کبیر هبری آن در نخستین کشور کارگران و دهقانان در سرزمین آلمان ساختن سوسیالیسم پیشرفته ادامه دارد و مبدل گردید.

گزارش رهبری حزب و سخنرانی‌های نمایندگان سرشار از روح همبستگی مجدانه با ۲۵۰ هزار نفر اتباع خارجی بود که در برلین غربی کار میکنند. شاد باش هیئت نمایندگی مشترک کارگران خارجی به کنگره مظهر رخشان این همبستگی انترناسیونالیستی بود.

شعار کنگره هفتم: "تأمین صلح، کار و آینده!" ارتباط متقابل نزدیک صلح و کار، هنرینه تسلیحات و کاهش بودجه‌نامه‌های اجتماعی را نمایان می‌ساخت. باین ارتباط متقابل اتحادیه‌های کارگری و صنفی هم که بزرگترین سازمان‌های طبقاتی شهر هستند اعتراف میکنند. آنها در قطع‌نامه‌های خود یکی بر این اصل هستند که آنجا که مسائل و اعتبارها بمصرف تسلیحات میرسد، تأمین زندگی

اجتماعی متزلزل میشود و خطر خود زندگی را هم تهدید میکند .
 سه سال است که در برلن غریب اتحاد دموکرات مسیحی حکومت میکند (این او را خرید و رانندگی
 با حزب دموکراتیک آزاد) . این مالها با اعلام گذشت فراوان به بیوزوازی انحصار طلب ، تشویق
 و ترفیبات مؤسسات بزرگ و بانکها و کنسرن هاسپری گردید . سنگینی بار بحران و مسابقه تسلیحاتی
 هر چه آشکارتر و بیش اکثریت زحمتکش انداخته میشود ، دهها هزار محل کار با خطریدست آوردن سود
 لغو گردیده است . بیکاری خصلت فرسایشی دراز مدت پیدا کرده و طبق آمار رسمی تاریخ ۳۱ مه
 ۱۹۸۴ تقریباً ۱۱ درصد از اهالی برلن غریب را که قادر بکار کردن هستند فرا گرفته است . ولی دامنه
 واقعی ارتش ذخیره کار خیلی گسترده تر است ، زیرا بطور مثال ، آمار جوانانی را که تحصیلات خود را
 به پایان رسانده و امکان ندارند در دوره آمادگی حرفه ای را بگذرانند و یا کار پیدا کنند و همچنین اتباع
 خارجی و زنان را که بیمه کار شامل آنها نمیشود ، به حساب نمیآورند و یا کار پیدا کنند و همچنین اتباع
 تقریباً ۳۰۰ هزار نفر از اهالی برلن غریب مستقیماً و یا بطور غیر مستقیم از این بلیه اجتماعی رنج میبرند .
 کنگره ماهه این نتیجه رسید که محدودیت دست آورد های اجتماعی بمقیاس وسیع انجام گرفته
 است . ما با تعرض آشکار بمواضع طبقه کارگر ، اتحادیه ها و محدودیت حقوق دموکراتیک در بسیاری
 از عرصه های زندگی اجتماعی مواجه هستیم . واگذاری حقوق و امتیازات به سرمایه داران ، ملیونرها
 صاحبان اراضی و خانه و مستغلات ، سفته بازان و کنسرن ها ادامه دارد و در عین حال منافع زحمتکشان
 تهیدستان ، معلولین و افراد بازنشسته پایمال میگردد . اطمینان اجتماعی و عدالت ، اکنون کمتر
 از گذشته است . مبارزه طبقاتی تشدید یافته است . ما شاهد تبعیض روز افزون نسبت به اتباع
 خارجی در برلن غریب هستیم .

حزب سوسیالیست متحد برلن غریب در مقابل حمله مستقیم سرمایه بزرگ راه روشن خود را ارائه
 میکند . این راه موقتی و وابسته به شرایط روز نبوده و نتیجه بحث و بررسی پرشکوب و صبورانه ایست که
 طی چندین سال با کارگران ، شخصیت های سدیگانی و اعضای شوراهای تولیدی ، با سوسیال
 دموکرات ها و مسیحیون انجام گرفته است . مجمع ما بار دیگر خواسته های خود را چنین فرمولبندی کرد :
 - برقراری سی و پنج ساعت کار روزانه در هفته با حفظ کامل دستمزدها و تعداد شاغلین ، تأمین
 حق دفاع در مقابل اخراج از کار به هنگام تعمیم نواوریها در تولید ، قدغن کردن اضافه کار ، گسترش
 حقوق اتحادیه های کارگری و صنعتی و اعضای شوراهای تولیدی و کلکتیوهای کار برای شرکت در اداره امور
 مؤسسات ، قدغن ساختن تغییر محل کار آنها ؛

- تحقق مواد قانون اساسی درباره حق کار بر طبق اتخاذ سیاست اشتغال کامل و ایجاد نظم

در اقتصاد ؛

- واگذاری اعتبار و کمک مالی به فیرم های خصوصی در صورت مراعات تعهدات مربوط به
 مالیاتها از طرف آنها و تأمین بودجه لازم برای حفظ محل های کار موجود و ایجاد محل کار جدید ؛
 مؤسسات بزرگ و کنسرن هایی که این تعهدات را نقض میکنند ، مؤسسه تولیدی را تعطیل و بهایه محل
 دیگری منتقل میکنند باید طبق مواد قانون اساسی مصادره گردیده و ممالکیت شهرداری درآیند ؛
 - ایجاد محل کار جدید در مؤسسات آن رشته هایی از صنایع که درونمای پیشرفت دارند
 طبق برنامه دولت (رشته های مربوط به حفظ محیط زیست ، سازماندهی تأمین حرارت مرکزی
 و استفاده از فضولات و مواد بازمانده صنایع و مساکن (نظیر ناله و آشغال) تقدم دارند) باید
 خدمات اجتماعی و حمل و نقل شهری عمومی گسترش یابد و واگذاری خدمات اجتماعی به بخش
 خصوصی پایان داده شود ؛

- پیروی از سیاستی فعال و مجدانه در عرصه دستمزدها بمنظور افزایش درآمد های واقعی ؛
 - تأمین کنترل از طرف زحمتکشان و شرکت دادن آنها در اتخاذ تصمیم درباره تمام مسائل
 مربوط به تولید ، سرمایه گذاری ، استفاده از تکنولوژی جدید ، تعیین قیمت ها و همچنین هر تصمیمی
 در تعداد محل کار در مؤسسات ؛

- ایجاد شورای تولید (مستقل از سرمایه) از اعضای شوراهای تولیدی ، معتمدین اتحادیه
 های کارگری و سایر نمایندگان سندیکاها ، تکنیسین ها ، مهندسين و اکونومیست ها ؛ این شوراها باید
 در تعیین ساختار کلی صنایع و برنامه ریزی سرمایه گذاری ، در تقسیم و توزیع وسائل و اعتبارات اجتماعی
 شرکت کند و در روابط اقتصادی شهرها خارج مؤثر باشد .

هفتمین کنگره حزب تأکید کرد که بودجه و وسائل لازم برای ایجاد محل کار بدون تردید وجود
 دارد . فقط طی دهه اخیر مسئولین اداره امور شهر از درآمد های مالیاتی میزان ۴۹ میلیارد مارک
 بسود کنسرن ها صرف نظر کردند و ۶۵ میلیارد مارک به بودجه بکنک شد و یک چهارم آنرا صرف
 تسلیحات نمودند .

آمادگی زحمتکشان برای دفاع از منافع خود بصیران چشمگیری افزایش یافت . صحت این ارزیابی
 را که از طرف کنگره و در گزارش به کنگره قید گردیده است ، خود شرایطی که کنگره در آن برگزار گردید
 با وضوح تمام تأیید کرد . این واقعیت را نیز های کارگران صنایع فلز ، پولیگرافی و ساختمان در دفاع
 از محل کار ، هفته کوتاه ترکا رود دستمزدها بیشتر نشان داد . " پائینی ها " در برابر تعرض " بالائی ها "
 به منافع حیاتی زحمتکشان به تشدید مبارزه طبقاتی پرداختند . در این جریان به ایدئولوژی شراکت
 اجتماعی " میان کار و سرمایه ضربه وارد آمد ، زیرا خصلت سراب مانند آن را واقعیتی که سرشار از تضاد ها
 آشتی ناپذیر است آشکار ساخت .

کمیونست های برلن غربی وظیفه خود را مقدم بر هر چیز د ر این می بینند که نظریات طبقه کارگر را مطرح ساخته و از آن دفاع کنند . این از جمله بضمین کنگ به درک و تفهیم تضاد های اجتماعی است . حزب ارتباط متقابل نزدیک مبارزه در راه صلح و تأمین حق کار و حقوق دموکراتیک و اجتماعی زحمتکشان را روشن میکند و توضیح میدهد . تمام اینها از آموزش کمآینده شهر را تضمین میکند و جدائی ناپذیر است . صحت و اثباتش بخشی کار پایه حزب تحت عنوان " حزب سوسیالیست متحد برلن - غربی و وظائف سالهای ۸۰ " که سه سال پیش بتصویب رسید در کنگره هم طی گزارش وهم در سخنرانی های ۳۲ تن از نمایندگان که از هر صدهای مختلف زندگی اجتماعی سخن میگفتند تأیید گردید . این کار پایه به پرسش زحمتکشان شهر از نژاد نژاد و جوان وزن مرد تابکاران ، پاسخ میدهد که چگونه با مساعی مشترک از منافع خود دفاع کنند .

ما در شهر یگانه حزبی هستیم که طی چندین سال گذشته در مقابل بحران سرمایه داری ، این خواست را مطرح میکنیم که هفته کار در زمین حفظ کامل د مستمر ها و تعداد شاغلین بکار تقلیل داده شود . حزب ما همچنین در مقابل بی آمد های مدرنیته کردن صنایع بشیوه سرمایه داری بد فراع از زحمتکشان پرداخت و خواستار گسترش اشتراک سندیکا ها ، اعضای شورا های تولیدی و کولکتیوها در اداره امور مؤسسات گردید . در ضمن ما کاملاً متوجه این هستیم که در این مورد سخن بر سر مبارزه ای دشوار و طولانی است .

حزب برای این نکته واقف است که مسئله بیکاری جمعی را بطریق کاهش زمان کار حل نخواهند کرد . در شرایط تولید بشیوه سرمایه داری فقط میتوان موقتاً از حد آن کاست ، ضرورت اشاعه این اندیشه میان کارگران که جنبش کارگری باید برای محدود ساختن حاکمیت سرمایه بزرگ و سرانجام از بین بردن آن کوشش بخرج دهد حقیقتی استوار و قطعی برای کمیونست ها ، پیوسته در شرایط بحث و مذاکره کنونی در باره سیاست اقتصادی است . تحکیم و گسترش هر چه بیشتر وحدت طبقه کارگر و سازمانهای دموکراتیک شرط قاطع لازم برای تغییر بنسب نیروها بسود زحمتکشان در شهر ما است . همکاری کمیونست ها و سوسیال دموکرات ها ، حزب سوسیالیست متحد برلن غربی و حزب سوسیال دموکرات هسته مرکزی این همکاری بوده و هست . کنگره هفتم چنین خاطر نشان ساخت : " ما توجه مد خود را به وحدت عمل معطوف میکنیم و ملت آن اعتقاد بدین است که طبقه کارگر باید دشمن مشترکی که سرمایه بزرگ است رهبر و می باشد . طبقه کارگر منافع اساسی مشترکی دارد که بد آنها فقط با مساعی مشترک میتواند جامه عمل بپوشاند . بهمین سبب سیاست وحدت عمل برای حزب هیچوقت یک مسئله تاکتیکی نبود و نخواهد بود . این خط مشی سیاسی اصلی حزب است .

واکنش و مسائل ارتباط جمعی بوزوایی نسبت به متبایج کنگره هفتم هم گواه دیگری بر این است

که حزب سوسیالیست متحد برلن غربی مشی درستی را انتخاب کرده است . آنها اعتراف میکنند که نفوذ کمیونست ها در جنبش صلح و اتحادیه های کارگری ، میان اعضای شورا های تولیدی و همچنین کارکنان موسسات فرهنگی همیزان چشمگیری افزایش یافته است . بسیاری از اندیشه هائی که کمیونست ها مطرح ساخته اند فکرو ذهن اهالی شهر را بخود مشغول داشته است . در واقع و همکساری با سوسیال دموکراتها ، رجال سندیکائی و نمایندگان جنبش های دموکراتیک مسیحی ، آلترا ناتیو و غیره امکانات زیادی فراهم میکند .

کنگره حزب سوسیالیست متحد برلن غربی بر اساس تجربه کار سیاسی توده ای در سالهای گذشته اعلام داشت که " وحدت عمل ، خود را بمنزله نیروی محرکه برای ایجاد اتحاد های گسترده ای نشان داد که امکان همه گیری پیدا میکند و افراد بسیاری را جلب میکند که عضویت هیچ سازمانی را نداشتند . روابط هر چه نزدیکتر جنبش صلح با جنبش کارگری در شهر ما در رخشان ترین نمونه این وحدت عمل است " . طیف گسترده فعالیت نیروهای صلح دوست و دموکراتیک در اسنادی که نمایندگان کنگره بتصویب رساندند بازتاب یافت . کنگره هفتم اعلامیه ای با عنوان " برای شهر صلح و کار ، در راه تأمین آینده " تصویب کرد و فراخوانی خطاب به شرکت کنندگان در کنفرانس استکهلم ویژه تدابیر تحکیم اعتماد و امنیت و خلق سلاح در اروپا تهیه و ارسال کرد و مقررنمود که اقدامات مختلف برای قبولاندن ۳۵ ساعت کار در هفته در زمین حفظ کامل د مستمر ها و تعداد شاغلین بکار به مقیاس وسیع تری بعمل آید . کنگره قطعنامه ویژه ای در باره همبستگی با مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای امریکای مرکزی و جنوبی و حوضه کارائیب بتصویب رساند .

وقتی کمیونست های برلن غربی سه سال اخیر را از نظر گذراندند با اساس کامل توانستند در مجمع خود تأیید کنند که سیاست ، استراتژی و تاکتیک حزب از پخته آزمایش کاملاً در دست بدآمده است . حزب به پیش رفته است . به تعداد اعضای آن افزوده شده است . نفوذش افزایش یافته است . بهمین سبب ما با آینده کاملاً اطمینان داریم و توانستیم این هدف را در مقابل خود قرار دهیم که در ماه های آینده صفوف خود را ، در درجه اول با افراد ای از طبقه کارگر ، گسترش دهیم .

ه . اشعیت صد حزب سوسیالیست متحد برلن غربی اعلام داشت که " این کنگره ای بود که دفاع از صلح و منافع حیاتی زحمتکشان ، بیکاران و تمام کسانی که در شهر بیطور روز میزند کار میکنند در مرکز توجه آن قرار داشت . کنگره عملاً به حزب مانیروی تازه ای برای تدارک انتخابات مجمع شهر (پارلمان) در مارس سال ۱۹۸۵ بخشید .

این کنگره ای بود که نشان داد حزب استحکام میزد بر د بطن بیکر رزاه تحقق کار پایه سیاسی خود فعالیت میکند . کار پایه " حزب سوسیالیست متحد برلن غربی و وظائف سالهای ۸۰ " به مسائل مهم مبارزه در راه صلح و دموکراسی و ترقی اجتماعی که تازه مطرح میشود پاسخ میدهد . این کنگره ای بود که با خوش بینی رزنده و صلاحیت فراوان و وطن واقع بینانه وظائف خود را بر میگرد

نیروها را چند برابر و کادرها را آبدیده میکنیم

کالی شانکار شوکلا

عضو کمیته اجرایی مرکزی شورای ملی حزب
کمیونست هند وستان

اوتسی کریشنان

عضو رهبری سازمان حزب کمیونست هند وستان در
کیرالا

— دوازدهمین کنگره حزب کمیونست هند وستان (۱) وظیفه تسریع رشد حزب و سازمانهای
توده ای تحت رهبری آن، عملی ساختن پیگیرتر مواظبتن لنینی زندگی حزبی و تکامل فعالیست
حوزه های اولیه را مطرح ساخت. این دستورالعملها چگونه اجرا میشوند؟

ک. ش. شوکلا — مسئله رشد کمی و تکمیل کیفی صفوف حزب و نیز افزایش نفوذ حزب کمیونست
هند وستان در توده ها در مرکز توجه کمیونست های هند وستان قرار دارد. ما حالا در همه جا کارمیان
جوانان راشدتی بخشیم. در ضمن سعی میکنیم نمایندگان ستم دیده ترین قبائل و کاست ها، زنان
و مسلمانان را نیز به حزب جلب کنیم. تاکنون موفقیت های معینی بدست آمده است، اگرچه این
وظیفه آسانی نیست، زیرا در حقیقت چنین گروهها از لحاظ اجتماعی و سیاسی کمتر از همه پیشرفت
کرده اند.

هند وستان بیشتر یک کشور کشاورزی است و تعداد روستائیان در حزب بیش از همه
است. اساسا صحبت بر سر کارگران کشاورزی و دهقانان بی زمین و کم زمین است. در صفوف ما دهقانان

۱ — کنگره در بهار سال ۱۹۸۲ در واراناسی (ایالت اوتار پرادش) تشکیل گردید. هیئت تحریریه.

متوسط و حتی دهقانان مرفه نیز وجود دارند، ولی تعداد آنها بسیار کم است. سازمان های حزبی
در روستاها معمولا بر اساس اصل محل زندگی تشکیل میشوند.

در ارتباط با پرولتاریای صنعتی باید گفت در سراسر کشور تعداد آن در حزب بیش از ۱۰-۱۲

در صد اعضای حزب نیست. البته، ما پیش از هر چیز در این فکر هستیم که تعداد کارگران را افزایش دهیم
و در کارخانه های بزرگ حوزه های تولیدی و کمیته تشکیل دهیم. در کارگاهها و فابریک های که حزب
در آنها هنوز بنیاد از کفانی قوی نیست، کمیونست ها در سازمانهای کنگره اتحادیه های سراسری هند وستان (۱)
کار میکنند و در همین حال عضو سازمانهای حزبی در محل سکونت، در بخش های کارگرنشین هستند.

روشنفکرانی که از اقشار متوسط هستند، نقش بزرگی در زندگی اجتماعی هند وستان ایفا میکنند.
آنها با معلومات ترین و فعال ترین بخش اهالی را تشکیل میدهند و در حزب وزن قابل ملاحظه ای دارند.
حزب کمیونست هند وستان نفوذ زیادی در میان نمایندگان دانشگاهها و کالجها و همچنین در میان
معلمین مدارس ابتدائی و متوسطه دارد. یک نمونه بارز این است که در بسیاری از آنها که تا چند سال
پیش تقریباً هیچ کمیونستی وجود نداشت، حالا حوزه های حزبی و کمیته تشکیل میگردد.

او. کریشنان — اگر از ایالت کیرالا صحبت کنیم باید گفت اکثریت کسانی را که بطرف حزب می آیند
جوانان تشکیل میدهند و میانگین سن کمیونست ها بیش از ۳۰-۴۰ سال نیست. از لحاظ ترکیب
اجتماعی، بیش از یک سوم اعضای سازمانهای حزبی در کیرالا نمایندگان پرولتاریا و یا از خانواده های
کارگری هستند، تقریباً ۳۰ درصد را دهقانان تشکیل میدهند و بقیه به اقشار متوسط تعلق دارند.
در کیرالا حوزه های حزبی که بر پایه محل سکونت تشکیل شده اکثریت دارند، ولی بارشده صنایع در سالها
پنجگاه سازمانهای حزبی تولیدی هم پدید آمد و ما کوشش میکنیم بیشتر بر آنها تکیه کنیم. بطور مثال
در ریاست ایالت این قبیل سازمانها زحمتکشان صنایع الکترونیک، معلمین، کارمندان دولت،
کارکنان حمل و نقل و مانند اینها را متحد میکنند.

— پذیرش عضو در حزب شما چه نحو انجام میشود؟

ک. ش. شوکلا — هر شهر و روستای هند که بیش از ۱۸ سال دارد میتواند تقاضای پذیرش در حزب
کمیونست هند وستان را بنماید. در همین حال اوتوضیح ده کمیونست مجرب را هم ارائه میدهد. دوره
آزمایشی شش ماه است. اگر دو طلب عضویت در طول این مدت نتواند باندازه کافی شایستگی خود را
نشان بدهد، دوران آزمایشی میتواند تا شش ماه دیگر تمدید بشود. پس از این عضو آزمایشی عضویت

۱ — کنگره اتحادیه های سراسری هند وستان (با بیش از ۳ میلیون عضو) سازمان توده ای
زحمتکشان است که تحت رهبری حزب کمیونست هند وستان عمل میکند. هیئت تحریریه.

حزب در میآید و با ازیلیست و اطلبان حذف میگردد .

او- کریشان . من میخواهم با آموزش که ماسبرنیمیکیم تا کسی تقاضای عضویت کند . اگر کمی در جریان یک فعالیت سیاسی گسترده خود را مبارزی فعال نشان دهد ، ما اینکار را بدست خود میکنیم و او را تشویق میکنیم که به صفوف حزب کمونیست هند وستان بپیوندد . ولی این روشی طرف یاجنبه دیگری هم دارد . مطلب بدین شرح است که کمونیستی که بمعقادات خود با اندازه کافی پایبند نباشد اغلب فعالیت نمیکند و در بهترین حالت به پرداخت حق عضویت قناعت میکنند . این قبیل افراد بهنگام تجدید نامیومی سالانه ، قاعدتاً حزب را ترک میکنند . بهمین سبب است که ما طی ۳ - ۴ سال اخیر به تشدید کار در درون حزب و مقدم بر هر چیز کار میان اعضا* جدید توجه ویژه ای مبذول میداریم .

— کنگره حزب کمونیست هند وستان سازمانهای حزبی را موظف کرد ، کاراید تولونیک و تربیتی را در میان کمونیست ها بهبود بخشند و در این جهت بکوشند که آنها سطح دانش سیاسی خود را مرتباً بالا ببرند . در حال حاضر وضع در این عرصه از چه قرار است ؟

ک . ش. شوکلا — پیشرفت آموزش حزبی را یک سلسله عوامل عینی کند میکنند . کافی است بگوئیم که تقریباً ۷۰ درصد اهالی هند وستان نمیتوانند بخوانند و بنویسند . اکثریت اعضا* حزب کارگران کشاورزی و دهقانان هستند که در میان آنها بیسواد بیوزنه زیاد است . گاهی ما مجبور میشویم به مردم چیزهای مقدّماتی و حتی جغرافیای کشور خود را یاد بدهیم . دشواریهای دیگری هم هست و ما به پول و جا برای آموزش و کار در نیاز مبرم داریم .

با وجود این در حزب کمونیست هند وستان سیستم منظم آموزش اید تولونیک — سیاسی ایجاد شده و تکمیل میگردد ، سیستمی که بنظر ما بدون آن حزب نمیتواند خواستهای کنونی را تحقق بخشد . در نقاط مختلف دوره های سه تا پنج روزه ایجاد شده و هدف آنها آشنا ساختن جمعی و توده ای کمونیست ها با معلومات مارکسیستی است . در هر یک از شهرها کلاسهای آموزشی برای فعالین حزبی در ۸ متوسط منظم ابر میشود . برای دانشجویان و معلمین دوره هائی با سطح بالا تر در نظر گرفته شده که در تعطیلات تابستانی در ایست . حزب کمونیست هند وستان دارای دو مدرسه حزبی مرکزی است که در آنها بزبان انگلیسی و هندی تدریس میشود . دوره آموزش در آنها تا یکماه و نیم است . برای رفقای که بزبان دیگری سخن میگویند آموزش در یک سلسله از ایالات کشور سازمان داده شده است .

در باره برنامه های آموزشی باید گفت طبعاً بسته به سطح معلومات شرکت کنندگان فرق میکند . بطور مثال ، در مدارس مرکزی : تئوری مارکسیستی — لنینیستی ، فلسفه در هند وستان ، تاریخ و

اقتصاد هند وستان ، وضع سیاسی کنونی کشور و وضع جنبش بین المللی کمونیستی ، مسائل ساختمان حزبی و کار در سازمانهای توده ای را فرامیگیرند . معمولاً پس از پایان یک دوره آموزشی ما از هر یک از فارغ التحصیلان خواهش میکنیم تذکرات و خواستهای خود را ابراز دارند و با توجه به آنها در شکل و مضمون دوره آموزشی تغییراتی میدهیم .

او- کریشان . در کرا لا وضع مساعد تراز سایر ایالات است . میزان بیسواد ی در کرا لا کتسر از ۱۵ درصد است . بطور مثال ، وقتی شورای ملی یک تصمیم سیاسی اتخاذ میکند ، ما میتوانیم با فرستادن نامه ای برای سازمانهای اولیه آنرا بشکل چاپ شده باطلاع تمام اعضا* حزب برسانیم . افزایش فعالیت کمونیست ها را عمدتین وظیفه کاراید تولونیک — تربیتی بشمار میآوریم . ما برای انجام این وظیفه در اساسی داریم ؛ بوسیله رساندن اطلاعات مرتب و منظم در باره موضوع های حائز اهمیت سیاسی بوسیله بررسی و تشریح مقاله های مهم مطبوعات حزبی در جلسات حوزه های حزبی . مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " کمناً بزبان مالا یالام انتشار مییابد ، کمک فراوانی بنامیکند (۱) .

— میتوانید بگوئید کارهای پژوهشی در حزب کمونیست هند وستان چگونه سازمان داده شده است ؟

ک . ش. شوکلا . متأسفانه امکانات ما در این زمینه محدود است . حتی با وجود دانشندان و متخصصین برجسته در رشته های مختلف علوم در حزب ، نداشتن وسائل کافی مانع تشکیل سلسله کنفرانس ها و سمینارها میگردند . بسیاری از رفقا پژوهش های خود را مستقلاً در چهارچوب مؤسسه علمی موجود در کشور انجام میدهند . بطور مثال مورخین مارکسیست در جمعیت علمی تاریخ سراسر هند وستان ، که حزب در آن نقش بزرگی دارد ، با موفقیت کار میکنند . در باره فعالیت علمی حزبی باید گفت در چهارچوب مدارس مرکزی حزبی و در گروههای ویژه پژوهشی انجام میگردد . در ایالات هم کار معینی انجام میگردد . بطور مثال در کرا لا ، در برخی از آنها انستیتوهای مارکسیسم — لنینیسم تأسیس میگردد .

او- کریشان . در کرا لا مانبروهای علمی را برای آموزش و تعمیم تجارب دهساله حزب کمونیست هند وستان ، هنگامیکه در رأس دولت ایالتی قرار داشت ، بیوزنه تجاری که از حل و فصل مسائل اقتصادی بدست آمده متمرکز میکنیم (۲) . تجزیه و تحلیل مارکسیستی تاریخ کرا لا سمت دیگر فعالیت های علمی

۱ — مجله ما در هند وستان بزبان انگلیسی و ده زبان محلی انتشار مییابد . هیئت تحریریه .
۲ — نخستین دولتی که در کرا لا برهبری کمونیست ها تشکیل گردید در سالهای ۱۹۵۹ - ۱۹۵۷ (در رأس حاکمیت بود . سپتامبر ۱۹۶۷ تا مارس ۱۹۸۲ حزب کمونیست هند وستان همواره در دولت جنبه متحد شرکت داشت . از نوامبر ۱۹۶۹ تا اکتبر ۱۹۷۹ نمایندگان حزب کمونیست از وزرای عمده ایالت بودند . هیئت تحریریه .

است. این بسیار مهم است، زیرا همانطور که گفتیم در حال حاضر شیوع مجدد نظریات مذهبی و شور و گوناگونی در هند و استان پنجشیم پیور. پیکار علیه آنها نیازمند استدلال منطقی و منجید است و در اینجا هم دانشمندان مارکسیست عرصه فعالیت گسترده ای در برابر خود دارند.

— بطوریکه میدانیم حزب کمونیست هند و استان شبکه وسیع مطبوعات حزبی در اختیار دارد. امکانات و نقش این مطبوعات در آموزش و پرورش سیاسی کمونیست ها، فعالین سازمانهای توده ای و بطور کلی اهالی از چه قرار است؟

ک. ش. شوکلا. بمفهوم معینی میتوان گفت که حزب کمونیست سازمان یافته ترین مطبوعات را در هند و استان دارد. البته تیراژها خیلی کمتر از انتشارات بورژوازی و ویژه تجارت است، ولی اگر فقط مطبوعات حزبی را در نظر بگیریم با احتمال قوی ما از همه نیرومند تر هستیم. ما روزنامه مرکزی "جان پوک" را که بزبان هندی منتشر میشود و مجلات هفتگی مشهوری مانند "نیو پیج" (بزبان انگلیسی) و "حیات" (بزبان اردو) و نیز سه مجله ماهانه داریم. در حال حاضر، ما انتشارات مجله تازه را که مسائل علوم اجتماعی و مسائل فرهنگی را دربرمیگیرند آغاز کرده ایم. دایره انتشارات حزب در دلهی مرتباً نشریات مارکسیستی بچاپ میرساند. سازمانهای حزبی حزب کمونیست هند و استان در بسیاری از ایالات دارگان های مطبوعاتی خود را دارند.

ا.و. کریشنا. کمونیست ها در کزالا به برنامه های رادیو هم راه یافته اند: ما در برنامه های ویژه مسائل طبقاتی و گروهی برنامه های آموزشی شرکت میکنیم. این وضع با اشتراک چندین ساله ما در دولت و محلت اینکه نیروهای مارکسیستی امروز هم که در حالت اپوزیسیون هستند، در ایالت نفوذ عظیمی دارند در ارتباط است.

— بطوریکه میدانیم کار حزبی در بخش در تمام عرصه ها و از جمله در عرصه ایدئولوژیک نیازمند هسته مستحکم از کارهای ورزیده است. در اینجا وضع از چه قرار است؟

ک. س. شوکلا. ما کارهای آزاد شاغل در ادار مرکزی حزب و در ارگانهای رهبری ایالات داریم. اما در سطح کمیته های محلی و شهری یعنی حلقه بعدی همه چیز به تعداد اعضاء و امکانات مادی هر سازمان وابسته است. در برخی از شهرها حزب هنوز حتی محلی برای خود ندارد. در ارتباط با حوزه های اولیه حزبی باید گفت آنجا کار فقط بر مبنای فعالیت اجتماعی انجام میشود. ما کوشش میکنیم کارها را از میان کمونیست های جوان، کارگران، دانشجویان و فعالین اتحادیه ها انتخاب و آماده کنیم. ما از آنها خواهیم میکیم که خود را کاملاً وقف کار حزبی کنند و ما اگر نتوانیم آنها را از لحاظ مادی تأمین کنیم، بخش بیشتری از وقت آزاد خود را صرف کار حزبی کنند.

ا.و. کریشنا. در کزالا کار برای حزب بصورت کار اجتماعی به اشکال مختلف انجام میشود. بطور مثال، یک کارمند بانک میتواند بیست یکی از دیران کمیته محلی انتخاب شود و برای این کار روزانه ۲ تا ۳ ساعت وقت خود را صرف کند. یا یک استاد دانشگاه رهبری گروهی را در سیستم آموزش حزبی بعهده بگیرد.

در حال حاضر، در هر شهری گروه فعالین ویژه تبلیغات، بدون حقوق، از کمونیست های باسوادی که در عرصه های مختلفی کار میکنند تشکیل میدهم. وظیفه این فعالین، که تعدادشان روز بروز بیشتر میشود عبارت از تشریح خط مشی حزب در حوزه های حزبی و سازمانهای توده ای است. آنها باید به تمام کسانی که پاسخی برای مسائل حادث واقعیت هند و استان میجویند و میخواهند سهمی در پیکار خاطر سعادت خلق ادا کنند، برسند.

آرمانهای جنبش مقاومت زنده است

بهری سیاسی حزب کومنیست فرانسه پنجاهمین سالگرد آزادی کشور از اشغالگران فاشیست آلمان اعلامیه ای بتصویب رساند. در این سند بر نقش ارتشهای متفقین که این رویداد تاریخی را امکان پذیر ساختند بدین شرح تأکید شده است: نیروهای مسلح اتحاد جماهیر شوروی که در جنبه عرق بخش اصلی لشکرهای آلمان را نگهداشته و تارومار ساختند، ارتشهای آمریکا و ستانها که پیاده شدند در نورماندی (۶ ژوئن سال ۱۹۴۴) آغازی بیپیکار و بلاواسطه آنها برای آزادی فرانسه بود. بالاخره نیروهای مسلح آزاد فرانسه که برهبری ژنرال دگل ایجاد گردیده بود.

بهری سیاسی نقش بی نظیر مقاومت داخلی در آزادی کشور را هم خاطر نشان میسازد. سیاست ضد ملی و خائنانه که در سال ۱۹۴۰ دنبال میشد و مانع میهن و امر صلح را فدای سرمایه بزرگ ساخته بود، پنج روزگاری هیتلری و اشغال جمهوری کمک کرد. ولی فرانسهها از زن و مرد با آنکه دارای معتقدات سیاسی بسیار مختلف بودند همه قهرهای گوناگون جامعه تعلق داشتند شکست را نپذیرفتند و جنبش مقاومت را علیه اشغالگران و همدستانشان آغاز کردند. این جنبش گسترش یافت و سهم ارتده ای در پیروزی داشت.

در اعلامیه خاطر نشان میگردد که حزب کومنیست فرانسه از نخستین روزها مبارزه برخاست. کومنیست ها برای پیروزی در این مبارزه سعی وافری بذول داشتند و بخاطر آن متحمل رنج و عذاب و شکنجه شده و خون خود را نثار کردند. حزب کومنیست فرانسه ضمن تجلیل از خاطره قهرمانان و شهدای خود از تنه مبارزان جنبش مقاومت صرف نظر از معتقدات سیاسی آنها هم تجلیل بعمل میآورد.

در این سند بعد آنگه میشود: در سالهای دشوار جنگ دو وظیفه که حکم یک وظیفه کلی را داشت به کومنیست ها الهام میبخشید: مغلوب ساختن دشمن و دست یافتن به اتحاد جنبش مقاومت با تمام میهن پرستان. حزب در آفرانه در آشفتگی نخستین روزهای اشغال از هر شیوه کار و فعالیتی استفاده نمیکرد ولی در اولین فرصت مبارزه مسلحانه پرداخت و سازمان فرانسه-تیروری را تیزان ها را بوجود آورد. حزب کومنیست فرانسه با تمام پوسائل بتأمین همکاری نیروهای میهن پرست برهبری شورای ملی مقاومت کمک کرد و در تهیه برنامه عملیات نظامی آن، و در گزینش های بنیادی دموکراتیک و ترقی اجتماعی فعالانه

اقتدارک ورزید و برای آنکه بموقع تصمیم لازم برای عصیان اتخاذ کرد و از تمام وجهه خود استفاده کرد. در نتیجه عملیات جنگی مقاومت و موفقیت های عصیان ملی شهرها و برخی از ایالات کاملاً آزاد شدند. آزادی فرانسه خیلی تسریع شد و پایتخت و سایر نقاط کشور زیر پرانی کامل که مورد نظر هیتلر بها بود رهائی یافتند و نقشه های رهبران آمریکا که خیال داشتند با برکنار کردن دگل و دولت او از انجم عملیات در نورماندی فرانسه را "تحت قیمومت" خود در آورند عقیم گردید. بهر وی سیاسی حزب کومنیست فرانسه تأکید میکند که نیروهای مقاومت استقلال کشور را کاملاً تأمین کردند و برای آن جانی در میان کشورهای پیروزمین نمودند. مقاومت جنبش خلقی بوده ای راتحادی اختلا داد که بلافاصله پس از آزادی بکلیک وزرای کومنیست دوره موفقیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فرارسید که تا امروز هم در زندگی سراسر جامعه فرانسه مؤثر است.

در اعلامیه گفته میشود چهل سال پس از این رویداد ما ما همراه با دیگر میهن پرستان مراقب این هستیم که فرانسه و سلسلهای جوان آن از حقایق مربوط به مقاومت و آزادی پا خیر باشند. این زحمتکشان و شامهرد بهتر می هستند که در آینده، در شرایط تازه باید از آرمانهای والای مقاومت یعنی صلح و آزادی ملی، عدالت اجتماعی و آزادی دفاع کنند. نسل کنونی زنان و مردان فرانسه همانند شرکت کنندگان در عملیات جنگی سالهای ۴۰ گتوانستند نیروی خود را برای آزادی کشور متحد سازند و باید در مبارزه در راه تغییر و تحول، در راه تحقق اهدای سال ۱۹۸۱ برای زندگی بهتر در فرانسه دموکراتیک در شرایط صلح در زوئی زمین به وحدت برسند.

ارتباط با طبقه کارگر را محکم کنیم

لپستان

کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لپستان قرار را بتصویب رسانید که در آن ذکر شده است که حزب متحد کارگری لپستان خصلت طبقاتی خود را تقویت میکند و نقش زحمتکشان را در پیرویه تهیه و تنظیم قرارها و اتخاذ تصمیم افزایش میدهد. بمقاید و نظریات آنها گوش فرامیدهد و زحمتکشان را با سیاست خود آشنا میسازد و بتدریج نفوذ خود را در جامعه از تو گسترش میدهد.

درستند یاد آوری میشود که باید کارگران را برای حرکت در کمپین های بررسی مسائل و گروههای مشورتی بشكل گسترده تری جلب کرد تا آنان را برای حرکت در بلند مدت در جنبه های مبارکتهای اجرایی آنها دعوت نمود . جلسات عمومی کمونیست ها را به تعداد بیشتری تشکیل داد و همچنین به تماس های رهبری در تمام سطح با کولکتیوهای کارگری ادامه داد و آنها را غرض تراست ساخت . کمیته ها و سازمانهای حزب متحد به کارگری لهستان باید به کارگران پیشروی که خدمات فراوان کرده اند و به کارگران با تخصص عالی ، یعنی حاملان عمده سنت و ارزش های طبقاتی توجه بیشتری مبذول دارند . قراره سازمانهای حزبی را موظف میکند به کوشش های خود برای جلب تعداد بیشتری از کارگران به صفوف حزب متحد به کارگری لهستان افزایش دهند .

برای خروج کشور از بحران

شیلی

در سانتیاگو کمیته حزب کمونیست شیلی خطاب به زحمتکشان و بیکاران و کسبه و سرمایه داران متوسط و نیز کارمندان انتشار یافته که شامل دعوت تا پذیروهای اپوزیسیون شیلی علیه رژیم ضد خلقی پهنوت به اتحاد و همبستگی است . در بیانیه گفته شده است که اگر اپوزیسیون صفوف خود را متحد سازد میتواند تساراج و چپاول ثروت های ملی بوسیله محافل امپریالیستی را متوقف سازد و به زد و بند های گروه بندی های اقتصادی وابسته به بانک های کشورهای عمده سرمایه داری خاتمه دهد .

درستند برنامه اقدامات فوری در جهت حل مسئله بحران خاد اقتصاد در شیلی مطرح شده است . این برنامه نکات زیرین را در بردارد : افزایش همگانی دستمزدها و دادن کمک هزینه به تمام بیکاران و که تعداد شان در حال حاضر به ۱ میلیون نفر میرسد . ثابت نگه داشتن سطح قیمت ها و کنترل قیمت های کالا های مورد نیاز اولیه . تضمین سهلت ۱۰ ساله برای پرداخت قرض تمام مقروضین کوچک و متوسط و قطع پرداخت های قرض خارجی . قطع اعتبارات دولتی برای بانکهای خصوصی . ملی کردن کلیه کارخانه های که به شرکت های امریکائی تعلق دارند و الغاء قوانینی که به انحصارهای ترانس ناسیونال و مقدم بر همه به انحصارهای ایالات متحد و امریکا امتیاز و تضمین های گسترده ای در صنایع استخراج معادن واکسدار میکند . الغای قرارداد با صندوق ارز زمین المللی . بازگرداندن مالکیت اراضی بزرگ و جنگلهائی که در مالکیت سرمایه مالی است به مردم . تأمین بدون وقفه اهالی با مواد غذایی .

در آئین مطبوعات

درسهای زنده زمان گذشته

" اومانیتته "

روزنامه کمونیست های فرانسه بطور منظم خوانندگان را با کارهای مقدماتی که بنظر تأسیس مسوزنه مقاومت ملی که در نظر است ۸ ماهه سال ۱۹۸۵ بمناسبت چهلین سالروز پیروزی پرفاشیسم افتتاح شود ، آشنا میکند . حزب کمونیست فرانسه که در جنبش مقاومت نقش اصلی را بعهده داشت در ایجاد موزه فعالانه شرکت کرده است . حزب پس از اعلام اینکه قصد دارد به بنیاد آن دو میلیون فرانک بپردازد اقدامات گسترده ای را برای جمع آوری وسائل و کتبهای مالی آغاز کرد و تاکنون دهها هزار فرانسوی از آن استقبال کرده اند .

" اومانیتته " بار دیگر براهیت فراوان تجارب گذشته برای مبارزات طبقاتی حال و آینده تأکید میکند . روزنامه قید میکند که تاریخ درسهای این نظیری در بردارد و منبع غنای دانش و فرهنگ ما است .

در همین حال نمکین کردن جوانب مختلف فعالیت جنبش مقاومت و سازمانهایی که در آن شرکت داشتند و نقش حزب کمونیست فرانسه و طبقه کارگر در تابلوهای نمایشی موزه و طبقه آسانی نبود . کسانی که در حالست صحنی فعالیت میکردند این قانون آهنین را مراعات مینمودند که هیچگونه سند و هیچ رد پائی از فعالیت خود باقی نماند . با وجود این ، جمعیت و هیئت مؤسسان موزه موفق شدند طی ۲۰ سال کار پر زحمت و دقیق روزنامه و عکس و چیزهای منحصر بفردی در باره تاریخ مبارزه علیه اشغال نازی ها جمع آوری کنند که ۳۰۰۰ روزنامه و مجله مربوط به سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۴ و ۴۰۰ ورقه اعلان و پوستر هزاره شب نامه و عکس و دستگامهای چاپ و وسائل تکثیر و اسلحه و غیره از جمله آنها است . روزنامه تأکید میکند که موزه بسیاری پژوهندگان و دانشمندان منبع اطلاعاتی گرانبهایکی از مراکز مهم تاریخ کشور خواهد شد و در پرورش و تربیت نسل جوان و بالنده کوشی با روح آداب و سنن افتخار آمیز خلق فرانسه نقش قابل توجهی ایفا خواهد کرد .

سنت ها و دورنمای آینده

کارلوس سوریا

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بلوی
- سردبیر روزنامه "اوپنیداد"

- دو سال و چند ماه پیش پروسه تجدید دموکراتیک در بلوی آغاز گردید و حزب کمونیست بلوی که فعالیت علنی را آغاز میگرد در دولت ائتلافی شرکت جست (۱) - میتوانید بگوئید حالا که وضع دگرگون گردیده "اوپنیداد" در کار خود چه تمهیراتی داده است ؟

- مقدم بر هر چیز تأکید میکنم که حتی در خفونت آمیزترین شرایط تضییق و فحار و ارگان مطبوعاتی حزب ما موجودیت خود را امیداد - البته - این نشریه کوچک و مختصری بود که مخفیانه منتشر میشد و گاهی هم بطور متناوب با تیراژی محدود انتشار مییافت و اساساً میان کمونیست ها پخش میشد - ولی خود فاکت انتشار روزنامه بزبانی رسا بر این گواهی میداد که حزب زنده است و مبارز میکند -

وضع سیاسی تازه ای که پس از سقوط دیکتاتورن نظامی پدید آمد به حزب کمونیست بلوی امکان داد در بسیاری از عرصه های امرد ولتی و اجتماعی فعالانه تروارد عمل شود - حزب کمونیست در دولت شرکت جست برخی از رهبران آن مقامات پرستولیتی را اشغال کردند - بطور مثال - بارنزه آسرد بهر سابق "اوپنیداد" بست وزیر کار برگزیده شد - معلوم است که تمهیراتی در وضع حزب و وظائف آن تغییرات جدی هم در زندگی روزنامه "اوپنیداد" در پی داشت -

در آغاز کار لازم بود اد امر روزنامه کارهای تازه تفتیم شود و هسته استواری از افراد موجود آورد - شود که قادر باشند انتشار منظم روزنامه را برقرار سازند - بواسطه این کار وظیفه دیگری در برابر ما قرار گرفت و

۱ - در اکتبر سال ۱۹۸۲ ائتلاف شرقی وحدت خلقی و دموکراتیک در بلوی در اس حاکمیت قرار گرفت که صد ران - سیلس سواس مقام ریاست جمهوری برگزیده شد (رجوع کنید به مقاله شرح ف - رود ریکس - نتایج مبارزه تمام خلق - مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " سال ۱۹۸۳ شماره ۶) - هیئت تحریریه -

و آن بالا بردن سطح سیاسی و ایدئولوژیک کارکنان و در عین حال افزایش مهارت تخصصی آنها بود که برای انتشار روزنامه ای سریع العمل و قابل فهم و درک قشرهای انبوه اهالی بلوی لازم است - تحکیم زمینه مادی "اوپنیداد" افزایش تیراژ آن و بهبود کیفیت نشریه هم از وظائف عمده ما بود - بحقیقه ما دست یافتن به این هدفها میتوانست به "اوپنیداد" امکان بدهد از چهار چوب سنتی و محیط کاملاً حزبی خود خارج گردیده به تأثیر حزب کمونیست بلوی در تشکل افکار عمومی بیفزاید -

نخستین چیزی که ما بدان دست یافتیم تأمین انتشار منظم روزنامه بود - از اوت سال ۱۹۸۲ به اینطرف هر هفته منتشر میشد - در مقایسه با دوران کارمخفی تیراژ کجای "اوپنیداد" ۶ برابر گردیده و این رقم روه افزایش است - ولی دشواریها مانند گذشته محسوس است : ماهنوز چاپخانه امیزه خسوس نداریم - این وضع ما را مجبور میکند به چاپخانه های خصوصی مراجعه کنیم و مسئله جبران هزینه تولید هم حل نشده باقی است -

ما میدانیم که در شرایط بحران اقتصادی که کشور را فرا گرفته حل مسئله تأمین مخارج روزنامه بهیچوجه آسان نیست - مهمترین کانال پشتیبانی مادی ارگان چاپی حزب کمونیست بلوی است که از فروش آن بدست نیاید - در حال حاضر بخش اساسی تیراژ روزنامه در کمیته های محلی و حوزه های حزبی بفروش میرسد - تعداد کمی از نسخه های آن را خوانندگان از طریق شبکه رسمی بازرگانی یعنی کیوسک های روزنامه بفروش میآورند - همین سبب سعی میکنیم سنت کهن حزبی شرکت داوطلبانه اعضای حزب در فروش "اوپنیداد" در روزهای شنبه و یکشنبه را از نو زنده کنیم -

- چه کسانی در هیئت نویسندگان روزنامه عضویت دارند ؟

- اولاً - شخصیت های سیاسی معتبری که به رهبری حزب تعلق دارند - ثانیاً - گروه کوچکی از روزنامه نگاران حرفه ای - از جمله کارکنان اداره روزنامه و شالان و خبرنگاران غیر رسمی که بطور صده در شهر های بزرگ مانند سانتا کروسه (دومین شهر بزرگ بلوی) - کوچا با میه و یک سلسله از مراکز کارگران معادن فعالیت میکنند -

در سانتا کروسه یکی از اعضای کمیته محلی حزب خود را بمنزله خبرنگار مخصوص "اوپنیداد" بهما خوب نشان داد - اکنون درصد داین هستیم که در شهرهای دیگر هم کمیته های شهر افرادی را که قادرند وظیفه خبرنگاری را انجام دهند - برای گرفتن ارتباط مستقیم با اداره روزنامه معلوم و مشخص سازند -

- "اوپنیداد" چگونه بحزب در تحقق خط مشی اصلی آن کمک میکند ؟

- مقدم بر هر چیز ما بارز جدی علیه جریانهای مخالف ما را داریم - لنینیسم - روزنامه کسار ایدئولوژیک و تربیتی سترکی انجام میدهد - در روزنامه مستون دانشی باخوان " بحث های ایدئولوژیک " بقیه در صفحه ۷۰

شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست لبنان

کمیست های لبنان ، طبقه کارگر و همسایه های ملی شرقی شصتمین سالروز حزب کمونیست لبنان را برگزار کردند . با تأسیس حزب کمونیست لبنان در ۲۴ اکتبر سال ۱۹۲۴ جنبش توده های زحمتکش کشور ما در راه آزادی اجتماعی و ملی به مرحله کیفی نوی گام نهاد (۱) .

مهمترین ریشه های که زمینه را برای ایجاد حزب پیشتاز طبقه کارگر لبنان فراهم ساخت پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر در روسیه بود که الهام بخش متکشان تمام دنیا گردید . پیروسی مهاجرت دهقانان به شهرها برای انجام این کار در داخل کشور اهمیت فراوانی داشت . بدین ترتیب بصوف کارگران مزدبگیری کمبود استثناسیار شد بد سرمایه داری بودند افزوده میشد . مبارزه آتیان در راه خواستهای اقتصادی و از جمله افزایش دستمزد ها و کاهش روزگار گسترش مییافت . تمام اینها برای پیدایش حزب طراوتین یعنی حزب کمونیست ها که بیانگر مافع طبقه کارگر و نیازها و همه زحمتکشان شهر و روستا و روشنفکران شرقی بود شرایط فراهم کرد .

در بهار سال ۱۹۲۵ اتحاد جوانان که " اسپارتاک " نامید میشد و شعبه ای هم در سوریه داشت به حزب کمونیست لبنان پیوست و از آن هنگام آن حزب ، حزب کمونیست سوریه و لبنان نامیده شد .

حزب کمونیست سوریه و لبنان گوناگون شده بود به فعالیت غیر علنی بهر د از نخستین کفرانس ملی خود را در دسامبر سال ۱۹۲۵ برگزار کرد . حکام دولت فرانسه ، بلافاصله پس از کفرانس رهبری آنروز حزب و رفا ف - الفصالی ، یو ، ابراهیم یازیک و آ ، مادیان را بازداشت و زندانی کردند .

با وجود این حزب به حیات خود ادامه میداد و مبارز میکرد . در دوران کار خفی دو بین کفرانس ملی حزب برگزار گردید (آوریل سال ۱۹۳۰) . بنا به تصمیم کفرانس کمیته مرکزی سند برنامه آمانندی تهیه کرد که در سال ۱۹۳۱ انتشار یافت . در آن سند وظائف و هدف نهائی حزب و موضعگیری آن نسبت به مسائل مختلف کشور روشن شده بود .

سالهای ۳۰ با اعتلای جوشان جنبش کارگری و ملی در کشور ما مشخص میگردد . کمونیست ها در آن به فعالترین وجهی شرکت میکردند . توجه حزب به کارهای ایدئولوژیک - تربیتی افزایش یافت . حزب

۱ - در آند دوران لبنان و کشور همسایه ای سوریه تحت قیومت فرانسه بودند .

که با اجازه ارگانهای حاکمیت اشغالگران علنی شده بود (سال ۱۹۳۶) برای گرفتن حق انتشار ارگان مرکزی خود " صوت الشعب " (صدای مردم) تلاش میکرد و در بهار زات انتخاباتی برای پارلمان شرکت جست (۱) .

بمناسبت افزایش خطر جنگ جهانی ، ۲۳ ماه مه سال ۱۹۳۷ " جامعه مبارزه با فاشیسم در لبنان " تأسیس گردید که ثابت که فردی کمیست بود رهبری آنرا بر عهده داشت . سازمانهای مختلف مردمی و کارگری و شخصیت های برجسته فرهنگی در موکرات در فعالیت های آن شرکت میکردند . مجله " الطريق " (راه) که مجله ای اجتماعی - سیاسی و ادبی بود و وسیله آن جامعه بنیانگذاری شده بود در انتشار اندیشه های ضد فاشیستی نقش بزرگی ایفا کرد .

در ژانویه سال ۱۹۴۴ نخستین کنگره حزب کمونیست سوریه و لبنان تشکیل شد . کنگره برنامه عملیاتی برای دورانی که در پیش بود بتصویب رساند و وظائف مبارزه در راه آزادی ملی و شرقی اجتماعی را طبق آن معلوم و مشخص کرد .

عزم و کوشش خلق ما استعمارگران را مجبور کرد و اواخر سال ۱۹۴۳ به لبنان استقلال بدهند . ولی ارتش های فرانسه و انگلستان هنوز در لبنان باقی میماندند . کمونیست ها و سایر سازمانهای ملی بهر خواستار خروج بیدرنگه و کامل آنها از سوریه و لبنان بودند . مبارزه روز افزون در راه تحقق این خواستها را کمیته فوق العاده ای رهبری میکرد که احزاب مختلف لبنان و از جمله حزب مادر آن شرکت داشتند .

نقطه اوج جنبش اعصاب همگانی و تظاهرات عظیمی بود که دوم ژانویه سال ۱۹۴۶ سراسر کشور را فرا گرفت . اتحاد شوروی قاطعانه از مبارزه آزاد بیخشن مردم لبنان پشتیبانی بعمل میآورد . موضع استوار و اصولی اتحاد شوروی در شورای امنیت سازمان ملل متحد کوششهای فرانسه و انگلستان و زود وند آنها را برای حفظ حضور نظامی خود در لبنان عقیم ساخت . بالاخره ارتشهای خارجی مجبور شدند از سرزمین لبنان خارج شوند (ارتش انگلستان در اکتبر و ارتش فرانسه در دسامبر سال ۱۹۴۶) .

در باره فعالیت سیاسی حزب در داخل کشور باید گفت در نتیجه کوشش های آن اتحاد به سراسری سند پیکاهای کارگران و کارندان لبنان در اوائل ژانویه سال ۱۹۴۴ ایجاد گردید که م . الحرس کمونیست رهبری آنرا بر عهده داشت . اتحاد به مبارزه گسترده ای در راه برقراری حداقل تضمین شده دستمزد و بهبود شرایط کار آغاز کرد . در سال ۱۹۴۶ مرکز سند یکائی اعصاب عمومی را سازمان داد که برای مردم پیروزی تاریخی مهمی در برداشت و آن تصویب مجبوه قوانین کار بنام " قانون کار لبنان " بود .

۱ - در آغاز جنگ جهانی دوم فعالیت حزب بار دیگر قدغن شد . پس از پیروزی راندن اعمال حکومت ویدی از کشور (تابستان سال ۱۹۴۱) از توفیق فعالیت علنی پرداخت .

اگرچه تا اوایل سالهای ۴۰ تا اواسط سالهای ۶۰ حزب مابجور شد باز هم بفعالیت مخفی بپردازد
(از ژانویه سال ۱۹۴۸) (۱) همواره در رأس نیروهای قراردادی که علیه دساتین کنگاگون امپریالیسم
و متحد پیش در لبنان و در سراسر منطقه بطور همه جانبه مبارزه میکردند (از جمله علیه پیمان بغداد و
" دکترین ایبزنهور " و " پیمان اسلامی " و مانند اینها)

حزب همچنین فعالانه در مسلح ساختن عساکری که در ماه مه سال ۱۹۵۸ علیه رژیم ارتجاعی
معمون - مالک آغاز گردید شرکت کرد . رژیم شمعون - مالک از تشنگی از ان دریائی امریکائیان کسب
کرد . عساکر تاسقوط این رژیم خیانت پیشه و خورج نیروهای امریکائی را که در آنجا آمده یافت .
روشن است که راه پرافتخار و روزنه جبهه حزب مآلمان و هموار نبود . در این راه عقب نشینی و ناکامی
هم وجود داشت . در ارتباط با شعار جبهه ملی لبنان و اقداماتی که بمنظور ایجاد وحدت در جنبش
سند یگانی و کارگری بعمل میآمد گاهی با انحراف " چپ " و بیاراست مواجه میگردد . نقش طبقه کارگر
در مبارزه سپهبدان و ملی و اجتماعی همیشه بدرستی ارزیابی نمیشد و کار مآلمان و دهقانان با پیگیری
همراه نبود . کبوت های جدی و اشتباهات در زندگی درون حزبی راهم که بصورت بیرونی تجسم و نفس
موازنین دموکراسی حزبی و اصول سازمانی لنینی و گاهی نقش ارگانهای رهبری حزبی پس از اختیاتی به
اصل رهبری جمعی بروز میکرد باید بر اینها افزود . همه اینها اساس و زمینه بحران حزب را بوجود آورد که
از اواسط سال ۱۹۶۶ آغاز گردید و تا اواسط سال ۱۹۶۷ ادامه داشت .

دومین کنگره حزب کمونیست لبنان در سال ۱۹۶۸ (ژوئیه) تشکیل گردید که برای نخستین بار
برنامه سیاسی و اساسنامه حزب را تصویب کرد . این کنگره چرخش تاریخی در زندگی کمونیست های لبنان
بوجود آورد . حزب خصلت طبقاتی و انقلابی واقعی کسب کرد و سمت های کلی به معرفت اجتماعی - اقتصادی
و سیاسی کشور را بطرز عمیقاً علمی تعیین کرد . با توجه بدین نکته ساختار طبقاتی تجزیه و تحلیل شد
و سیاست اتحاد های سود طبقه کارگر و توده های زحمتکش با جدا کردن ترس و بی بدون گشت های اصولی
معین شد . حزب در مسئله ملی هم مفی کلی را قاطعانه تغییر داد . کنگره موضع و نقش طبقه کارگر و حزب
پیشتر و آنرا در حل مسئله ملی و سپهبدان بطور روشنیک بهر اتیک تعیین کرد و نشان داد که در شرایط کوش و هنگام
هدفهای آزادی ملی و اجتماعی در هم آمیخته و نیروی اجتماعی که پیش از طبقه کارگر در دست یافتن
بدانها بدین پیغام بوده و نقش بزرگی ایفاء کند وجود ندارد .

در عرصه کارهای سازمانی کنگره دوم مراعات آکید موازن لنینی و احیای اصول مرکزیت دموکراتیک
را آغاز نهاد . کمونیست های لبنان از مرحله زندگی سیاسی محدود و خود انزوائی به مرحله گسترش صفوف
خوش بانمایندگان زحمتکشان (در درجه اول با کارگران و دهقانان) و ایجاد حزب توده ای گام نهادند .

۱ - تا اواسط سال ۱۹۷۰ حزب در شرایط مخفی بسر میبرد .

حزب کمونیست لبنان پس از کنگره دوم موفق شد بمکارطنی بپردازد و متحدان اعضای آن سه برابر
گردید . نقش پیشتر از حزب در مبارزه طبقاتی و سپهبدی و اجتماعی افزایش یافت . مفی سیاسی درست و
فعالیت شمسرخ روزبه در عرصه های مختلف و قربانیانی که حزب داد موجب آن شد که نقش پیشتر از آن میوز
قبول تودهای انبوه مردم واقع گردد .

تهدیدتدین ژرف تریشی سیاسی حزب در کنگره های سوم و چهارم آن (به ترتیب در سالهای
۱۹۷۲ و ۱۹۷۹) تحقق پذیرفت . کنگره اخیر طرل داخلی و خارجی جنگ داخلی در لبنان را مورد
بررسی قرار داد و بحران جنبش آزاد پیش ملی عربی را تجزیه و تحلیل کرد و مسئله آلترا ناتیوانقلابی برای این
جنبش در مرحله کنونی را با شهامت مطرح ساخت . در شرایطی که نیروهای ارتجاعی و فاشیستی کمونیست
ها را مابجور کردند اصلحه بدستگیرند و کنگره تأکید کرد که وظیفه ایجاد حزب توده ای رزنده و هر چه
مهم تر شده است (۱) .

این نیز قابل درک است . اینک لبنان شدیدترین و عشیق ترین بحران را در تاریخ معاصر خود
میگذراند . امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع میکوشند کشور ما را به حلقه دیگری از تجزیر تسلیم طلبانسه
کسب - دین بدیدل سازند و آنرا قطعه قطعه کنند و با استقلال ملی آن پایان دهند و آنرا از نیای
عربی جدا سازند و در سرزمین لبنان تشکیلات مذهبی - نژاد پرستانه و فاشیستی طبق نمونه اسرائیل
بوجود آورند و جنبش فلسطین را سرکوب کنند . نیروهای ملی - مترقی علیه این نجات عموم درگیر یکسار
سیاسی و نظامی شدیدی هستند .

حزب کمونیست لبنان میان این نیروها مقام شایسته ای دارد . حزب ما با رهنمود قرارداد ان برنامه
مصوب کنگره دوم و تزه های کنگره سوم و قرارهای کنگره چهارم قهرمانانه و با خفرو بیباکات پرچم ترقی ملی
و اجتماعی را در دست دارد . صدها کمونیست قهرمان همانند فب الحلو و بیروکل حزب در دفاع از
منافع طبقه کارگر و توده های زحمتکش و خواستهای سپهبدی و دموکراتیک خلق ما و حقوق ملی قانونی خلق
فلسطین و ملت عربی و برای دفاع از صلح در منطقه و سراسر جهان بهلاکت رسیدند .

اظهارات نیرومند اهالی در بیروت غربی که تفنگداران دریائی امریکائی و سایر نیروها تها ناتور مابجور
به ترک کشور نمود و الغای موافقت نامه تحقیر آمیز با اسرائیل و عظیم ساختن نقشه های فالانژیست ها
برای انحصار حاکمیت کشور تشکیل دولت وحدت ملی بریاست رشید گرامه از جمله رویداد های مهم
سال ۱۹۸۴ در لبنان است . این پیروزیهای تاریخی بدون سیاست صحیح اتحاد ها که حزب کمونیست
لبنان دنبال میکند و بدون قهرمانی خلق ما و جبهه سپهبدی مقاومت لبنان در برابر اشغالگران اسرائیلی و

۱ - درباره این موضوع مشروح تر رجوع کنید به ر . سمیون . حزب توده ای رزنده . مسائل صلح
و سوسیالیسم . سال ۱۹۸۲ شماره ۲ .

بدون موضع استوار سوره برادران روزنامه‌های انقلابی فلسطین بدون کمک مؤثری شائبه ای که در استان صندیق ما در درجه اول اتحاد شوروی بمانندند غیر ممکن می‌باشد .
 حزب کمونیست های لبنان آماده برگزاری پنجمین کنگره خود می‌باشد . این کنگره سر آغاز مرحله مهمی در وحدت هر چه بیشتر نیروهای شرقی لبنان می‌گردد . تدارک کنگره زیر شعار ایجاد جبهه گسترده ملی - دموکراتیک در راه آزادی ، وحدت و ایجاد دگرگونی های دموکراتیک بنیادی در کشور انجام می‌شود .

رائیق سه‌سوم
 عضو هیروی سیاسی کمیته مرکزی
 حزب کمونیست لبنان

پتیه از صفحه ۶۵

وجود دارد که در آن مسائل بحث انگیز تجزیه و تحلیل می‌شود . بطور مثال ، ما جزو بحث بسیار شدیدی بنا هفته نامه " آکی " داریم که از نظریات آنارشیستی - سندیکالیستی در جنبش کارگری دفاع می‌کند . علاوه بر این جای مخصوصی هم به روشنگری مسائل سازمانی و ساختمان حزبی اختصاص داد می‌شود . سرمقاله ای هم برتیا بچاپ می‌رسد که در آن به جنبه های بسیار حاد مبارزه سیاسی داخلی اشاره می‌شود و شی حزب کمونیست بلژیکی که هدف آن انجام برنامه دگرگونی های بنیادی مورد نظر بلوک وحدت خلقی و دموکراتیک است تشریح می‌گردد .
 بیکار شدن طبقاتی که در کشور در اطراف پروسه تحولات شرقی در گرفته و حملات بدون انقطاع ارتجاع داخلی و خارجی علیه دولت مردمی و وظیفه تقویت همه جانبه وحدت خلقی و دموکراتیک و تحکیم روابط دولت با توده های مردم را در برابر حزب و بنا بر این در برابر " اونیاد " مطرح می‌کند . انجام این کار را کارکنان نشریات حزبی و وظیفه انقلابی خود به شمار می‌آورند .

مجله " مسائل بین المللی " که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد ، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد .
 مندرجات این مجله از میان مقالات مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس کننده نظریات و اندیشه های آنانست ، انتخاب و ترجمه می‌شود .
 در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۱۱ و ۱۲ (نوامبر - دسامبر) سال ۱۹۸۴ مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " بچاپ رسیده است .

**PROBLEMS OF
 PEACE AND SOCIALISM**
 Theoretical and information journal of Communist
 and Workers' Parties throughout the world

هیئت تحریریه و شورای تحریریه مجله
«مسائل صلح و سوسیالیسم» از نمایندگان احزاب
کمونیست و کارگری کشورهای زیر ترکیب می‌شود:
اتحاد شوروی، اتریش، اردن، آرژانتین، اسپانیا،
اسرائیل، جمهوری افریقای جنوبی، الجزیره،
السالوادور، جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری
فدرال آلمان، اندونزی، اوروگوئه، ایالات متحده
امریکا، ایتالیا، ایران، ایرلند، برزیل، بریتانیای کبیر،
بلژیک، بلغارستان، بلوی، پاراگوئه، پاناما، پرتغال،
پرو، ترکیه، چکسلواکی، دانمارک، جمهوری
دومینیکان، رومانی، ژاپن، سنگال، سوئد، سوئیس،
سودان، سوریه، شیلی، عراق، فرانسه، فلانده فیلیپین،
فرانس، کانادا، کلمبیا، کوبا، گواتمالا، لبنان، لوکزامبورگ،
لهستان، مجارستان، ممولستان، مکزیکو، ونزوئلا،
هندوراس، هندوستان، یونان.